سرای سعادت

ویژه اهل سنت



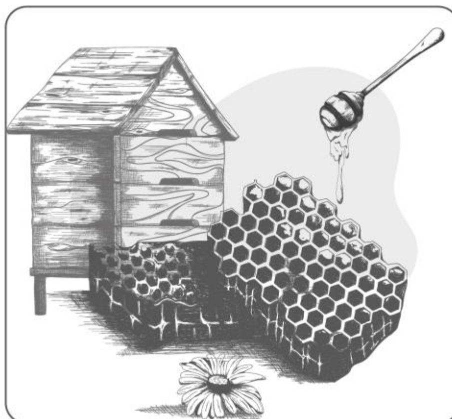
دکتر صلاح الدین جوهری

سرای سعادت

ویژه اهل سنت

آداب و احکام زندگی در پرتو قرآن و سنت






تألیف: دکتر صلاح الدین جوهری

بسم الله الرحمن الرحيم



سرشناسه	: جوهری، صلاح‌الدین، ۱۳۵۵ –
عنوان و نام پدیدآور	: سرای سعادت: آداب و احکام زندگی در پرتو قرآن و سنت ویژه اهل سنت/ تالیف صلاح‌الدین جوهری.
مشخصات نشر	: تهران: کتاب ریرا،۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۸ص.: جدول.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۶۴-۹۲-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر	: آداب و احکام زندگی در پرتو قرآن و سنت ویژه اهل سنت.
موضوع	: زندگی مذهبی (اهل سنت)
موضوع	: مسلمانان-- راه و رسم زندگی
موضوع	: Muslims-- Conduct of life
رده بندی کنگره	: BP۲۲۶/۲
رده بندی دیویی	: ۴۶۶/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۵۷۴۸۵۲
وضعیت رکورد	: فیپا
تاریخ درخواست	: ۲۷/۱۲/۱۳۹۹
کد پیگیری	: ۷۵۷۴۸۰۹

مشخصات کتاب

نام : سرای سعادت: آداب و احکام زندگی در پرتو قرآن و سنت ویژه اهل سنت

نویسنده : صلاح الدین جوهری

مشخصات ظاهری : ۲۳۸ص : جدول.

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۶۴-۹۲-۷

مشخصات نشر : تهران: کتاب ریرا،۱۴۰۰.

هر اندازه مرد و زن در زندگی به پروردگار خود نزدیک شوند، همان اندازه از مشکلات و اختلافات آنان کاسته می شود؛

الله سبحانه و تعالی می فرماید:

مَنْ عَمِلَ صَٰلِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُۥ حَيَوٰةً طَيِّبَةً ۖ

(از مرد و زن، هر کس کار شایسته انجام دهد در حالی که مؤمن است، مسلماً او را به زندگی پاک و خوبی زنده می داریم).

امام احمد رحمه الله روزی از همسرش-مادر صالح- به خوبی یاد می کند و برای او آمرزش می طلبد، و می گوید: **(بیست سال با هم زندگی کردیم و حتی در یک کلمه هم با هم اختلاف نکردیم).** پس بر خود عهد ببندیم از خودمان در زندگی خاطرات خوبی در راستای رضایت پرودگار به جای بگذاریم.

فهرست

مقدمه..	۱۱
هدف و محاسن ازدواج..	۲۱
کلیدهای خوشبختی زندگی..	۲۹
۱- شناخت حقوق و واجبات شرعی...	۳۱
۲- شناخت روان..	۳۳
۳- اهتمام به روابط فطری..	۳۸
۴- پرورش عواطف و ابراز احساسات..	۴۲
سازش با حقایق..	۵۴
خلاصه و خاتمه کلیدهای خوشبختی...	۵۵
مقررات مشترک زندگی..	۵۷
۱- مراعات مقررات زندگی از واجباتی است که در مقابل آن پاداش اخروی است.........	۶۱
۲- کوتاه آمدن در مقابل بعضی از حقوق در زندگی...	۶۳
۳- انصاف در تعامل و در دادن حقوق و مستحقات و معاملات....................................	۶۴
۴- به یاد داشتن نیکی ها و فراموش نکردن آن..	۶۵
۵- پرهیز از گرفتن حقوق به هنگام خشم و عصبانیت و اختلافات................................	۶۷
۶- حفظ احترام و نیک سخن گویی..	۷۳
۷- پوزش طلبیدن و تواضع در زندگی عزت آفرین است..	۷۴
۸- برابری حقوق مرد و زن مگر در بعضی موارد..	۸۱
۹- مراعات فروق فردی..	۸۵

۱۰- حفظ اسرار زناشویی............	۸۶
وظایف شوهر یا حقوق زن............	۸۹
۱- تقوای الله ﷻ در ادای حقوق............	۹۵
۲- مهر............	۹۶
۳- نفقه............	۹۷
۴- مسکن............	۹۹
۵- هم‌خوابی............	۱۰۰
۶- رفتار نیک............	۱۰۲
۷- صبر و تحمل............	۱۰۴
۸- محافظت از زن............	۱۰۹
۹- تأدیب و آموزش............	۱۱۲
وظایف زن یا حقوق شوهر............	۱۱۵
۱- تقوای الله ﷻ در ادای حقوق............	۱۱۹
۲- توقیر و احترام............	۱۲۱
۳- اطاعت با نیکی............	۱۲۴
۴- هم خوابی............	۱۲۵
۵- کسب رضایت شوهر –در مظهر و اخلاق واکرام–............	۱۲۸
۶- سپاس و تشکر............	۱۳۲
۷- اجازه گرفتن از شوهر............	۱۳۴
۸- زن مسکن و مظهر سکونت و آرامش و آسایش است............	۱۳۶

آداب زناشوئی:..	۱۴۱
اول: بهره گرفتن از قدرت و توانایی‌ها..	۱۴۵
دوم: ایجاد رابطه دوستانه با مهر و محبت و صمیمیت..............................	۱۴۵
سوم: اهمیت به شنیدن و دیدن..	۱۴۷
چهارم: چشم پوشی و گذشت و دلگرم شدن به خوبی‌ها..........................	۱۴۹
پنجم: مهندسی کردن زندگی...	۱۵۳
اختلافات و حل مشکلات...	۱۵۵
اسباب اختلافات در زندگی..	۱۵۷
۱- ظلم و ستم...	۱۵۷
۲- هوای نفس...	۱۵۸
۳- حسادت و طمع..	۱۶۵
۴- ضعف ایمان و دل به دنیا بستن...	۱۷۱
۵- عنادت و لجاجت...	۱۷۳
۶- دخالت..	۱۷۴
بیماری‌های روانی..	۱۷۷
۱- عدم اهمیت به احساسات و عواطف..	۱۷۹
۲-کج فهمی و منفی‌گری و بدبینی و برداشت‌های نادرست........................	۱۸۰
۳- وسواس داشتن...	۱۸۲
۴- بی رحمی، ظلم، ستم و پایمال کردن حقوق.......................................	۱۸۳
ویرانگرهای زندگی...	۱۸۹

۱- خشم و عصبانیت...	۱۹۱
۲- انتقام و عقوبت...	۱۹۴
۳- مقارنه و قیاس؛ نکوهش و سرزنش..	۱۹۶
۴- عدم قناعت و چشم گرسنگی و کوردلی...	۲۰۲
خلاصه و جمع بندی مطالب گذشته...	۲۰۷
راهکارهای حل مشکلات زندگی..	۲۱۱
۱- دنبال سبب و علت مشکل گشتن..	۲۱۷
۲- نیک اندیشی..	۲۱۸
۳- سازش با حقایق تلخ زندگی و چشم پوشی...	۲۲۰
۴- مدیریت خشم و عصبانیت..	۲۲۱
۵- کوتاه آمدن و گذشت کردن..	۲۲۴
۶- زیبا و خوب سخن گفتن...	۲۲۵
۷- شناخت تفاوت‌ها..	۲۲۶
۸- گذشت زمان و صبر..	۲۲۷
۹- مشورت..	۲۳۲
۱۰- پوزش طلبیدن...	۲۳۲
۱۱- عقل و عاطفه..	۲۳۳
۱۲- صلح و خوبی...	۲۳۴
آزمون سنجش مهارت‌های زندگی..	۲۳۷

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله رب العالمين والصلاة والسلام علی اشرف الانبیاء وسید المرسلین وآله وصحبه اجمعین. اما بعد.

این کتاب بر اساس منزل نبوت و تعامل رسول الله ﷺ با همسرانش به طور متقابل و فقه و فرهنگ یا همان آداب و احکام زندگی در پرتو قرآن و سنت است؛ اموری که الله ﷻ در زندگی زناشویی از ما خواسته تا در زندگی خود مراعات کنیم، همان طور که در نماز و روزه و دیگر عبادت ها از ما خواسته تا آداب و احکام آن را مراعات کنیم.

نام این کتاب به عنوان: سرای سعادت بدین علت است که هدف از تشکیل خانواده رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی است، و برای رسیدن به حس سعادت در زندگی دنیوی نیاز به تلاش در اجرای برنامه الهی می‌باشد.

شاید بعضی از قصه‌ها یا مثال‌ها و آیات در این کتاب تکرار شوند؛ جایی بر اساس مناسبت با موضوع و جایی به خاطر اهمیت آن بوده است.

بحث آداب و احکام زندگی در پرتو قرآن وسنت یعنی آن طوری که الله ﷻ و پیامبرش ﷺ برای ما بیان داشته‌اند زندگی کنیم؛ الله ﷻ برای زندگی مثال سکونت و مسکن می‌زند که در ذهن انسان فورا بحث منزل می‌آید: **{وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً}**[1]: (و از نشانه‌های – قدرت و ربوبیت– او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در

---

(۱) روم : ۲۱.

کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد).

لازمه این سکن و زندگی و منزل چیست؟ آیا امنیت و راحتی و آسایش و آرامشی دارد؟

هر فردی به طور فطری به همدم و همدردی نیاز دارد که او را درک کند و سخنش را بشنود و به او آرامش و تسکین دهد؛ به همین علت زن در قرآن به عنوان صاحب یعنی هم صحبت و رفیق مرد یاد شده است، الله ﷻ می‌فرمایند: **{يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ * وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ}**[1]: (گناهکار –در روز قیامت– آرزو می‌کند که کاش برای رهایی از عذاب آن روز، می‌توانست پسران خود را عوض دهد و فدا کند ❊ و –نیز– همسرش و برادرش را).

الله ﷻ برای زندگی مشترک نیز مثال مزرعه را می‌زند: **{نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ}**[2]: (زنان شما کشت‌زار و مزرعه شما هستند).

هر کشت‌زاری نیز نیاز به کشت و شخم و آبیاری دارد تا محصولی به دست آید؛ و زندگی مشترک نیز چنین است و نیاز به اهمیت و رعایت دارد.

همچنین مثال لباس را می‌زند: **{هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ}**[3]: (آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید). چرا در این آیه لباس بیان شده است؟ زن برای مرد و مرد هم برای زن لباس است؟.

---

(۱) معراج : ۱۱-۱۲.

(۲) بقره : ۲۲۳.

(۳) بقره : ۱۸۷.

مردم هر قومی به پوشش و لباس خود اهمیت خاصی می‌دهند و برای خرید آن هزینه می‌کنند؛ زن و مرد نیز در زندگی باید همدیگر را بپوشانند و احتیاجات همدیگر را برآورده کنند و برای این پوشش از وقت و مال هزینه کنند.

لباس پوشش و پناهی در قبال سرما و گرماست و زینت و زیبایی که انسان از قشنگی آن لذت ببرد؛ و بر خلاف آن نبودنش زشت و غم و اندوه و تنهاییست.

رسول الله ﷺ رابطه زناشویی و همبستری را به عنوان چشیدن عسل یاد می‌کند[1]، که این خود دلیلی بر شیرینی زندگی و اهمیت دادن به غریزه‌ای بوده که الله سبحانه وتعالی در ما آفریده است.

زندگی تنها مقررات و قوانین نیست و ما نیز فرشته نیستیم؛ کوتاهی و اشتباه از هر فرد در زندگی احتمال دارد ولی نه ظلم؛ از این جاست که زندگی نیازمند بخشش و شکیبایی است.

غربی‌ها در بحث عشق ورزیدن به همدیگر در زندگی با نظریه پردازی‌های متفاوت وارد شده‌اند؛ ولی این نظریه‌ها فاقد الگو و نمونه است.

ام المؤمنین خدیجه رضي الله عنها همسر رسول الله ﷺ زنی ثروتمند بود و برای خود برده و کنیزانی داشت، ولی خودش در خدمت رسول الله ﷺ بود و زمانی که همسرش در غار خلوت می‌کرد به سوی او بالای کوه می‌شتافت و برای او غذا می‌برد؛ دریغ از این که گلایه و شکایتی کند.

این مسیر طولانی و خسته کننده تا بالای کوه برای چنین زنی آسوده و راحت

---

(۱) صحیح. ابن ماجه در کتاب سنن، شماره ۱۵۶۸.

است، زیرا این خدمت و تلاش‌ها برای مردی بوده که او را دوست دارد و به او عشق می‌ورزد؛ این معنای عملی عشق است نه فقط شعار!

اینجاست که رسول الله ﷺ حتی پس از وفات همسرش خدیجه رضی الله عنها این عشق ورزی‌ها را فراموش نکرده و به یاد همسرش سر به دوستان خدیجه رضی الله عنها می‌زند و برای آنها با خود هدیه می‌برد.

آری، این زن تمام دارایی‌اش را در اختیار همسرش می‌گذارد و به پاس وفاداری‌اش هرگز همسرش او را فراموش نمی‌کند و بعد از وفاتش همیشه به یاد اوست.

این دفترچه خاطرات فقط ادعاها و انبار غم و غصه‌ها نیست، بلکه سرشار از کردار و رفتارهای عاشقانه است؛ و این‌ها فقط یک فداکاری یا بخشش نیست، بلکه پرورش و کاشت بذر محبت است نه ذلت و خواری؛ زمانی این محبت ورزی ذلت است که در راه حرام و به خاطر رسیدن به مال دنیوی باشد، و کافیست در پست بودن چنین فردی که در حدیث به برده پول بودن[1] از آن یاد شده است.

آیا ام المؤمنین خدیجه رضی الله عنها گاهی به روی خودش برای شوهرش آورده که تو با مال من به اینجا رسیده‌ای؟ یا این من بودم که تو را به اینجا رسانده‌ام و دیگر منّت گذاشتن‌ها که شرع آن را حرام دانسته است و در عقوبت آن آمده است که: الله سبحانه و تعالی با چنین فردی در روز قیامت سخن نمی‌گوید[2].

(۱) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۲۶۸۷.

(۲) مسلم در کتاب صحیحش، شماره ۱۵۸.

زندگی جای انبار کردن اشتباهات و به رخ دادن آن نیست، بلکه جای گذشت و کاشت خوبی‌هاست.

فداکاری زن زمانیست که شوهر را همچون پرنده‌ای از قفس منزل آزاد کند تا آزادانه تصمیم بگیرد و گاهی با خود یا دوستانش خلوت کند؛ نه این که همچون زنبوری دور سر همسرش بچرخد و منتظر فرصت باشد تا با کوچک‌ترین اشتباهی او را نیش بزند.

گاهی هدف ام‌المؤمنین خدیجه رضی الله عنها از رفتن به غار سر کشیدن به کار رسول الله صلی الله علیه وسلم یا تجسس کردن و دخالت نبود؛ بر خلاف زنانی که قدم اول که شوهر از منزل بیرون می‌گزارد شروع به تماس گرفتن و بو کشیدن اوضاع و احوال شوهر می‌کنند که نکند با زنی قرار دارد یا قصد ازدواج دارد؛ یا منتظر فرصتی تا انتقام کوتاهی‌ها را با نق نق کردن بگیرند که با دوستان خوش می‌گذرانی ولی با ما نه! و به دوستانت اهمیت می‌دهی ولی ما نه!.

هدف از آن تماس‌ها دلواپسی نیست، بلکه تجسس و دخالت است.

حساسیت بر رفتار دیگران خلاقیت و لذت بردن از زندگی را از ما می‌گیرد، و ذهن را درگیر می‌کند و آسایش را از زندگی می‌برد، و ما را تبدیل به یک انسان کاراگاه می‌کند، تا جایی که از بوی دهان و نوع عطر و دیگر قرائن نوع قرار و ملاقات ها را تشخیص دهیم!.

شبی ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها نسبت به رفتن رسول الله صلی الله علیه وسلم به قبرستان بقیع حساس می‌شود و پشت سر وی شب هنگام راه می‌افتد، و به هنگام بازگشت به

منزل رسول الله ﷺ او را می‌بیند و می‌فرماید: ((ای عایشه چیزی رخ داده و به غیرتت بر خورده است؟))، ام‌المؤمنین عایشه ؓ می‌گوید: چگونه فردی مثل من بر فردی در جایگاهت غیرتی نشود؟، آن گاه رسول الله ﷺ می‌فرماید: ((شیطان تو را وسوسه کرد!))[1]...

این نوع مهارت ها را ما در مدیریت خشم در زندگی نیاز داریم؛ به طور طبیعی انسان تحت تأثیر وسوسه شیطان واقع می‌گردد و در ذهن او ایجاد توهم و بدگمانی می‌کند، که سبب می‌شود همدیگر را با سخنان ناشایست برنجانیم.

به همین علت است که: الله ﷻ در قرآن از ما خواسته که از شر شیطانی که وسوسه در دل ما می‌اندازد به او پناه ببریم.

در این صحنه که رسول الله ﷺ نصف شب ام‌المؤمنین عایشه ؓ را در پی خود می‌بیند و ناراحت می‌شود، ام‌المؤمنین عایشه ؓ توانست با سخن زیبای خودش خشم رسول الله ﷺ را مهار کند؛ "چگونه فردی مثل من بر فردی در جایگاهت غیرتی نشود؟"؛ این احترام و تقدیر و سخن زیبا که در توجیه کار اشتباه آمده است مشکل را آسان می‌کند؛ بر خلاف زنانی که در توجیه کار خود شروع به توهین و تحقیر طرف مقابل می‌کنند، که آخر و عاقبت آن کدورت و خصومت و بروز اختلافات و رفتن آرامش و محبت از زندگی است.

مثال‌ها و الگوها در ارتباط درست زن و مرد در منزل رسول الله ﷺ زیاد

---

(۱) مسلم در کتاب صحیحش، شماره ۵۰۴۱. لفظ حدیث: "شیطانت آمد" است که همان کنایه از وسوسه شیطان است.

هستند؛ از جمله: زمانی که رسول الله ﷺ پس از پایین آمدن از کوه بعد از بعثت و انتخاب از طرف الله ﷻ برای پیامبری با تب و لرزی به منزل می‌روند و ام‌المؤمنین خدیجه رضی الله عنها ایشان را با لحافی می‌پوشانند و ایشان را آرام و دلگرم می‌کنند.

سخنان خوب و زیبا انسان را آرام کرده و سخنان بد و نسنجیده و تند انسان را دگرگون می‌کند؛ ام‌المؤمنین خدیجه رضی الله عنها با سخنانی زیبا از این که تو فردی خوب و خیرخواه هستی و دیگر سخنانش مرهمی بر تب و لرز می‌شود، و به وی اطمینان خاطر می‌کند بر این که کسی که خوبی می‌کند جز خوبی چیز دیگری نمی‌یابد.

بر خلاف زنانی که اگر شوهر کمی دیر به منزل برگشت آسایش را از خود و فرزندانش می‌گیرد و آنان را کتک می‌زند تا شوهر بار دیگر چنین اشتباهی مرتکب نشود.

فرزند بی تقصیر کتک می‌خورد تا شوهر تأدیب شود!؟؛ در نتیجه: انتقام دیر آمدن به منزل را باید تاوانش فرزند بی‌گناه پس دهد و شوهر هم به پای آنها بسوزد!!

فرزند ابوطلحه رضی الله عنه صحابی رسول الله ﷺ مریض می‌شود و وفات می‌یابد، و مادرش ام‌سلیم رضی الله عنها در گوشه‌ای از منزل او را می‌خواباند و به شوهرش ابوطلحه رضی الله عنه که تازه از سفر برگشته اطلاع نمی‌دهد؛ زمانی که ابوطلحه رضی الله عنه به منزل بر می‌گردد از فرزندش سراغ می‌گیرد و ام سلیم رضی الله عنها در جواب می‌گوید: استراحت می‌کند.

صبح پس از این‌که ابوطلحه رضي الله عنه غسل جنابت خود را انجام می‌دهد همسرش به او خبر وفات فرزندش را می‌دهد و او با ناراحتی نزد رسول الله صلى الله عليه وسلم آمده و از همسرش گلایه می‌کند؛ و در پاسخ رسول الله صلى الله عليه وسلم می‌فرماید: ((شاید الله سبحانه وتعالى در –همبستری– دیشب شما برکت قرار دهد)). فردی از انصار رضي الله عنه می‌گوید: نه نفر از فرزندان اینها را دیده‌ام که همه آنها قرآن را ختم کرده‌اند[۱].

در بعضی از روایات آمده که ام سلیم رضي الله عنها به همسرش می‌گوید: اگر قومی به قومی دیگر امانتی دهند آیا آنان می‌توانند امانت را پس ندهند؛ او گفت: خیر، آن زن نیز به او گفت: الله سبحانه وتعالى فرزندی را امانت نزد تو گذاشته بود و امانت خود را پس گرفت[۲].

این زن می‌توانست شوهرش را مقصر کند و بگوید: چون تو مسافرت بودی فرزندت وفات یافت و اگر می‌بودی چنین و چنان نمی‌شد.

ولی برای این زن صحابی رضایت الله سبحانه وتعالى و آرامش و آسایش شوهرش مهم بود و نخواست با خبری ناگوار او را برنجاند، و پاداشش هم این بود که رسول الله صلى الله عليه وسلم در حق آنان دعای برکت کند.

این زن با آرامش شوهرش خودش نیز به آرامش رسید و شب تا صبح با او سپری کرد؛ ولی سرای بیشتر زندگی‌ها چنین نیست، و با آمدن شوهر به منزل شکایت‌ها و کمبودهای منزل و گلایه‌های فرزندان جلو او ردیف می‌شود.

---

(۱) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۱۲۲۵.

(۲) امام احمد در کتاب مسندش، شماره ۱۲۶۲۴.

خستگی تن و روح و روان با هم جمع شده و مشکلات گوناگون نیز مرد را در آغوش گرفته و خشم و عصبانیت و ناراحتی او را از زدن لبخند کوچکی محروم می‌سازد.

این چنین منزلی دیگر محل سکونت و آرامش نیست، بلکه کارگاه پر سر و صداست که جای خواب در آن نیست.

نوع برخورد دلالت بر ارزشی دارد که فرد به خود و دیگران قائل است؛ زمانی که ام‌المؤمنین خدیجه رضی الله عنها رسول الله صلی الله علیه وسلم را در مقابل آزار و اذیت مشرکین تسلّی می‌دهد و از او تقدیر می‌کند و با جان و مال خود از او حمایت می‌کند؛ رفتار این زن سپاس او را در مقابل شوهرش می‌رساند، به ویژه زمانی که از خوبی‌های همسر خود می‌گوید تا او را تسکین دهد و نسبت به راهی که پیش گرفته دلگرم کند.

هر جا سخن از قانون به میان آمده بحث از مقررات و تکالیف بوده است، که الله سبحانه وتعالی یا انسان آن را برای زندگی بهتر و سالم‌تر وضع کرده‌اند؛ به عنوان مثال: ماشینی که آن را می‌رانیم یک سری قوانینی برای رانندگی‌اش دارد و خیابانی که در آن رانندگی می‌کنیم نیز قوانینی دارند که باید آن را مراعات کنیم.

حال در نظر بگیریم با ماشینی که ترمز ندارد و چراغ آن سوخته است، و شب هنگام در خیابانی که هیچ چراغ و تابلو و خطی روی آن نیست می‌خواهیم رانندگی کنیم.

ترس و وحشت ما را فرا خواهد گرفت و با سرعتی بسیار پایین ماشین را خواهیم راند و دقت فراوانی را به خرج می‌دهیم تا این که سالم به مقصد برسیم.

زندگی نیز چنین است، و با در نظر گرفتن مقررات هرچند دشوار و سخت بوده با آن سازش کنیم تا این که سالم به مقصد و رضایت الله ﷻ برسیم.

شاید احساس شود بعضی از قوانین حق به جانب مردها بوده و قوانین دیگری حق به جانب زن‌ها باشد؛ ولی با این دیدگاه که این قوانین الهی بوده و الله ﷻ مصلحت ما را می‌خواهد پذیرش آن آسان می‌شود.

قبل از ازدواج شاید صدها برنامه برای زندگی خود داشته باشیم و از سن بلوغ با احساسات و عواطفی که الله ﷻ در درون ما گذاشته بر در و دیوار و کاغذ قلبی را کشیده باشیم و در خیال خود داستان‌هایی را ویرایش کرده باشیم و چنین ادعا کرده‌ایم که نمی‌گذاریم خاری به پای معشوق‌مان فرو رود.

ولی با کمی وزش باد تند مشکلات، آرامش دریای درون ما به هم ریخته و مایی که ادعای از خود گذشتگی و ایثار و فداکاری را داشته‌ایم همه آنها را لگد زده و خود خاری به پای معشوق می‌شویم.

ان شاء الله در این کتاب به این مثال ها خواهیم پرداخت و تا جایی که امکان دارد توضیح خواهیم داد.

از الله ﷻ می خواهیم که زندگی همه ما را نورانی کند و چنان توفیق زندگی به ما دهد که خودش از آن راضی باشد؛ **﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾**[1]: (پروردگارا از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرارده، و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان).

---

(۱) فرقان : ۷۴.

هدف و محاسن ازدواج

ما آن چیزی که در بحث زندگی زناشویی به آن نیاز داریم بحثی فراتر از امر تعبدی و دینی هست؛ یک سری مسائل در بحث زندگی زناشویی بحث فرمانپذیری از الله ﷻ و جنبه‌ای دیگر بحث روان و عاطفه است که شرع به آنها نیز اهمیت داده است.

ازدواج یک جنبه‌اش تحقق عبودیت است: **{وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ** (٥٦) **مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعِمُونِ}**[١]: (و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند. از آنان هیچ روزیی نمی‌خواهم، و نمی‌خواهم که مرا خوراک دهند.).

یعنی الله ﷻ زمانی که به چیزی دستور می‌دهد آن چیز عبادت می‌شود؛ زندگی زناشویی هم یک مسأله تعبدی هست، یعنی همان ازدواجی که صورت می‌گیرد چون الله ﷻ به ما اجازه داده و تشریعش کرده عبادت است.

پس بحث عبودیت و تشریع است و الله ﷻ از ما خواسته رو به ازدواج بیاوریم نه رو به زنا و فحشا و منکر؛ الله ﷻ از ما عفاف و پاکدامنی خواسته و اینکه ما ازدواج کنیم تا منجر به زنا نشود.

نتیجه زنا و فحشا به وجود آمدن آنهاییست که بینوا هستند و پدر و مادری ندارند؛ به ویژه آنانی که مادرانشان در اثر زنا رهایشان کرده‌اند.

تصور کنیم دختر و پسری که پدر و مادر ندارند، و مادرش سر خیابان یا در

---

(١) ذاریات : ۵۷.

زایشگاه یا کنار سطل زباله‌ای رهایش کرده است؛ آن فرزند چطور بزرگ می‌شود؟ و چطور در جامعه سرش را بلند می‌کند؟

دیگر پدر و مادری نیستند که تربیتش کنند و بگویند این دزدی و این کار بدیست، و این نماز و روزه است؛ اگر امر و نهیش نکنند چه زندگی‌ای می شود؟!

چنین فرزندی دیگر از کسی نمی‌ترسد، و دردی که به آن دچار شده را از چشم جامعه می‌بیند، و چنین دختری دیگر سخت کسی به او اعتماد می‌کند و از او خواستگاری می‌کند، و اگر هم ازدواج کند این خلأ همیشه آزارش می‌دهد و پناهی ندارد که درد خود را به او بازگو کند، نه خواهری و نه پدر و مادر و عمه و عمو و خاله ای؛ چه زندگی عاطفی خواهد داشت؟ زندگی خیلی تلخ و رنجش آور، و زندگی پر از درد و غم.

الله ﷻ از ما زندگی می‌خواهد، تا زندگی بشر بر روی زمین پایدار بماند و نابود نشود، نه این که تنها هوسی باشد که خالی از عاطفه و محبت بوده و هر کس به فکر ارضای خود باشد.

چه زندگی‌ای دارد آن کسی که بی‌خانمان و بی‌سرپرست هست؟

الله ﷻ اگه دستور به ازدواج داده یک سری نیکی‌ها و حکمت‌ها و خیرهایی در آن گذاشته که انسان شاید آن را درک کند یا نکند.

باید الله ﷻ را شکر گذار باشیم که زنا زاده و آن کسی که سر خیابان رهایش کرده‌اند نیستیم؛ خانه و منزل و پدر و مادری داریم.

ازدواج سبب تقویت ایمان است، و سبب می‌شود انسان به الله ﷻ نزدیکتر

شود, همانطور که رسول الله ﷺ می‌فرمایند: ((**من تَزَوَّجَ فقد استکملَ نصفَ الايمان فليتق الله في نصف الباقي**))[1] : (کسی که ازدواج کند، یقیناً نصف ایمان را کامل کرده است. پس در نصف دیگر آن، تقوای الهی را پیشه نماید).

ازدواج باید باعث تقویت ایمان شود نه ضعف آن؛ ما قبل از ازدواج شاید اهل قیام وتهجد و ذکر باشیم! ولی بعد از ازدواج وقتی که وارد زندگی زناشویی می‌شویم دیگر از دین فاصله می‌گیریم، چون لذت دنیا را داریم الان، چون دیگر به مراد دنیوی مان رسیدیم.

یادمان باشد که ازدواج سبب نشود از الله ﷻ غافل شویم؛ ازدواج خودش عبادتیست که با آن ایمان تقویت می‌شود، و سبب می‌شود که انسان رو به زنا نیاورد، بلکه عفیف و پاکدامن شود؛ همانند آن زن و مردی نشویم که متأهل است ولی چون ارضاء نمی‌شود و محبتی از همسرش نمی‌بیند، رو به فرد دیگری می‌آورد به این بهانه که نیاز و کمبودم را پیش فرد دیگری می‌برم که درکم می‌کند، بهانه‌اش به خاطر این فاحشه و به خاطر حرف زدن و ارتباط با نامحرم این است که همسرم نسبت به من بی اهمیت است.

زندگی برای سازش است، و این ساخت و ساز نیاز به زمان و حوصله و صبر و تحمل دارد، و قرار نیست لباس ما بدون دوخت و دوز باشد، بلکه باید تمام سعی و تلاش خود را برای اصلاح به کار بگیریم و در مقابل این نعمت و توفیق برای انجام این عبادت و آن هم ازدواج شکرگذار باشیم؛ الله ﷻ می‌فرمایند: **{لَئِنْ شَكَرْتُمْ**

---

(۱) صحیح. طبرانی در اوسط، شماره ۹۰۲۵.

لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ}[1]: (اگر سپاس گزاری کنید، قطعاً –نعمتِ– خود را بر شما می‌افزایم، و اگر ناسپاسی کنید، بی‌تردید عذابم سخت است).

پس اگر شکرگذار باشیم الله ﷻ درهای رحمتش را بر ما باز می‌کند و غم و اندوه ما را حل می‌کند.

رسول الله ﷺ می فرمایند: ((**إِذَا صَلَّتِ الْمَرْأَةُ خَمْسَهَا، وَصَامَتْ شَهْرَهَا، وَحَصَّنَتْ فَرْجَهَا، وَأَطَاعَتْ بَعْلَهَا دَخَلَتْ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ شَاءَتْ**))[2]: (هنگامی که زن نمازهای پنج وقتش را بخواند، و روزه ی ماه رمضانش را بگیرد، و پاکدامنی پیشه کند و شوهرش را اطاعت نماید، از هر کدام از درهای بهشت که بخواهد، وارد می‌شود).

سبحان الله! خیلی مسأله مهمی است، نجات تنها در نماز نیست، بلکه در عفت و پاکدامنی و شوهر داری و زندگی هم هست.

همچنین در حدیثی ابوهریره رضی الله عنه روایت است که میگوید: **أَنَّ رَجُلًا قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّه! إِنَّ فُلَانَةً – ذَكَرَ من كَثْرَة صَلَاتهَا –، غَيْرَ أَنَّهَا تُؤْذِي بلسَانهَا؟ قَالَ: ((في النَّار))، قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّه! إِنَّ فُلَانَةً – ذَكَرَ مِنْ قِلَّةِ صَلَاتِهَا وَصِيَامِهَا –، وَأَنَّهَا تَصَدَّقَتْ بِأَثْوَارِ أَقِطٍ، غَيْرَ أَنَّهَا لَا تُؤْذِي جيرانها؟ قال: ((هي في الجنة))**[3]: (مردی گفت: ای رسول الله درباره زنی که بسیار نماز می‌خواند، ولی دیگران را با زبانش آزار می‌دهد؟، رسول الله ﷺ فرمود: "در جهنم است"، و گفت: ای رسول الله درباره زنی که کم

(۱) ابراهیم : ۷.

(۲) صحیح. ابن حبان در کتاب صحیحش، شماره ۴۲۵۲.

(۳) صحیح. ابن حبان در کتاب صحیحش، شماره ۵۷۳۴.

نماز می‌خواند و روزه می‌گیرد، و قطعه‌ای از کَشک صدقه داده است، ولی همسایگان خود را آزار نمی‌دهد؟، رسول الله ﷺ فرمود: "در بهشت است").

بدون شک حق همسر از همسایه بالاتر است؛ حال کسی که با زبانش همسرش را آزار می‌دهد ولی اهل نماز و روزه و صدقه است چه حکمی دارد؟

چه حکمی دارد همسری که همسایه از زخم زبانش در امان هست ولی همسر خیر!

چطور می‌خواهیم درهای بهشت بر ما گشوده و باز شود ولی حق همسر را ادا نکرده‌ایم!

شأن نماز و روزه و صدقه بالاست، ولی چون از حق خود الله ﷻ هست، شاید بنده‌ای را از حقش عفو کند و او را ببخشد، اما شأن حق الناس هم بالاست، و شوهر بر همسرش حقوقی دارد که اگر آن را پایمال کند دیگر آن دری که باید بر وی گشوده و باز شود بسته می‌گردد.

از محاسن و نیکی‌های ازدواج این است که سبب می شود انسان سکونت و استقرار و آرامش پیدا کند؛ الله ﷻ می‌فرمایند: **{وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً}**[1]: (و از نشانه‌های [قدرت و ربوبیت] او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد).

همه دنبال سکونت و استقرار هستیم؛ دنبال آرامشی که همواره گمشده انسان‌ها

---

(۱) روم : ۲۱.

بوده است، تا کی باید در زندگی وابسته به پدر و مادر باشیم!؟.

پادشاهی هر فرد در منزلش با خانواده و فرزندانش است، نه در بی بند و باری و فحشا؛ برای همین از نشانه‌هایی که الله ﷻ بر وجود خود و بر این که فقط خودش به تنهایی مستحق پرستیدن است گذاشته همین ازدواج است.

کسی که منزل و جا و کس و کاری ندارد در دنیا آرامش و پناهی هم ندارد، و باید با بی سرپرستی به سر کند؛ الله ﷻ ما را محتاج همدیگر قرار داده و در ازدواج پیوندی برای رسیدن به خوشی‌ها و مداومت آن گذاشته است، و در آفرینش این نیاز در ما انسان‌ها نشانه و دلیلی بر آفریدگاریست که آن را آفریده است.

هیچ وقت ازدواج عیب و ننگ و زشت نبوده، بلکه زشتی در روی آوردن به حرام است؛ کسی دزدی و چپاول و زنا را قشنگ و زیبا نمی‌پندارد، بلکه دلیل و نشانه ذلت و خواریست؛ بی شک خوشبختی در زندگی‌ای هست که الله ﷻ گذاشته است نه در بی عفتی و راههایی که منجر به آن می‌شود!

از محاسن زندگی و ازدواج این است که اگر انسان بمیرد بعد از وفاتش فرزندانی هستند که سبب شوند اعمال نیک وی ادامه یابد و بر حسنات و خوبی‌هایش افزوده شود.

رسول الله ﷺ می فرمایند: ((**إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَنْهُ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثَةٍ، إِلَّا مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ، أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ**))[1] : (آنگاه که انسان بمیرد، عملش قطع می‌شود مگر از سه جا: صدقه جاریه، یا علمی که بوسیله آن منفعتی

(۱) صحیح مسلم، شماره ۳۰۹۲.

حاصل شود، یا فرزندی نیکوکار که برایش دعا کند).

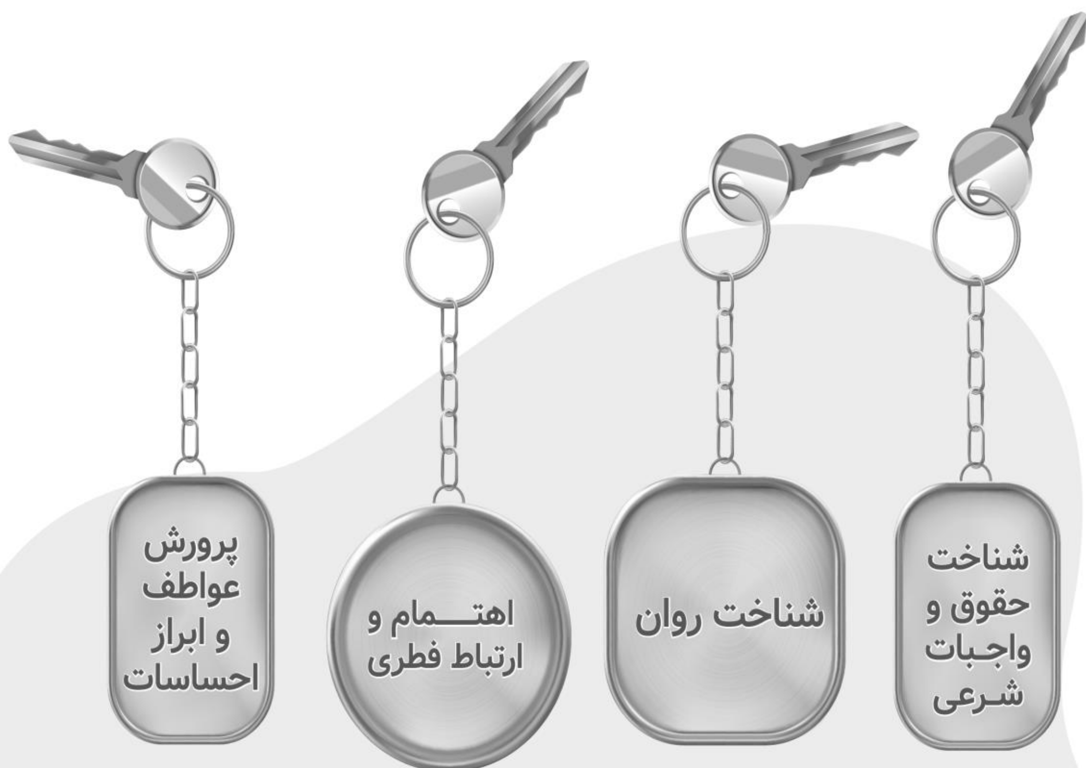
پس ازدواج وسیله‌ای هست که ما فرزند صالحی داشته باشیم تا اجر و پاداش ما با مرگ از این دنیا قطع نشود، و با اطاعت از شوهر درهای بهشت برای ما گشوده و باز شود، و با لبخندی در زندگی برای همسر و فرزند و دیگر افراد خانواده صدقه‌ای در پرونده اعمال ما نوشته شود[۱]؛ حتی در انجام شهوت حلالی که الله ﷻ میان زن و شوهر گذاشته صدقه برای فرد نوشته می‌شود؛ آری در همبستری هم صدقه‌ای هست، صحابه ﷺ گفتند: ای رسول الله در شهوت هم پاداش هست؟ رسول الله ﷺ فرمودند: ((اگر با حرام انجام می‌داد برای او گناه محسوب نمی‌شد؟ پس همانطور اگر از راه حلال انجام دهد ثواب برای او نوشته می‌شود))[۲].

---

(۱) صحیح. ابن حبان در کتاب صحیحش، شماره ۵۳۰.

(۲) صحیح مسلم، شماره ۱۶۸۰.

کلیدهای خوشبختی زندگی



۱- شناخت حقوق و واجبات شرعی

زندگی برای خودش کلیدهایی دارد که ما درهای خوشبختی را با آن باز کنیم و به رضایت و خشنودی الله ﷻ برسیم.

کلید اول خوشبختی شناخت حقوق و واجبات شرعیست.

دختری می‌خواهد ازدواج کند، قبل از ازدواج برای او مهریه تعیین می‌کنند، و قبل از ازدواج هزینه لباس و وسایل آرایش و شام و نهار و هزینه‌های دیگر که به ازدواجش تعلق می‌گیرد تعیین می‌شود.

خیلی از روانشناسان در کتاب های خود درمورد اهمیت آرایش و زیبایی برای داماد و شوهر سخن به میان می‌آورند، غافل از این که آرایش قلب از آرایش قالب اولاتر است: **{وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ}**[1]: (و بهترین جامه و لباس پرهیزگاری و تقواست).

فردی برای ازدواجش ده‌ها میلیون هزینه می‌کند، ولی دریغ از این که کتابی در مورد احکام ازدواج تهیه و مطالعه کند.

جای تأسف است از این که انسان دنبال رضایت الله ﷻ در زندگی اش نباشد، و نسبت به آداب و احکامی که الله ﷻ برای زندگی مشترک قرار داده جاهل و نادان باشد.

عروس از وقت خودش ساعت‌ها کنار آینه و میز آرایش می‌نشیند ولی کتابی

---

(۱) اعراف : ۲۶.

به دست نمی‌گیرد که در مورد آداب و احکام ازدواج مطالعه کند.

قبل از ازدواج و قبل از این که میلیون ها برای ازدواجش هزینه کند مهمترین چیزی که انسان باید به آن توجه کند شناخت حقوق و واجبات شرعی است.

الله ﷻ می‌فرمایند: **{وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ}**(۱): (و برای زنان، حقوق شایسته‌ای بر عهده مردان است، مانند حقوقی که برای مردان بر عهده آنان است، و مردان بر آنان برتری دارند).

پس همان طور که بر مرد واجبات و حقوق و وظایفی هست همانند خرید و هزینه برای زندگی همسر و فرزند، بر دوش زن نیز واجبات و حقوق وظایفی است.

ان شاء الله در ضمن این بحث به این واجبات و حقوق در مطلب وظایفی که زوجین در قبال آن مسئول هستند به آن خواهیم پرداخت.

---

(۱) بقره : ۲۲۸.

۲- شناخت روان

الله ﷻ می‌فرمایند: ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا * وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾[(۱)]: (پس با نرمی -با نامحرم- سخن نگویید تا کسی که بیمار دل است طمع کند، و سخن پسندیده و شایسته گویید * و در خانه‌هایتان قرار و آرام گیرید، و -در میان نامحرمان و کوچه و بازار- مانند زنان دوران جاهلیت پیشین -که برای خودنمایی با زینت و آرایش و بدون پوشش در همه جا ظاهر می‌شدند- ظاهر نشوید).

شاید ما در سخن خود با مردم نرم صحبت کنیم، به ویژه با دوست و رفیق، ولی با همسر و فرزند با تندی و خشونت سخن بگوییم؛ در صورتی که الله ﷻ زمانی که زن را از سخن نرم با نامحرم منع می‌کند در کنار آن از او می‌خواهد با همسر و فرزند خود چنین نباشد و صحبتی سرشار از عاطفه و محبت و ابراز علاقه و خوشحالی داشته باشد.

شاید بعضی از زنان زمانی که ببینند زنان دیگر با ناز و کرشمه و بسیار نرم با همسر خود صحبت می‌کنند و از کلمات احساسی و اغراق آمیز استفاده می‌کنند طعنه بزنند و بگویند: این رفتار شایسته بزرگترها نیست یا سبک‌سرانه یا یک نوع مکر است!...، چطور برای خرید کالایی با ناز و نرمی با فروشنده صحبت کردن مکر نیست! ولی با همسر که ما ستر و پوشش برای او باید باشیم تا در دلش طمعی برای کسی دیگر ایجاد نشود مکر است؟؛ اگر هم مکر نامش بگذاریم باید چنین مکری

---

(۱) احزاب : ۳۲.

واجب باشد و با نا محرم حرام؛ زیرا هم شوهر مصون و حفظ و باعث دلگرمی‌اش می‌شود و هم زندگی پایدار و استوار می‌ماند، و همچنین احترام متقابل را در پی دارد.

این آیه مثالیست برای اهمیت دادن به روان و همچنین پرورش عواطف و احساسات که به آن خواهیم پرداخت.

همسر باید در تعامل خود با نامحرم دقت کند، چه بسا که سخن نرم ما سبب کدورت و باز شدن درهای شک و اتهام باشد؛ اینجاست که به این مسأله روانی که یک مسأله فطریست و در ما آفریده شده باید اهمیت داده و رعایت شود.

در زندگی زناشویی باید زن و مرد روان همدیگر را در نظر بگیرند، به عنوان مثال: غیرت و تعصب که در فطرت و سرشت انسان است؛ قرار بر این نیست که چون ما نسبت به دختران خود تعصب داریم که حتی نامحرمی آنها را نبیند مانع ازدواج آنها باشیم؛ این چنین غیرتی حرام است و شرع آن را منع کرده است؛ به همین دلیل رسول الله ﷺ غیرتی را حرام و غیرتی را حلال بیان نموده‌اند[1].

از اسماء دختر ابوبکر صدیق ﵄ روایت است که گوید: جِئْتُ يَوْمًا وَالنَّوَى عَلَى رَأْسِي فَلَقِيَنِي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَمَعَهُ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِه فَدَعَانِي ثُمَّ قَالَ: ((إِخْ إِخْ)) لِيَحْمِلَنِي خَلْفَهُ قَالَتْ: **فَاسْتَحْيَيْتُ أَنْ أَمْشِيَ مَعَ الرِّجَالِ وَذَكَرْتُ الزُّبَيْرَ وَغَيْرَتَهُ**[2]...: (روزی می‌آمدم در حالی که هسته‌های خرما را بر سر خود حمل می‌کردم. رسول الله ﷺ مرا دید در حالی که گروهی از اصحابش با او بودند، مرا فرا خواند. سپس

---

(۱) صحیح. ابوداود در کتاب سننش، شماره ۲۳۱۶.

(۲) صحیح. ابن حبان در کتاب صحیحش، شماره ۴۴۸۳.

–به شترش– گفت: "إخ إخ"[1]، که مرا بر پشت شتر خود سوار کند. من خجالت کشیدم و حیا کردم که همراه مردان بروم و زبیر و غیرتش را بیاد آوردم).

اسماء دختر ابوبکر صدیق رضی الله عنهما با شناختی که از شوهرش دارد حاضر نیست رسول الله صلی الله علیه وسلم همراهی کند، زیرا همراهی مردان نامحرم موجب رنجش شوهرش می‌شود؛ این نوع درک طرف مقابل و مراعات کردن احساستش پیوند زندگی را محکم می‌سازد.

زن و مرد باید بر روی روان همدیگر شناخت داشته باشند و بدانند که چه چیزی طرف مقابل را می‌رنجاند تا از آن پرهیز کنند.

زندگی محل سکونت و آرامش است نه دعوا و ستیز!؛ برای همین الله سبحانه وتعالی در قرآن یکی از اهدافی که زن و مرد را آفریده است چنین بیان نموده است: **{وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا}**[2]: (و از نشانه‌های [قدرت و ربوبیت] او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش و سکونت یابید).

زندگی همچون منزل در و دیوار و پنجره دارد، تا این که گرد و خاک و آب و سرما و گرما به داخل منزل نیاید؛ اگر منزل نبود ما باید زیر آفتاب یا زیر رعد و برق باران می خوابیدیم.

زندگی همچون منزل پناهگاه است نه جبهه نبرد و ستیز؛ زندگی محل آرامش و آسایش است نه محل دعوا و کتک کاری.

---

(۱) کلمه ای که برای نشاندن شتر گفته می‌شد.

(۲) روم : ۲۱.

این بدین معنی نیست که اشتباهی از انسان سر نزند؛ و قرار بر این نیست که همه از زندگی بیست و نمره کامل بگیریم؛ رسول الله ﷺ بیان می‌کنند که انسان در نمازش از ده نصفش یا کمتر از آن می گیرد و کسی هم کامل[1]؛ این حال ما در نماز و آن هم جلو آفریدگار است چه برسد حال ما بندگان با یکدیگر.

اگر زندگی ناهنجار شد و آسایش از آن رفت اینجاست که باید دنبال محل آسایش باشیم؛ زندگی درمانگاه نیست که انسان مریض در آن بستری و مداوا می‌شود؛ اگر زندگی از آسایشگاه به درمانگاه تبدیل شود باید یا مشکل درمان شود یا از آن گریخت.

زندگی حساب و کتاب قبر و قیامت هم نیست که زن یا مرد تمامی تحرکات همدیگر را کنترل کرده و بازخواست کنند!.

زندگی محل آشغال و زباله هم نیست که هر چه بدی هست در آن جمع کنیم، بلکه محل گل گفتن و گل شنیدن است، و تا جایی که توان داریم باید زندگی را زیبا نگه داریم چه در ظاهر با لباس و نظافت خود و منزل، و چه در باطن با سخنان نیک و زیبا و پسندیده؛ همچون زنبور عسلی که بر روی گلی می‌نشیند و با دهانش عسلی شیرین در کندویش می‌گزارد، نه این که با نیشش همسرش را برنجاند و بیازارد.

ما می‌توانیم از چهره و نحوه صحبت همدیگر تشخیص دهیم که آیا این سخن مناسب این مقام و جایگاه هست یا خیر!

---

(۱) حسن. نسائی در کتاب سننش، شماره ۵۳۸.

ام المؤمنين عایشه رضي الله عنها می گوید: **قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ** ﷺ: ((**مَا يَخْفَى عَلَيَّ حِينَ تَكُونِينَ غَضْبَى وَحِينَ تَكُونِينَ رَاضِيَةً إِذَا كُنْتِ غَضْبَى قُلْتِ: لَا وَرَبِّ إِبْرَاهِيمَ وَإِذَا كُنْتِ رَاضِيَةً قُلْتُ: لَا وَرَبِّ مُحَمَّدٍ**))...[1] : (رسول الله ﷺ به من فرمود: **"**بر من پنهان نیست زمانی که خشمگین هستی و زمانی که راضی هستی؛ وقتی که خشمگین هستی می‌گویی: نه، قسم به پروردگار ابراهیم، و وقتی راضی هستی، می‌گویی: نه، قسم به پروردگار محمد").

رسول الله ﷺ این جا از سخنان ام المؤمنین عایشه رضي الله عنها تشخیص می‌دادند که ناراحت هستند یا خوشحال!.

این یک نوع شناخت روان بوده که در منزل نبوت رخ داده است.

خواهری از شوهرش می‌رنجد، زیرا شوهرش به او در مورد حجابش سخت می‌گیرد، و چنین ابراز می‌کند که شوهرش مشکل دارد و دل بد است و در مورد من شک می‌کند!؟.

خواهرم ای کاش نصیحت پذیر بودی و سخن شوهرت را با چشم دلسوزی‌اش نسبت به خودت نگاه می‌کردی که نمی‌خواهد در قیامت به خاطر بد حجابی‌ات گزندی به شما برسد. ای کاش با این دید نگاه می‌کردی که چون دوستم دارد و نسبت به من غیرت دارد بر روی حجابم حساس است.

---

(۱) صحیح. ابن حبان در کتاب صحیحش، شماره ۴۳۱۶.

۳- اهتمام به روابط فطری

الله ﷻ می‌فرمایند: **{نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ}**[۱]: (زنان شما کشتزار و مزرعه شما هستند، هر طور[۲] که خواستید به کشتزار خود در آیید).

مزرعه محل کشتی است که باید پس از کشت محصول را برداشت کرد، و آن محصول در زندگی زناشویی فرزندانی هستند که سبب نجات خود و والدین خود از جهنم می‌باشند.

زمانی که مرد و زن از لحاظ فطری و جنسی در زندگی از همدیگر بهره‌ای نبرند موجب خشمشان می‌شود؛ و خشم یکی از اسباب نابودی پیوند ازدواج است.

نصیحت رسول الله ﷺ به یاران و اصحابش ﷺ نیز بر این بوده که جلو خشم و غضب خود را بگیرند[۳]، و توانمندی و قدرت و شجاعت فرد را در فرو بردن خشم بیان نموده‌اند[٤]، که در راستای رضای الله ﷻ بوده و بر خلاف میل ابلیس است.

---

(۱) بقره : ۲۲۳.

(۲) مقصود از هر طور، جماع و همبستری از جهتی است که الله ﷻ آن را محلی برای ادامه نسل بشریت و ارضای شهوت زن و مرد گذاشته است.

* متأسفانه کسانی که آگاهی و اطلاعات دینی ندارند نمی‌دانند که در هر صورت و هر زمانی نمی‌توانند با همسر خود همبستری کنند؛ مثلا: به هنگام دوران ماهیانه یا نفاس پس از تولد فرزند یا از پشت و محل قضای حاجت که در احادیث این چنین فردی مورد لعن قرار گرفته و از رحمت الهی محروم می‌ماند، (صحیح. ابوداود در سننش، شماره ۱۸۹۴) و این فعلش از گناهان کبیره محسوب می‌شود.

(۳) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۵۶۸۰.

(۴) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۵۶۷۸؛ و مسلم، شماره ۴۷۳۰.

یک لبخندی که صدقه محسوب می‌شود[1] مشکلات را حل می‌کند و ناراحتی‌ها را از بین می‌برد؛ و یک خشم فرزندانی را آواره کرده و زندگی‌ای را نابود می‌کند.

رسول الله ﷺ می فرمایند: ((**إنَّ إِبْلِيسَ يَضَعُ عَرْشَهُ عَلَى الْمَاءِ، ثُمَّ يَبْعَثُ سَرَايَاهُ فَأَدْنَاهُمْ مِنْهُ مَنْزِلَةً أَعْظَمُهُمْ فِتْنَةً، يَجِيءُ أَحَدُهُمْ، فَيَقُولُ: فَعَلْتُ كَذَا وَكَذَا، فَيَقُولُ: مَا صَنَعْتَ شَيْئًا، قَالَ: ثُمَّ يَجِيءُ أَحَدُهُمْ، فَيَقُولُ: مَا تَرَكْتُهُ حَتَّى فَرَّقْتُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ امْرَأَتِهِ، قَالَ: فَيُدْنِيهِ مِنْهُ، وَيَقُولُ: نِعْمَ أَنْتَ**))[2] : (ابلیس عرش خودش رو بر روی آب گذاشته سپس لشکرهای خودش را می‌فرستد و والاترین جایگاه را نزد وی فردی دارد که بزرگترین فتنه را ایجاد کرده باشد؛ فردی از آنان می‌آید و می‌گوید: چنین و چنان کاری انجام دادم، ابلیس در جواب او می‌گوید: تو کاری انجام نداده‌ای؛ رسول الله ﷺ فرمودند: سپس دیگری می‌آید و می‌گوید: آنان را رها نکردم تا این که میان او و همسرش جدایی انداختم؛ رسول الله ﷺ فرمودند: پس او را به خودش نزدیک می‌کند و به او می‌گوید: تو بهترین هستی).

آری، خالق و آفریننده انسان‌ها ادامه زندگی را می‌خواهد و جدایی آنها مورد رضایتش نیست تا این که همه سرپناهی داشته باشند و کسی رو به فحشا و منکر نیاورد، ولی ابلیس ملعون شده از درگاه الهی خواری و ذلت انسان‌ها را می‌خواهد.

هر مزرعه و کِشتزاری نیاز به آبیاری و شخم دارد؛ و این کِشت در زندگی تنها همبستری نیست، بلکه کاشتن خوبی و محبت نیز هست، و بدون شک این کشتزار

---

(۱) صحیح. ابن حبان در کتاب صحیحش، شماره ۵۳۰.

(۲) مسلم در کتاب صحیحش، شماره ۲۸۱۵.

نیاز به مراقبت و نگهداری و رسیدگی نیز دارد، و همه این کاشتن‌ها محصولاتی هستند که درو می‌شوند و پرونده‌های خوبی های انسان را سنگین می‌کند.

نباید هدف از زندگی را در یک یا دو جنبه خلاصه کرد و آن هم جنبه غریزی یا مادی‌اش؛ بلکه باید دنبال مهیا کردن فضای ایمانی‌ای باشیم که فرزندان ما در آن پرورش یابند و از وقت خود برای تربیت این محصول مشترک زندگی قرار دهیم.

زندگی عبادتیست که همچون دیگر عبادت ها سختی و مشقت دارد؛ برای نماز صبح باید از خواب خوش زد و وضو گرفت و نماز خواند؛ زندگی نیز بردباری و شکیبایی و حوصله و گذشت می‌طلبد و همان طور که شرط صحیح بودن نماز وضوست و چنین قانونی در شرع برای آن گذاشته شده برای زندگی نیز قوانینی هست که اگر رعایت نشود اساس و بنیان خانواده سست می‌شود.

برای این که روابط فطری زن و مرد پابرجا بماند باید درهای شیطانی را بر زندگی بست، و جلو دخالت دیگران را در زندگی گرفت؛ جای تأسف است که خواهری با شوهرش مشکل دارد و شکایت خود را نزد مادرش می‌برد و به جای پاشیدن آب بر آتش از هیزم استفاده می‌کند.

جای تأسف است به جای این که برادرمان به عنوان شوهر و سرپرست احترام خانواده همسرش را نگهدارد، آنان را با غیبت و تهمت جلو همسر و فرزندانش تحقیر می‌کند و توقع دارد همسرش احترام خانواده‌اش را حفظ کند.

خواهرم، اگر گناهی و اشتباهی از شوهرت دیدی رسوایش نکن و آبرویش را نبر و افشاگری نکن بلکه عفو و گذشت را پیشه بگیر و سعی کن که با نرمی و خوبی نصیحتش کنی و از راه صحیح برای اصلاح وارد شوی.

چرا الله ﷻ در جرم و گناه فاحشه زنا چهار گواه و شاهد بر آن فعل ننگ و عار را گذاشته است؟

علت آن ستر بندگان است، که برای آنان مهلتی باشد تا توبه کنند و به درگاه الهی روی بیاورند.

افعال و کارهای الله ﷻ با صبر و شکیبایی بوده است، چنان که جهانی که با یک سخنی می‌توانست بیافریند آن را در شش روز آفرید، آن روزی که هزار سال ما بندگان است؛ و مشکلات زندگی نیز با گذر زمان و وقت با صبر و شکیبایی و عفو و بخشش حل می‌شود.

۴- پرورش عواطف و ابراز احساسات

الله ﷻ می‌فرماید: **{وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً}**[(۱)]: (و از نشانه‌های -قدرت و ربوبیت- او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد).

در این آیه فرموده الله ﷻ **{مِنْ أَنْفُسِكُمْ}** اشاره‌ای به این است که: همسران ما از جنس ما هستند و آنها همانند ما مخلوق و نَفسی زنده هستند که نَفَس می‌کشند نه کسی مرده است و احساسی ندارد، و لازمه این زنده بودن ویژگی‌هاییست که با ما در آن مشترک هستند؛ از جمله احساسات و عواطف و دیگر چیزها که هدف از آن به وجود آمدن سکونت و آرامش در کنار همدیگر می‌باشد.

در این آیه الله ﷻ خیلی قشنگ بیان می‌فرمایند که همسران ما نوع و جنس آنها از نوع و جنس ما هستند، یعنی اجازه تحقیرش به خاطر نژاد و رنگ و ملیت و ایمانش را نداریم.

همچنین در این آیه اشاره به یکی از مهمترین کلیدهای خوشبختی زندگی است که اگر زنان آن را مراعات کنند شوهر نمی‌تواند این کار را به فراموشی بسپارد، و آن هم ایجاد سکونت روحی و بدنی برای شوهر در منزل می‌باشد، به طوری که هم نیازهای جسمانی از همبستری و غذا و خواب برای او بر طرف شود و هم نیازهای روحی و عاطفی از ابراز محبت و نیک سخن گویی.

---

(۱) روم : ۲۱.

از گلایه‌هایی که زیاد از همسران به گوش می‌خورد عدم ابراز احساسات و همبستگی و دوست داشتن و **سخنان پسندیده** و **خوب** و **مدح** و **ستایش** است، بلکه بر خلاف آن همدیگر را نقد کرده و از دیگری عیب و بهانه ای می‌تراشند.

عیب جویی نه این که صفت خوبی نیست، بلکه زشت و شرم آور است.

ولی همه زندگی ابراز احساسات و عواطف نیست، شاید به خاطر تربیت اشتباه یا تأثیرات بد جامعه همسر خشک و خشن باشد؛ برای همین در آیه به دو تا از پایه‌های زندگی اشاره شده است و آن هم مودت و محبت و قسمت دیگر مهر و رحمت که اگر فرضا محبت از بین رفت پایه رحمت بتواند کانون خانواده را حفظ کند و جلو آواره شدن زن و بچه را بگیرد.

رسول الله ﷺ می فرمایند: ((**أَيُّمَا امْرَأَةٍ سَأَلَتْ زَوْجَهَا طَلَاقَهَا مِنْ غَيْرِ بَأْسٍ فَحَرَامٌ عَلَيْهَا رائحة الجنة**))[1]: (هر زنی که بدون عذر طلاقش را از شوهرش بخواهد، بوی بهشت بر او حرم می‌باشد).

چون در زندگی محبتی نمی‌بینیم دلیل نمی‌شود که دنبال طلاق و جدایی باشیم؛ به عنوان مثال: فرعون جایی برای محبت به همسرش آسیه نگذاشته بود، ولی آسیه توانست با صبر و حوصله پیامبری را در دامانش تربیت کند که نور چشمانش باشد.

سخنان این بانو و نام و یادش به خاطر سپاسش جاویدان ماند؛ چقدر زیباست زمانی که دست به دعا برداشت نه به دادگاه و شکایت و گفت: **{رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ**

---

(۱) صحیح. ابن حبان در کتاب صحیحش، شماره ۴۱۷۲.

بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ}[1]: (پروردگارا، پیش خود در بهشت خانه‌ای برایم بساز)؛ آسیه دنبال رضایت و خشنودی الله ﷻ بود، اسوه‌ای از صبر و تحمل که غمش را نزد مردم نبرد و درهای گلایه و شکایت را برای آنان باز نکرد.

چقدر بد و زشت است که ما اهل دین و ایمان باشیم و احساس کنیم که مظلوم هستیم و مظلوم نمایی کنیم، و بر زبان بیاوریم که کسی نداریم و کسی نیست از ما حمایت کند؛ **{أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ}**[2]: (آیا الله ﷻ کفایت‌کننده بنده‌اش نیست؟).

رسول الله ﷺ با این همه سختی‌هایی که در دعوت متحمل شد و آزاری که در مکه از کفار قریش دید ولی سر از سجده و عبادتش بر نداشت؛ شب ها با پروردگار عالمیان خلوت می‌کردند و سر به سجده می‌نهادند و دعا و نیایش می‌کردند و شکر و سپاس الله ﷻ را به جا می‌آوردند.

همین که در زندگی سر پناهی داشته باشیم که زیر آن الله ﷻ را بپرستیم و عبادت کنیم نعمت بزرگی است؛ نعمت های دنیوی فقط در شوهر خلاصه نشده است، بلکه نعمت های بسیاری ما را فرا گرفته که چشم از آن پوشیده است؛ و اگر شکر نعمت های الهی را به جا آوردیم، الله ﷻ بر ما از نعمت هایش فزونی می‌دهد؛ الله ﷻ می‌فرمایند: **{وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ}**[3]: (و آن گاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر واقعاً سپاسگزاری کنید، -نعمت- شما را افزون خواهم کرد، و اگر ناسپاسی نمایید، قطعاً عذاب من سخت خواهد بود).

---

(۱) تحریم : ۱۱.

(۲) زمر : ۳۶.

(۳) ابراهیم : ۷.

چقدر این نعمت زیبا و بزرگ است زمانی که فرزندت را می‌بینی که می‌خواهد راه برود و روی پای خودش بایستد؛ یا زمانی که می‌خواهد سخن بگوید و بر چهره‌ات با نوع حرف زدنش لبخند ایجاد می‌کند.

برادرم و خواهرم لبخندت صدقه است، آرامشی که برای همدیگر می‌سازید صدقه است، و لقمه‌های غذایی که در دهان هم می‌گذارید صدقه است.

با یک پرخاش نباید زندگی از هم بپاشد، و با یک بدی نباید داد و بی داد راه انداخت، و با کمبود محبت آتشفشان خشم را برپا کنیم؛ بلکه عاطفه‌ها نیاز به پرورش دارند و با سازش و صبر آرامش را باید بر زندگی چیره کنیم.

الله ﷻ اصحاب و یاران رسول الله ﷺ را به خاطر شکر و سپاس و عبادت و طاعت می‌ستاید: **{لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا}**[1]: (یقیناً الله ﷻ از مؤمنان هنگامی که زیر آن درخت -که در منطقه حدیبیه بود- با تو بیعت کردند خشنود شد، و الله ﷻ آن چه را -از خلوص نیَّت و پاکی قصد- در دل‌هایشان بود می‌دانست، در نتیجه آرامش را بر آنان نازل کرد، و پیروزی نزدیکی را -که پیروزی در خیبر بود- به آنان پاداش داد).

اینان با شکرشان مستحق ستودن شدند، پس چرا ما در مقابل نعمت‌های الهی شاکر نباشیم، خصوصا ازدواج که نعمتی بزرگ است که هر کسی توفیق این عبادت را ندارد.

---

(۱) فتح : ۱۸.

همان طور که شکرگذار پروردگار هستیم باید شکرگذار خلقش در مقابل نیکی و خوبی‌هایشان باشیم، رسول الله ﷺ می فرمایند: ((**لَا يَشْكُرُ اللَّهَ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ**))[1]: (شکرگذار الله ﷻ نیست کسی که شکرگذار مردم نباشد).

شکر و **سپاس** یکی از راهکارهای پرورش عواطف و احساسات است؛ همچنین از اسباب دلگرمی در زندگیست.

زمانی که ما درهای نکوهش و سرزنش و کفران نعمت بر خوبی‌های همسر بگشاییم نتیجه و جواب آن تندی و خشونت و سردی نسبت به یکدیگر است، و بر خلاف آن شکر و سپاس که دلالت بر قدردانی دارد، و همسر با آن احساس می‌کند که در ایجاد احساس خوشبختی طرف مقابلش مؤثر بوده و برایش ارزش دارد و او را درک می‌کند.

احساس آرامش در زندگی تنها در لباس زیبا و آراستگی‌های ظاهری نیست، بلکه از مهمترین اسباب ایجاد آرامش و آسایش در زندگی سخنان زیبا و آراسته است.

در مقبال عبادتی که انجام می‌دهیم نباید توقع مال و ثروت داشته باشیم، بلکه هدف رضای الله ﷻ و بهشت جاویدان اوست.

ازدواج نیز عبادت است؛ اگر در ازای این عبادت توقعات دنیوی بیاید رضایت از میان ما برداشته می‌شود.

همچنین در قبال عبادتی که انجام می‌دهیم نباید منت بگذاریم، بلکه محض

---

(۱) صحیح. ابوداود در کتاب سننش، شماره ۴۱۸۰.

رضای الله ﷻ و خشنودی‌اش انجام دهیم.

از موسی ﵇ یاد بگیریم زمانی که آن دو دختر را دید که نمی‌توانستند به گوسفندهای خود را آب بدهند، آمد و سنگ را از روی چاه برداشت و گوسفندهای آنان را آب داد، و سر خود را پایین انداخت و رفت گوشه‌ای نشست تا این که آن دو دختر فکر نکنند که موسی ﵇ از آنان توقعی دارد[1].

برد باری و صبر و عصبانی نشدن نمونه‌ای از پرورش و کنترل احساسات است؛ و ما می‌توانیم آن را کسب کنیم و خود را بر آن پرورش دهیم، چنان چه رسول الله ﷺ می‌فرمایند: ((**إِنَّمَا الْعِلْمُ بِالتَّعَلُّمِ، وَإِنَّمَا الْحُلُمَ بِالتَّحَلُّمِ**))[2] : (یقیناً علم با کسب و آموزش آن است؛ و حلم و بردباری –نیز– با کسب و آموزش آن است).

روزی اسماعیل ﵇ در منزل خود نبود و پدرش ابراهیم ﵇ در غیابش به منزل او آمد، و همسر اسماعیل ﵇ پدرش را نمی‌شناخت؛ ابراهیم ﵇از زندگی آنها سؤال می‌کند که چطور است؟؛ آن زن لب به شکایت باز می‌کند و ابراز می‌کند که از زندگی خود ناراض است. ابراهیم ﵇ به آن زن گفت: زمانی که شوهرت آمد سلامم را به او برسان و از قول من به او بگو که چهار چوب در منزل خودش را عوض کند.

اسماعیل ﵇ به منزل که برگشت احساسی به او دست داد و از همسر خود پرسید کسی به منزل آمده است؟؛ همسرش پاسخ داد مردی با این مشخصات آمده

---

(۱) قصص : ۲۳-۲۴.

(۲) صحیح. طبرانی در معجم اوسط، شماره ۲۷۳۸.

بود و از من در مورد زندگی‌ام پرسید، و من هم از سختی ها و رنجش هایی که در آن هستیم گلایه کردم، اسماعیل علیه السلام گفت: توصیه‌ای نکرد؟؛ همسرش گفت: سلامت را رساند و گفت: چهار چوب در منزل خود را عوض کن.

اسماعیل علیه السلام گفت: او پدرم بوده و به من امر کرده که تو را طلاق دهم.

اسماعیل علیه السلام بعد از این زن با زن دیگری زدواج می‌کند، باز هم ابراهیم علیه السلام در غیاب فرزندش به منزل او می‌آید و همان سؤال را از او می‌پرسد؛ آن زن هم از خیر و خوبی‌های زندگی خود به او اطلاع می‌دهد؛ ابراهیم علیه السلام به آن زن گفت: زمانی که شوهرت آمد سلامم را به او برسان و از قول من به او بگو که چهار چوب در منزل خودش را عوض نکند.

اسماعیل علیه السلام به منزل که برگشت از همسر خود پرسید کسی به منزل آمده است؟؛ همسرش پاسخ داد مردی با این مشخصات آمده بود و از من در مورد زندگی‌ام پرسید، و من از خیر و خوبی‌های زندگی خود به او اطلاع دادم، اسماعیل علیه السلام گفت: توصیه‌ای نکرد؟؛ همسرش گفت: آری، سلامت را رساند و گفت: چهار چوب در منزل خود را عوض نکن.

اسماعیل علیه السلام گفت: او پدرم بوده و و تو هم چهار چوب در منزل من هستی و به من امر کرده که تو را نگهدارم و طلاق ندهم[۱].

این زندگی نمونه‌ای از صبر و تحمل در سرزمینی بی آب و علف است، بر خلاف زندگی مرفه ما که انواع وسایل و امکانات در اختیار داریم؛ ولی باز هم زبان ناسپاس و ناشکری داریم.

---

(۱) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۳۱۳۷.

الله ﷻ می‌فرمایند: **{وَالْعَصْرِ (١) إِنَّ الْإِنسَانَ لَفِي خُسْرٍ (٢) إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ (٣)}**[1]: (سوگند به عصر * بی تردید انسان در زیان بزرگی است * مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند و یکدیگر را به حق توصیه نموده و به شکیبایی سفارش کرده‌اند).

الله ﷻ قسم و سوگند به زمانه و عصری که در آن خوبی و بدی است یاد می‌کند؛ این سوگند دلالت بر امر مهمی که قرار است بیان شود دارد؛ حرف "إن" برای تأکید است، و حرف "لام" در **{لَفِي خُسْرٍ}**: (در زیان بزرگی است) برای تعلیل است، و نکره بودن "خسر" تأکیدی بر بزرگی آن می‌باشد؛ چهار نوع ادوات تأکید مختلف برای بیان این که: انسان یقیناً در خسران و زیان است، اگر ایمان نیاورد، و عمل صالح انجام ندهد، و دیگران را به آن دعوت ندهد، و شکیبا و صبور نباشد، و دیگران را به آن توصیه نکند.

بعضی تصورشان از زندگی این است که باید همسر آنها با ایشان فرشته وار زندگی کند و اشتباهی از او سر نزند؛ و توقع بر این دارند که زندگی آنها همچون بهشتی باشد که خار و خاشاکی در آن نباشد.

چنین چیزی نه این که ممکن نیست، بلکه با تلاش و زحمت می‌توان چنین زندگی‌ای را ساخت؛ و قرار بر این نیست که ازدواجی که به لباس و جامه تشبیه شده است اندازه و مناسب تن ما باشد، بلکه نیاز به دوخت و دوز دارد؛ و همچنین قرار بر این نیست که لباس ما آلوده نشود، بلکه این احتمال را دارد، ولی شستشو راهکاری برای تمیز کردن آن است نه سوزاندن آن.

---

(١) عصر : ١-٣.

پرورش عواطف و احساسات از طرفی به **شکر** و **سپاس** نیاز دارد و از طرفی به **احترام** و **تقدیر** که مثال آن در قرآن در قصه یوسف عليه‌السلام با زلیخا آمده است؛ **{وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ}**[1]: (و آن دو به سوی در بر یکدیگر سبقت گرفتند، و -آن زن- پیراهن او را از پشت -کشید و- پاره کرد. و در این هنگام، آقای آن زن را دم دریافتند).

لفظ "آقای آن زن" در این آیه دلالت بر یک نوع ادبیات خاص در تعامل بین زن و مرد دارد، که اگر این نوع تقدیر در تعامل در زندگی حفظ شود علاقه هر دو همسر به هم روز به روز بیشتر و بیشتر می‌شود.

یک مزرعه در کنار شخم و کشت و آبیاری شاید نیاز به کود و سم پاشی نیز داشته باشد، برای حل اختلافات و زدودن مشکلات نیز نیاز به تقدیر و سپاس است.

کور شدن چشم ما در مقابل خوبی‌ها باعث تنش در زندگی می‌شود؛ به عنوان مثال: لامپی در منزل می‌سوزد و شوهر فرصت تعویض آن را پیدا نمی‌کند، اینجاست که داد خانم منزل در قبال این شوهر که نسبت به خواسته‌اش بی‌اهمیت بوده بیرون می‌آید و تکرار چنین برخوردهایی باعث سوء تفاهم می‌شود و ممکن است در نهایت منجر به جدایی نیز گردد.

مگر این منزل سقف و در و دیوار و پنجره ندارد!؟ مگر لامپی غیر از آن لامپ سوخته نیست!؟

شاید ده‌ها لامپ در آن منزل روشن باشد که ما آن را نادیده گرفته و به جای تقدیر بابت آنها بر سر زبان خود نکوهش جاری می‌کنیم.

---

(۱) فتح : ۱۸.

وسوسه‌های شیطانی که سبب اختلافات و جدایی می‌شوند بسیارند، ولی درمانش این نیست که به بهانه درد و دل کردن و مشورت با مادر یا پدر یا خواهر و برادر که احساس عاطفی شدیدی نسبت به او دارند در میان بگذارد، زیرا احساسات که برانگیخته شد دیگر درک انسان کار نمی‌کند.

باید بدانیم که در هر مشکل و اتفاقی در زندگی چه تدبیر و علاجی لازم هست؟؛ آیا وقتی بچه برای شیر گریه می‌کند شیر به او می‌دهند یا بر سر او فریاد می‌کشند که ساکت باش؟!

سپاسگذاری و تقدیر و احترام فقط با زبان و کلماتی نیست که از دهان بیرون می‌آید، بلکه همان کردار و عمل نیک در منزل و رفتار شایسته با فرزند و شوهر بزرگترین تقدیر است.

طبیعت مرد در زندگی چنین است که به جای شنیدن بیشتر می‌بیند، اما یک زن بیشتر می شنود تا این که ببیند؛ و مردان معمولا اگر بدی از همسران خود ببیند با خوبی و نیکی آن بدی‌ها را فراموش می‌کنند.

الله ﷻ می‌فرمایند: **{وَقُل لِّعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنزَغُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا}**[1]: (و به بندگانم بگو: "آنچه را که بهترین است بگویند"، که شیطان میانشان را به هم می‌زند، زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است).

فرمایش الله ﷻ به **بهترین** و **خوب ترین سخنان** است؛ نگفت: سخنی خوب و

---

(۱) اسرا : ۵۳.

حَسَن بگویید بلکه فرمود: سخنی احسن که در آن مبالغه‌ای از خوبیست را بگویید. چرا؟ زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است و می‌خواهد میان ما را به هم زند.

گاهی مردها بدون قصد و نیتی و این که چیزی در دل آنان باشد شاید حرفی بزنند که برای آنان در زندگی گران تمام شود؛ به عنوان مثال بگویند: امروز غذا شور است؛ در جوابش خانم می‌گوید: تو اصلا کی غذای من را دوست داشتی!، کی غذای من به دهن تو خوب بوده! و دیگر سخنان؛ در صورتی که شاید ده‌ها بار از او و دست پختش تعریف و تمجید کرده است، ولی یک ادبیات اشتباه منجر به اختلاف می شود؛ که در چنین حالات هر دو مقصر هستند.

از جمله مسائلی که در بحث پرورش عواطف و احساسات باید گفته شود بحث **التزام** و **پایبندی** ما به دین است.

مردی که به دین پایبند نیست، و چشم به نامحرم دارد یا با زنی نامشروع ارتباط پیدا می‌کند، با ارتکاب این نوع کارهای حرام کانون خانواده‌اش را سست می‌کند، و غیرت همسر او نیز با این کار برانگیخته می‌شود، و شیطان دری از وسوسه‌هایش را به این منزل باز می‌کند تا بتواند کار را تا جدایی پیش ببرد.

همین طور هم زن با عدم پایبندی به دین و عدم رعایت حجابش درهای فتنه را به زندگی خود و دیگران باز می‌کند.

التزام و پایبندی به دین و نماز و اذکار و دیگر طاعت ها پیوند و کانون خانواده را محکم می‌سازد، و عدم پایبندی به دین شیطان را شریک زندگی ما

می‌کند؛ پس بر حذر باشیم از این که برای شیطان در زندگی خود مجالی دهیم.

ام المؤمنین عایشه ﵂ عذر ماهیانه داشت و رسول الله ﷺ نمی‌توانستند با او همبستری کنند ولی با این وجود او را نوازش می‌کردند[1]؛ عذر یک زن دلیلی بر کناره گیری یک مرد از همسرش چنان چه در دیانت یهود بوده نیست، بلکه در این مدت زن به محبت و آرامش بیشتری نیاز دارد.

انجام بعضی از عبادت‌ها نیز مانع محبت کردن همسران به همدیگر نیست، مانند: روزه؛ رسول الله ﷺ در حالی که روزه بودند ام المؤمنین عایشه ﵂ را می‌بوسیدند[2]؛ هرچند زمانی که روزه فرض بوده یک جوان باید از مداعبه با همسرش پرهیز کند تا این که منجر به همبستری نشود، زیرا در مقابل یک همبستری به هنگام روزه رمضان دو ماه پی در پی باید فرد روزه بگیرد، و این کفاره برای جبران شکستن روزه است.

---

(۱) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۱۹۰۰. در حدیث از واژه مباشرت استفاده شده است که معنای ملامسه یا ملاعبه و معاشقه را دارد؛ هرچند تمامی این واژه‌ها در اصل عربی هستند ولی در ادبیات فارسی از آن استفاده شده است؛ و برای حفظ حرمت مقام نبوت و همسران رسول الله ﷺ باید در نقل معنا دقت کرد که حریم نبوی حفظ شود؛ و اگر ام‌المؤمنین عایشه ﵂ در این مقام از لمس رسول الله ﷺ به ایشان سخن به میان آورده‌اند به خاطر بیان حکم شرعی نوازش و خوابیدن کنار همسری است که دوران قاعدگی دارد.

(۲) مسلم در کتاب صحیحش، شماره ۱۸۶۰.

سازش با حقایق

توقعات در زندگی موجب ناسازشی است؛ به عنوان مثال: بعضی از زنان توقع دارند که شوهر منحصر به فرد خودشان باشد، حتی به خواهر و مادرش هم محبتی نکند و ارتباطی نگیرد، و دغدغه زن بیشتر در این بوده که محبت شوهرش نسبت به او کاسته نشود و کسی با او در آن محبت سهیم نباشد.

خیلی از حقایق تلخ را باید پذیرفت و جلو خودخواهی‌های خود را باید گرفت؛ چقدر زیباست که تمامی همسران رسول الله ﷺ محبت ایشان را به ام المؤمنین خدیجه رضي الله عنها و همچنین ام المؤمنین عایشه رضي الله عنها می‌دانستند ولی ابراز نمی‌کردند و حسادتی در دل آنها نمی‌آمد، زیرا این تقدیر و قسمت و روزی را پذیرفته بودند.

ما نمی‌توانیم کسی را وادار کنیم که ما را دوست داشته باشد، بلکه کِشت محبت با ماست، و ما هستیم که با خوبی‌ها محبت را در دل طرف مقابل کشت می‌کنیم و عواطف و احساسات را پرورش می‌دهیم.

بعضی فکر می‌کنند با مکر و نیرنگ های مختلف بتوانند در همسر خود تأثیر بگذارند؛ گاهی برای این که کسی را از چشم بیاندازند و او را از محبت شوهرش محروم سازند دست به بدگویی و تهمت زدن می‌زنند، و گاهی هم با قهر کردن یا کتک زدن فرزندان و فشار روحی و روانی روی همسر سعی می‌کنند او را از خانوده‌اش جدا کنند، و گاهی هم دست به شکایت می‌زنند.

چنین خودخواه و غیرتی شدن در مقابل قسمت و تقدیر از طرفی کفران نعمت

و ناشکری و ناسپاسی است، و از طرفی اعتراض به قوانین الهی که بر مردان واجب گردانیده که به پدر و مادر و خواهر و برادر خود نیکی کنند.

این نوع غیرت حرام است؛ اما اگر شوهر ارتباط نا مشروع و حرامی با نامحرمی داشت اینجاست که این نوع غیرت در مقابل این فعل حرام واجب است[۱].

خلاصه و خاتمه کلیدهای خوشبختی:

۱- **ازدواج یعنی**: سکونت و استقرار و امان و آسایش و آرامش و راحتی و خوشی و خوبی؛ همچون یک منزل باید دیوار و در و پنجره‌اش محکم باشد و جلو دخالت ها و سنگ اندازی را گرفت؛ و همچون یک لباس یک زندگی نیاز به دوخت و دوز و سازش و سازندگی دارد.

۲- **شناخت روان**؛ زن و مرد باید بر روی روان همدیگر شناخت داشته باشند و بدانند که چه چیزی طرف مقابل را می‌رنجاند تا از آن پرهیز کنند؛ لباس و پیراهن نیاز به شستشو و تمیزی دارد؛ قرار بر این نیست که آلوده نشود، و قرار بر این نیست که بر یک حالت بماند؛ بلکه از درک و اهمیت به روان طرف مقابل این بوده که در شرایط مختلف سازندگی داشته باشیم.

۳- **اهتمام به روابط فطری**؛ این ارتباط از طرفی لذت و خوشیست، و از طرفی ادامه نسل بشریت بر روی زمین، و دیگر حکمت هایی که الله ﷻ در آفرینش خود داشته است؛ آری، زندگی یک مزرعه است که باید به کشت خود اهمیت دهیم

---

(۱) صحیح. ابوداود در کتاب سننش، شماره ۲۳۱۶.

تا محصولی برداشت کنیم؛ زمانی که مرد و زن از لحاظ فطری و جنسی در زندگی از همدیگر بهره‌ای نبرند موجب خشمشان می‌شود؛ و خشم یکی از اسباب نابودی پیوند ازدواج است.

۴- **پرورش عواطف و ابراز احساسات؛** محبت و نیکی و احترام و تقدیر و شکر و سپاس و سخن نیک و زیبا و بخشش و صبر و دیگر کردار و افعال نیک، زندگی را زیبا و قشنگ می‌سازد؛ و بر خلاف آن تندی و خشونت و عیبجویی و خودخواهی و بی احترامی و پرخاش و افعال بد دیگر زندگی را زشت و ناشایست و غیر قابل تحمل می‌کنند.

باید بپذیریم که زن حق رفاقتش از دیگر دوستان و رفیقان بیشتر است؛ او یک کنیز و خدمت‌گزار ما نیست، بلکه همدم و یار ماست.

مقررات مشترک زندگی

۱

مراعات مقررات زندگی از واجباتی است که در مقابل آن پاداش اخروی است.

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ}: (ای اهل ایمان به همه قراردادها و پیمان های خود وفا کنید).

{يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ (٣٤) وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ (٣٥) وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ (٣٦)}: (روزی که انسان از برادر خود می‌گریزد* و از مادر و پدرش * و زن و فرزندانش).

۲

کوتاه آمدن در مقابل بعضی از حقوق در زندگی...

رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((لَا يَفْرَكْ –أی: لا يبغض– مُؤْمِنٌ مُؤْمِنَةً إِنْ كَرِهَ مِنْهَا خُلُقًا رَضِيَ مِنْهَا آخَرَ)). مسلم ٢٦٨٠. ترجمه: (مرد مؤمن نباید از همسر مؤمن خود کینه به دل بگیرد، اگر از یکی از رفتارهای او بدش آمد، به رفتار دیگرش راضی گردد).

۳

انصاف در تعامل و در دادن حقوق و مستحقات و معاملات؛ نه برابری و نه هم ظلم که در قیامت تاریکی است.

{وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ}: (وای بر کسانی که در معاملات به نفع خودشان در وزن و مقدار کم و زیاد می کنند)؛ {وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ}: (و از ارزش اموال مردم مکاهید).

٤

به یاد داشتن نیکی ها و فراموش نکردن آن؛ و یاد آوری آن امتنان و منت گذاشتن نیست بلکه تذکر در انجام واجب است.

{وَأَن تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ}: (و گذشت کردنِ شما به تقوا نزدیک‌تر است، و در میان یکدیگر بزرگواری را فراموش مکنید).

۵

پرهیز از گرفتن حقوق به هنگام خشم و عصبانیت و اختلافات و عجله کردن در احکام... و فجور در خصومت... رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((مَنْ طَلَبَ حَقًّا فَلْيَطْلُبْهُ فِي عفاف: واف أَوْ غيرِ واف)). صحیح ابن حبان، شماره ۵۰۵۷. ترجمه: (اگر فردی حقی از حقوقش را مطالبه کرد آن را به نیکی و با عفت و سخن نیک مطالبه کند هر چند که حق او ایفا شود یا نشود).

۶

حفظ احترام و نیک سخن گویی...

{فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى}: و با او سخنی نرم گویید، شاید که پند پذیرد یا بترسد.. {وَقُل لِّعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنزَغُ بَيْنَهُمْ}: (و به بندگانم بگو: "آنچه را که بهترین است بگویند"، که شیطان میانشان را به هم می‌زند).

۷

پوزش طلبیدن و تواضع در زندگی عزت آفرین است...

رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((أَلا أُخْبِرُكُمْ بِنِسَائِكُمْ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ؟ الْوَدُودُ، الْوَلُودُ، الْعَئُودُ عَلَى زَوْجِهَا، الَّتِي إِذَا آذَتْ، أَوْ أُوذِيَتْ، جَاءَتْ حَتَّى تَأْخُذَ بِيَدِ زَوْجِهَا، ثُمَّ تَقُولُ : وَاللَّهِ لا أَذُوقُ غُمْضًا حَتَّى تَرْضَى)). سلسله صحیحه ۲۸۷.

ترجمه: (آیا شما را به آن زنانتان که اهل بهشتند آگاه نسازم؟ زن بسیار با محبت، بچه زا، و خیر خواه شوهر است که هنگامی که اذیت کند یا اذیت شود، برود دست شوهرش را گرفته و بگوید: قسم به الله که خواب به چشمانم نمی آید تا وقتی که تو راضی شوی).

رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((مَا نَقَصَتْ صَدَقَةٌ مِنْ مَالٍ، وَمَا زَادَ اللَّهُ عَبْدًا بِعَفْوٍ إِلَّا عِزًّا، وَمَا تَوَاضَعَ أَحَدٌ لِلَّهِ إِلَّا رَفَعَهُ اللَّهُ)). مسلم ۴۶۹۶.

ترجمه: (صدقه از مال نمی‌کاهد، و الله ﷻ هنگامی که بنده اش کسی را عفو می‌کند چیزی جز عزتش را برای او زیاد نمی‌کند، و هیچ کسی نیست که برای الله ﷻ تواضع کند مگر این که درجه اش را بالا می برد).

۸
برابری حقوق مرد و زن مگر در بعضی موارد...

{وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ}: (و برای زنان، حقوق شایسته ای بر عهده مردان است، مانند حقوقی که برای مردان بر عهده آنان است، و مردان بر آنان برتری دارند).

۹
مراعات فروق فردی...

{وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنثَى}: (و مرد همانند زن نیست).

۱۰
حفظ اسرار زناشویی...

{فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ}: (و زنان درستکار و صالح، فرمانبردارند و به پاس آن چه الله برای آنان حفظ کرده، اسرار -شوهران خود- را حفظ می‌کنند).

رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((إِنَّ مِنْ أَشَرِّ النَّاسِ، عَنْدَ اللَّهِ مَنْزِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ الرَّجُلَ يُفْضِي إِلَى امْرَأَتِهِ وَتُفْضِي إِلَيْهِ، ثُمَّ يَنْشُرُ سِرَّهَا)). مسلم ۲۶۰۵.

ترجمه: (بدترین مردم از لحاظ جایگاه نزد الله ﷻ در روز قیامت مردی است که با زنش هم خوابی می‌کند و زنش با او هم خواب می‌شود، سپس اسرار زنش را افشا می‌کند).

مقررات مشترک زندگی

۱- مراعات مقررات زندگی از واجباتی است که درمقابل آن پاداش اخروی است.

فحشا جرم و گناه است، و استقرار و آرامش و مودتی در آن نیست، و بر خلاف آن ازدواج ثواب و پاداش دارد و استقرار و آرامش و سکونت و مودت و رحمت است.

یک سری مقررات در زندگی میان زن و مرد مشترک است، و یک سری هم خاص زن یا مرد است، که به همه اینها در ادامه بحث خواهیم پرداخت.

به عنوان مثال: هدف از ازدواج ادامه نسل بوده است که نباید زن و مرد برای آن بهانه بتراشند؛ و یک زن در مقابل حاملگی اش که نه ماه و نه روز تحمل می‌کند اجرش با الله ﷻ است، و قرار بر این نبوده که در مقابل آن پاداش یا حقوقی از شوهر دریافت کند؛ همچنین تربیت فرزند و رسیدگی به کارهای منزل بر دوش زن است، و در مقابل آن تأمین مسائل مادی زندگی بر دوش مرد است؛ و زن و مرد در مقابل این کارها نباید توقع تشکر یا هدیه‌ای داشته باشند و این کارها را باید برای رضای الله ﷻ انجام دهند، برای خشنودی کسی که ازدواج را تشریع کرد و به عنوان یک دیانت و عبادت در میان ما قرار داد.

پایبندی به مقررات زندگی ایفا کردن به عهد و پیمان زندگی بوده که بسته شده است؛ الله ﷻ می‌فرمایند: **{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ}**[1]: (ای اهل ایمان به همه قراردادها و پیمان‌های خود وفا کنید).

---

(۱) مائده : ۱.

همه پیمان‌ها و عَقدها مانند عقد ازدواج یا تجارت یا هر عقد دیگری یک نوع تعهدی هست که ما باید به آن عمل کنیم تا این که روز قیامت در مقابل کوتاهی جوابی داشته باشیم؛ و کافیست که در مورد عقد ازدواج الله ﷻ از آن به عنوان پیمان محکم یاد کرده است: **{وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنكُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا}**[1]: (و چگونه آن –مَهر– را پس می‌گیرید با آن که از یکدیگر کام گرفته‌اید، و آنان از شما پیمانی محکم گرفته‌اند).

الله ﷻ می‌فرمایند: **{يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ (٣٤) وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ (٣٥) وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ (٣٦)}**[2]: (روزی که انسان از برادر خود می‌گریزد * و از مادر و پدرش * و زن و فرزندانش).

این تصویری از یکی از صحنه‌های روز رستاخیز و محشر است، زمانی که انسان از برادر و پدر و مادر و همسر و فرزندانش فرار می‌کند؛ زیرا در ادای حقوق و واجبات شرعی آنان کوتاهی کرده و به تعهدات خود پایبند نبوده است.

از همسر خود فرار می‌کند، زیرا به آن عقد و پیمانی که با آن بر هم حلال گشته‌اند پایبند نبوده‌اند.

ازدواجی که رحمت و آسایش و آرامش بوده است اگر کسی قدر آن را نداند، باید در تاریکی‌های تنهایی به سر ببرد و تاوان ناسازشی خود پس دهد.

---

(۱) نساء : ۲۱.

(۲) عبس : ۳۴-۳۶.

۲- کوتاه آمدن در مقابل بعضی از حقوق در زندگی.

رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((**لَا يَفْرَكْ –أی: لا يبغُض– مُؤْمِنٌ مُؤْمِنَةً إِنْ كَرِهَ مِنْهَا خُلُقًا رَضِيَ مِنْهَا آخَرَ**))[1]: (مرد مؤمن نباید از همسر مؤمن خود کینه به دل بگیرد، اگر از یکی از رفتارهای او بدش آمد، به رفتار دیگرش راضی گردد).

این توصیه به مردان و همچنین زنان است؛ به خاطر این منت بزرگ و آن هم پیمان ازدواج با حکم الهی در مقابل مشکلات و کمبودهایی که پیش می‌آید چشم بپوشانند.

زن و مرد نباید معیار خود را دیگران قرار دهند؛ چون فلانی این طوری هست پس تو هم باید همان طور باشی!

الله ﷻ فقط کامل و بی نقص است، ولی ما انسان‌ها هر کدام نقص متفاوتی داریم؛ با نگاه به سیرت و منزل نبوت بعضی از سختی‌ها آسان می‌شوند.

به عنوان مثال: ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها پس ازدواج با رسول الله ﷺ هشت زن دیگر را به عنوان هوو[2] تحمل می‌کردند، و ارزش و مقام رسول الله ﷺ این سختی را بر وی آسان کرده بود.

---

(۱) مسلم در کتاب صحیحش، شماره ۲۶۸۰.

(۲) هرچند کلمه هوو یا به عربی ضره که از باب نکوهش از چند همسری یاد می‌شود مناسب مقام زنانی که در عقد یک مرد هستند نمی‌باشد، زیرا در احادیث رسول الله ﷺ از آنان به عنوان خواهر همدیگر یاد می‌کند. چنان چه در مسند امام احمد، شماره ۲۶۲۴۷ آمده است که: (رسول الله ﷺ در سفری که از آخرین حج خود بر می‌گشت پاهای شتر همسرش صفیه شکسته می‌شود، و به زینب دختر جحش فرمود که یکی از شتران خودش را به **خواهرش** صفیه قرض دهد...)؛ هرچند آن دو خواهر تنی یا شیرخوارگی نبودند بلکه خواهر ایمانی بودند.

راه حل مشکلات خانودگی فقط طلاق نیست، بلکه راهکارهای مختلفی است که شرع توصیه کرده اند ما قبل از طلاق پیش بگیریم، و سخت ترین آن هجر و قهر و کتک است، ولی حفظ زندگی و مقام و جایگاه آن به عنوان یک عبادت ارزش تحمل این سختی‌ها را دارد.

هرچند که الگوی ما در زندگی رسول الله ﷺ هستند و ایشان چنان چه ام‌المؤمنین عایشه صدیقه رضی الله عنها می‌گوید: (هرگز رسول الله ﷺ همسری از همسرانش و نه خدمت گزاری را **با دست خویش کتک نزدند**)[1].

۳- انصاف در تعامل و در دادن حقوق و مستحقات و معاملات؛ نه برابری و نه هم ظلم که در قیامت تاریکی است.

الله سبحانه وتعالی می فرمایند: **{وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ}**[2]: (وای بر کسانی که در معاملات به نفع خودشان در وزن و مقدار کم و زیاد می‌کنند).

این آیه هشداری برای فروشندگانی است که در مقدار و وزن اجناس خود در حین فروش ظلم می‌کنند؛ همچنین این آیه هشداری است برای کسانی که در دیگر حقوق و مستحقات ظلم می‌کنند، به عنوان مثال: زن یا مردی که حق همدیگر را پایمال می‌کنند و فقط به کار خود اهمیت می‌دهند و همسر و فرزند خود را فراموش می‌کنند، این نوع ظلم در روز قیامت تاریکی است که باید هر فردی بر اساس آن محاسبه شود.

---

(۱) صحیح. امام احمد در کتاب مسندش، شماره ۲۵۸۱۰.

(۲) مطففین : ۱.

هر فردی در زندگی مقدار حقوق عادلانه خود را باید از زندگی ما دریافت کند؛ پدر و مادر و خواهر و برادر و فرزندان و دوستان، و همسر که جای خاص خودش را در زندگی دارد.

الله ﷻ می فرمایند: **{وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ}**[1]: (و از ارزش اموال مردم مکاهید).

همان طور که کاستن ارزش اموال مردم ظلم است، کاستن حقوق زندگی که زن و مرد بر گردن هم دارند نیز ظلم است؛ بی اهمیت شدن با پاکی و تمیزی خود و فرزندان و منزل و عدم آراستگی نوعی از انواع ظلم در زندگی است.

هرچند که نوع مشغولیت از خانواده در عصر حاضر با قدیم متفاوت است؛ به عنوان مثال اگر شوهر با تن و روحش با دوستان خود به تفریح می‌رفت و خانواده خود را فراموش می‌کرد، الان تن شوهر و دوستانش در منزل هستند ولی روح شوهر دیگر حضوری در منزل ندارد، زیرا مبایل و مشغول شدن با دوستان در فضای مجازی جایگزین شده است.

۴- به یاد داشتن نیکی ها و فراموش نکردن آن؛ و یاد آوری آن امتنان و منت گذاشتن نیست بلکه تذکر در انجام واجب است.

الله ﷻ می فرمایند: **{وَأَن تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ}**[2]: (و گذشت کردنِ شما به تقوا نزدیک‌تر است، و در میان یکدیگر بزرگواری و نیکوکاری را فراموش مکنید).

---

(۱) اعراف : ۸۵.

(۲) بقره : ۲۳۷.

برای گذشت در زندگی نیاز است که زن و مرد چشم به خوبی‌های همدیگر داشته باشند تا بتوانند آن بدی را فراموش کنند.

رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((**إِنَّ الْمَرْأَةَ خُلقت مِنْ ضِلَعٍ فَإِنْ أَقَمْتَهَا كَسَرْتَهَا فَدَارِهَا تَعِشْ بِهَا**))[1]: (زن از استخوان پهلوی چپ مرد خلق شده است، اگر خواستی که آن را درست کنی، آن را می‌شکنی، پس با او مدارا کن تا بتوانی با او زندگی کنی).

همچنین رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((**إِنَّ الْمَرْأَةَ خُلقت مِنْ ضِلَعٍ وَلَنْ تَصْلُحَ لَكَ عَلَى طَرِيقَةٍ وَإِنِ اسْتَمْتَعْتَ بِهَا اسْتَمْتَعْتَ بِهَا وَبِهَا عِوَجٌ وَإِنَّ تُرِد إِقَامَتَهَا تَكْسِرْهَا وَكَسْرُهَا طَلَاقُهَا**))[2]: (زن از استخوان پهلوی چپ مرد خلق شده است، که بر یک شیوه برای شما استوار نمی‌گردد، و اگر از او لذت ببری، می‌توانی در حالی که آن کجی را دارد از او لذت ببری، و اگر بخواهی آن را درست کنی آن را می‌شکنی، و شکستنش طلاق اوست).

پس با توجه به فَرق‌ها و تفاوت‌هایی که بین زن و مرد هست می‌توانند با هم زندگی کنند، و آن هم در صورتی که از عیب همدیگر چشم پوشی کنند.

همسر ما از جان و تن ماست، و همان‌طور که به تن و شکم و ظاهر خود اهمیت می‌دهیم باید به همسرمان نیز اهمیت دهیم.

رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((**أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَخِيَارُكُمْ**

---

(۱) صحیح. ابن حبان در کتاب صحیحش، شماره ۴۲۶۷.

(۲) صحیح. ابن حبان در کتاب صحیحش، شماره ۴۲۶۸.

خِيَارُكُمْ لنسائهم))[1]: (کامل ترین مؤمنین از لحاظ ایمان خوش اخلاق ترین آنها هستند، و بهترین شما کسانی هستند که برای همسران خود بهترین هستند).

استخوان کج یک مثال است بر این که هر عیبی قابلیت اصلاح را با تندی ندارد، بلکه از طرفی نیاز به نرمی و از طرفی نیاز به گذشت در مقابل آن است؛ و به همین دلیل توصیه الله ﷻ به است که: **{وَلَا تَنسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ}**: (و در میان یکدیگر بزرگواری و نیکوکاری را فراموش مکنید).

برای این که گذشت بر فرد آسوده گردد نیاز است که به فضل و نیکی که زن و مرد به گردن همدیگر حق دارند را به یاد آورند، خصوصا تنی که همسران ما در اختیار ما گذاشته‌اند تا این که ما مرتکب فعل حرام نشویم.

۵- پرهیز از گرفتن حقوق به هنگام خشم و عصبانیت و اختلافات... و فجور در خصومت.

رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((**مَنْ طَلَبَ حَقًّا فَلْيَطْلُبْهُ فِي عفافٍ: وافٍ أَوْ غيرِ وافٍ**))[2]: (اگر فردی حقی از حقوقش را مطالبه کرد آن را به نیکی و با عفت و سخن نیک مطالبه کند، هر چند که حق او ایفا شود یا نشود).

به هنگام خشم نباید مرد و زن دنبال مطالبه حقوق باشند و جلو دادگاه صف بکشند و برای طلاق گرفتن عجله کنند و دعوا راه بیاندازند.

نباید به هنگام خشم تصمیم گرفت، و این نوع تصمیم گرفتن جز پشیمانی و

---

(۱) صحیح. ابن حبان در کتاب صحیحش، شماره ۴۱۶۴.

(۲) حسن. ابن حبان در کتاب صحیحش، شماره ۵۰۵۷.

رسوایی ثمره دیگری ندارد.

از صفات منافقین که در احادیث به آن اشاره شده: فجور در خصومت[1] یا همان متوسل شدن به دروغ در دعواهاست.

عصبانیت یک انفجاری هست که جز خرابی چیز دیگری را به بار نمی‌آورد، برای همین توصیه رسول الله ﷺ به آن صحابی که از ایشان نصیحت خواست این بود که: عصبانی نشو، باز از ایشان نصیحت خواست و فرمودند: عصبانی مشو[2].

آری! به هنگام دعوا حلوا نمی‌دهند، ولی پرونده اختلافات را باز کردن و رسواسازی همسر به قصد تخریب یا تحریک خانواده بر علیه او کار پسندیده‌ای نیست؛ برای همین است که الله ﷻ حتی به هنگام طلاق توصیه به بزرگواری و نیکوکاری می‌کند و می‌فرمایند: **{وَأَن تَعۡفُوٓاْ أَقۡرَبُ لِلتَّقۡوَىٰۚ وَلَا تَنسَوُاْ ٱلۡفَضۡلَ بَيۡنَكُمۡۚ}**[3]: (و گذشت کردنِ شما به تقوا نزدیک تر است، و در میان یکدیگر بزرگواری و نیکوکاری را فراموش مکنید).

چقدر زیبا رسول اللّه ﷺ نصیحت می‌کنند: ((**مَنْ طَلَبَ حَقًّا فَلْيَطْلُبْهُ فِي عفافٍ**))[4]: (اگر فردی حقی از حقوقش را مطالبه کرد آن را به نیکی و با عفت و سخن نیک مطالبه کند).

با نیکی سخن گفتن یعنی بی ربط حرف نزدن، و هیزم را در آتش نریختن؛

---

(۱) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۳۳.

(۲) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۵۶۷۸.

(۳) بقره : ۲۳۷.

(۴) حسن. ابن حبان در کتاب صحیحش، شماره ۵۰۵۷.

گذشت زیباست و محاسبه سخت و گاهی زشت.

معمولا بعضی از زنان که توسط شوهر تنبیه می‌شوند یا کتک می‌خورند، سعی و تلاش می‌کنند تا انتقام خود را بگیرند، غافل از این که این داد و بی داد کردن‌ها یکی از اسباب کینه به دل گرفتن و جدایی است؛ بر خلاف آن زنی که عیب شوهرش را می‌پوشاند و آبرویش را حفظ می‌کند که چنین زنی الله ﷻ او را ستایش می‌کند: **{فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ}**[1]: (پس زنان درستکار، فرمانبردارند و به پاس آن چه الله ﷻ -برای آنان- حفظ کرده، اسرار -شوهران خود- را حفظ می‌کنند).

خیلی از مردها زمانی که به همسر خود اعتماد می‌کنند و خاطرات و ارتباطات گذشته خود را بازگو می‌کنند؛ همسر با کوچکترین اختلافی آن مسائل را رو می‌کند، اینجاست که اعتماد مرد سلب می‌شود و همسر گلایه می‌کند که چرا شوهرم با من راحت نیست و مثل گذشته حرف نمی‌زند.

اگر شوهر در حال انجام اشتباه مثل ارتباط نامشروع هست، این جا همسر باید جلو او بایستد، زیرا این ارتباط حرام بوده و باید جلو آن را گرفت و نهی از منکر کرد، و از طرفی شاید این ارتباط به سلامتی همسر لطمه وارد کند و مریضی همچون ایدز را به خاطر آن رابطه نامشروع به او انتقال دهد.

الله ﷻ او را ستایش می‌کند: **{أَوَمَنْ يُنَشَّأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ**

(۱) نساء : ۳۴.

مُبِينٍ}[1]: (آیا کسی را -شریک الله قرار می‌دهند- که در زر و زیور پرورش یافته است و -هنگام- مجادله و بحث بیانش روشن نیست؟).

این آیه بر این دلالت دارد که معمولا زنان در خصومت نمی‌توانند سخن خود را واضح بیان کنند؛ و زن‌ها با حرف خود به جای این که کاری را درست کنند خراب‌تر می‌کنند؛ و خیلی جاها در حق خود با این نوع رفتار ظلم می‌کنند.

به عنوان مثال: شوهر شب دیر به منزل می‌آید و همسر نیز نگران می‌شود؛ به جای این که زن با نرمی این مسأله را به شوهر خودش بازگو کند که دلتنگ و نگران او می‌شود با تندی با او بر خورد کرده و شروع به انتقاد می‌کند که تو بی مسئولیت هستی و من هزار تا خرید دارم ولی نسبت به آن هیچ توجه نداری، وقت برای دوستانت داری ولی من و زندگیم هرگز!

زن می‌خواهد ابراز احساسات کند ولی به بی راهه می‌زند، مشکلش نقص در ارتباط عاطفی بوده و تشنه محبت است، ولی سخنش چیز دیگریست؛ همانند فرزندی که می‌بیند پدر و مادرش با آمدن نوزاد نسبت به او بی توجه شده‌اند، سعی می‌کند با اخم کردن یا به مریضی زدن خودش یا گریه کردن توجه آنان را جلب کند.

این مسایل در زندگی نیاز به درک دو جانبه از طرف مرد و زن دارد، و از نویسندگانی که سعی کردند به این جوانب بپردازند "دکتر جان گری" در کتاب "مردان مریخی و زنان ونوسی" است.

---

(۱) نساء : ۳۴.

جایی زن به علت عاطفه و حساسیت و غیرتی که در سرشتش نهفته است نسبت به شوهرش وسوسه می‌شود؛ که وظیفه زن کنترل این غریزه‌هاست؛ به عنوان مثال: زمانی که نیمه شب رسول الله ﷺ به بقیع رفتند و ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها شتابان همراه ایشان به راه افتادند بدون این که ایشان احساس کنند؛ تا این که به هنگام برگشت ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها را می‌بینند و با دست خویش بر سینه ام‌المؤمنین می‌زنند و می‌فرمایند: ((گمان بردی که من در حق تو ظلم کنم! -یعنی در وقت تو نزد دیگر همسرانم بروم؟-))[1].

و در روایت دیگری: شب هنگام ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها که بیدار می‌شوند و رسول الله ﷺ را کنار خود نمی‌بینند به غیرت ایشان بر می‌خورد، در آن حال رسول الله ﷺ به منزل باز گشتند و او را در این حالت دیدند و فرمودند: ((ای عایشه چیزی نگرانت کرده؟ به غیرتت بر خورده است؟))، ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها می‌گوید: چطور فردی مثل من بر روی فردی همانند شما -با این مقام و منزلت- غیرتی نشود!، رسول الله ﷺ فرمودند: ((شیطان تو را وسوسه کرد!))[2].

کنجکاوی و تجسس زن در امور خصوصی مرد به ویژه در امور مالی یکی از

---

(۱) صحیح. ابن حبان در کتاب صحیحش، شماره ۷۰۶۶.

(۲) امام مسلم در کتاب صحیحش، شماره ۵۰۴۰. و در روایت دیگری نزد امام نسایی در سننش، شماره ۳۹۶۰ آمده است که: ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها وارد مسجد می‌شود و رسول الله ﷺ را در حال نماز می‌بیند و با دست خود موهای ایشان را لمس می‌کند تا ببیند خیس است یا نه- و در روایتی چنین اشاره شده: تا این که ببیند رسول الله ﷺ با همسری از همسرانش همبستری کرده و بعد از آن غسل انجام داده یا خیر!- سپس رسول الله ﷺ می‌فرمایند: "شیطانت آمده است". مقصود از شیطانت آمده در حدیث کنایه از ایجاد کردن وسوسه در دل توسط شیطان است، که ناپسند بودن این فعل را می‌رساند.

اسباب اختلافات در زندگی است، که معمولا هیچ فردی دوست ندارد کسی در کارش دخالت کند و سرک بکشد، زیرا بشر بر خلاف ملائکه اختیار و تشخیص دارند که اگر از آنها گرفته شود بشر بودن آنها زیر سؤال می‌رود.

شرع در حرام کردن تجسس و تحسس[۱] حکمت‌هایی دارد؛ از جمله: حفظ روابط خانوادگی و استقرار و امنیت و طمأنینه و اعتماد به همدیگر است.

بر خورد رسول الله ﷺ با ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها در موردی که ذکر شد بدین علت بوده که وسوسه و بدگمانی و عدم اطمینان او را از بین ببرد، و استقرار روحی و روانی‌اش مختل نشود.

اینها چهار چوب زندگی برای حفظ استقرار آن است تا این که از هم نپاشد، و از ابتدای زندگی در مقابل این مسایل باید قاطع بود.

عامل اصلی عصبانی شدن زنان غیرت آنهاست؛ رسول الله ﷺ در سفری که از آخرین حج خود بر می‌گشت پاهای شتر همسرش صفیه شکسته می‌شود، و به زینب دختر جحش فرمود که یکی از شتران خودش را به خواهرش[۲] صفیه قرض دهد، زینب با لحنی تند گفت: به آن یهودی زاده قرض دهم!؟؛ رسول الله ﷺ از این پاسخ زینب سخت ناراحت و خشمگین شده و چندین ماه او را هجر و ترک

---

(۱) معمولا تحقیق و دنبال اسرار فرد بودن به قصد شر و پاپوش سازی را تحسس می‌گویند، و تحقیق در اموری ظاهری فرد را تجسس یا جاسوسی کردن می‌گویند.

(۲) این مقام و جایگاه دو زن که در عقد یک مرد هستند را می‌رساند؛ صفیه و زینب هر دو همسر رسول‌الله ﷺ بودند، و آن دو خواهر تنی یا شیرخوارگی نبودند بلکه خواهر ایمانی بودند.

کردند[1].

این تنبیه سخت رسول الله ﷺ به خاطر غیرتی که به جایش نبوده و تحقیری که در جملات خود نسبت به خواهر دینی و ایمانی خود و همسری از همسران رسول الله ﷺ به کار برده‌اند می‌باشد تا این که عبرتی برای دیگر مؤمنان باشد.

۶- حفظ احترام و نیک سخن گویی.

الله ﷻ می فرمایند: **{فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى}**[2]: (و با او سخنی نرم گویید، شاید که پند پذیرد یا بترسد).

توصیه الله ﷻ به موسی و هارون علیهما السلام به هنگام رفتن نزد فرعون با آن سنگدلی‌اش این بود که با نرمی با او سخن گویند؛ اگر فرعون نیاز به تعامل نرمی داشت همسران نیز نیاز به چنین ادبیاتی در بر خورد با هم دارند.

الله ﷻ می فرمایند: **{وَقُل لِّعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنزَغُ بَيْنَهُمْ}**[3]: (و به بندگانم بگو: "آنچه را که بهترین است بگویند"، که شیطان میانشان را به هم می‌زند).

چنان چه قبلا هم به آن اشاره شد ما باید در سخنان خود از بهترین الفاظ استفاده کنیم تا این که شیطان میان ما تفرقه نیاندازد.

طبیعت و سرشت انسان چنین بوده که همیشه به منظور حرف توجه کند نه

---

(۱) صحیح. امام احمد در کتاب مسندش، شماره ۲۶۲۴۷.

(۲) طه : ۴۴.

(۳) اسراء : ۵۳.

مجرد الفاظ و حروفی که تلفظ می‌کنیم، ولی این منظور نباید منظوری باشد که ما برداشت می‌کنیم، بلکه آن منظوری که مقصود سخنگوست.

اگر احترام ها با سخنان بد و ناروا شکسته شود درهای فتنه به زندگی باز شده و حاصل آن چیزی جز تفرقه و جدایی نیست.

۷- پوزش طلبیدن، تواضع و عفو در زندگی عزت آفرین است.

رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((**أَلا أُخْبِرُكُمْ بِنِسَائِكُمْ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ؟ الْوَدُودُ، الْوَلُودُ، الْعَئُودُ عَلَى زَوْجِهَا، الَّتِي إِذَا آذَتْ، أَوْ أُوذِيَتْ، جَاءَتْ حَتَّى تَأْخُذَ بِيَدِ زَوْجِهَا، ثُمَّ تَقُولُ: وَاللَّهِ لا أَذُوقُ غُمْضًا حَتَّى تَرْضَى**))[۱]: (آیا شما را به آن زنانتان که اهل بهشتند آگاه نسازم؟ زن بسیار با محبت، بچه زا، و خیر خواه شوهر است که هنگامی که اذیت کند یا اذیت شود، برود دست شوهرش را گرفته و بگوید: قسم به الله که خواب به چشمانم نمی آید تا وقتی که تو راضی شوی).

در این حدیث شریف به چند خصلت خوب زنان خانه دار اشاره شده است:

اول: وَدود و با محبت بودن؛ یعنی این که نسبت به زندگی و شوهر و فرزندانش محبت و علاقه داشته باشد، نه این که همیشه دنبال گریز از زندگی و مسئولیتها باشد و خود را ملامت کند که چرا قسمت مرا شوهری بی احساس یا بی سلیقه یا بی پول کرده است؛ این زن ودود و با محبت با سخنان شیرین و زیبایی مظهر خود برای شوهر کوتاهی نمی‌کند و از هر چیزی که نقیض محبت باشد و او را تبدیل به زن بغوض و کریهی کند که شوهر با دیدنش برنجد پرهیز می‌کند.

---

(۱) صحیح. امام نسائی در کتاب سنن کبری، شماره ۸۷۹۸.

دوم: ولود و بچه زا باشد، نه این که به بهانه بی‌صبر و بی‌حوصله بودن یا هزینه‌های زندگی یا سختی تربیت و دیگر بهانه‌ها شانه از این مسئولیت خالی کند. و توصیه رسول الله ﷺ بر این بوده که ما مسلمانان زنانی را برای خود انتخاب کنیم که زیاد بچه می زایند تا امت محمد ﷺ زیاد شوند[1]، و نباید در این راه ترس و هراس از روزی آنها داشته باشیم، زیرا روزی آنان را الله ﷻ تعیین می‌کند و می‌دهد.

الله ﷻ می فرمایند: **{وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا}**[2]: (فرزندانتان را از بیم تنگدستی نکشید؛ ما به آنان و شما روزی می دهیم، یقیناً کشتن آنان گناهی بزرگ است).

چه بسا بهانه و عذر تراشی برای فرار از وظیفه و مسئولیت گناهی بس بزرگ باشد که توبیخی را نیز دربر گیرد، به عنوان مثال: لشکری با سربازانی نزدیک به ده هزار تن همراه رسول الله ﷺ برای نبرد با رومی‌ها در منطقه تبوک آماده می‌شوند، ولی سه تن از یاران رسول الله ﷺ با ایشان در این نبرد همراهی نمی‌کنند، هرچند بهانه‌های زیادی از جمله گرم بودن هوا و ثمر دادن نخل ها و حضور تعداد کافی سرباز در این نبرد وجود داشت، ولی با این وجود رسول الله ﷺ به آنان عذر ندادند و آیاتی در توبیخ آنها نازل می‌شود[3]، **{وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِّفُوا حَتَّى إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَن لَّا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا**

---

(۱) صحیح. امام ابوداود در کتاب سننش، شماره ۱۷۵۷.

(۲) اسراء : ۳۱.

(۳) امام بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۴۰۹۱.

إِلَيْهِ..}[1]: (و -نیز رحمتش- شامل حال آن سه نفری -بود- که -با بهانه تراشیِ واهی از شرکت در جنگ- بازمانده بودند -و همه مسلمانان به دستور پیامبر با آنان قطع رابطه کردند- تا جایی که زمین با همه وسعت و فراخی اش بر آنان تنگ شد و -از شدت غصه، اندوه و عذاب وجدان- دل هایشان هم در تنگی و مضیقه قرار گرفت، و دانستند که هیچ پناهگاهی از الله جز به سوی او نیست).

پس همانطور که ازدواج عبادت بوده فرزنددار شدن نیز عبادت است، و نباید در حصول این امر سرپیچی کنیم و بهانه بتراشیم.

سوم: عئود و خیر خواه شوهر باشد، به طوری که اگر اشتباه از شوهرش نیز باشد باز به شوهر برگردد و او را ببخشد تا این که کانون خانواده از هم نپاشد و استوار باقی بماند.

چنان چه که در حدیث اشاره شده: زمانی که زن اذیت کند یا اذیت شود، برود دست شوهرش را گرفته و بگوید: قسم به الله که خواب به چشمانم نمی آید تا وقتی که تو راضی شوی؛ این نوع کوتاه آمدن ذلت و خواری نیست، بلکه عزت و سربلندیست.

اینها اوصاف زنان صالحیست که در حدیثی رسول الله ﷺ آن را به عنوان بهترین خوشی دنیا یاد می‌کند[2].

آیا زن می‌تواند شوهرش را تنبیه کند و کتک بزند یا طلاق بدهد؟ خیر، چون

---

(۱) توبه : ۱۱۸.

(۲) امام مسلم در کتاب صحیحش، شماره ۲۶۷۶.

به علت ضعف‌هایی که دارد محتاج منزل و پناه و شوهر است بر خلاف مرد؛ و در این جا گزینه‌هایی جز صبر و تحمل و گذشت نیست.

زنی که چنین عفوی می‌کند، در حالی که مقصر نیز نیست، و دست خود را در دست شوهر می‌نهد، چنان محبتی در قلب شوهر نسبت به او ایجاد می‌شود که اگر میلیونها هزینه کند نمی‌تواند چنین کِشت حاصل خیزی را در وجود شوهر ایجاد کند.

آری، چنین زنی شایسته بهترین قدر دانی‌هاست، ولی افسوس که بسیاری از زنان چنین راه و راهکاری را از آن اطلاعی ندارند، و در خیابان‌ها دنبال شاخه گل و کادویی می‌گردند تا جایی را برای خود در قلب شوهر ایجاد کنند.

عفو و گذشت همیشه عزت آفرین است، زیرا انسان‌ها اختیار داده شده‌اند که میان خوب و بد یکی را انتخاب کنند؛ جاهایی هم قصد او نیک بوده ولی بد را انتخاب می‌کند و اشتباه از او سر می‌زند، و جایی هم فریب احساسات خود می‌خورد، در اینجاست که باید عفو و بخشش و گذشت کرد؛ الله ﷻ می‌فرمایند: {**وَأَن تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى**}[1]: (و گذشت کردنِ شما به تقوا نزدیک‌تر است).

رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((**مَا نَقَصَتْ صَدَقَةٌ مِنْ مَالٍ، وَمَا زَادَ اللَّهُ عَبْدًا بِعَفْوٍ إِلَّا عِزًّا، وَمَا تَوَاضَعَ أَحَدٌ لِلَّهِ إِلَّا رَفَعَهُ اللَّهُ**))[2]: (صدقه از مال نمی‌کاهد، و الله ﷻ هنگامی که بنده‌اش کسی را عفو می‌کند چیزی جز عزتش را برای او زیاد نمی‌کند،

(۱) بقره : ۲۳۷.

(۲) امام مسلم در کتاب صحیحش، شماره ۴۶۹۶.

و هیچ کسی نیست که برای الله ﷻ تواضع کند مگر این که درجه‌اش را بالا می‌برد).

عدم عفو و گذشت نزد الله ﷻ مورد نکهوش واقع شده است؛ الله ﷻ خودش بخشنده بوده و بخشندگی را دوست دارد[1]، و الله ﷻ خودش از تقصیرات بندگانش گذشت می‌کند و دوست دارد بندگانش نیز گذشت کنند.

رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((**تُفْتَحُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَ الِاثْنَيْنِ، وَيَوْمَ الْخَمِيسِ، فَيُغْفَرُ لِكُلِّ عَبْدٍ لَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا، إِلَّا رَجُلًا كَانَتْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَخِيهِ شَحْنَاءُ، فَيُقَالُ: أَنْظِرُوا هَذَيْنِ حَتَّى يَصْطَلِحَا، أَنْظِرُوا هَذَيْنِ حَتَّى يَصْطَلِحَا، أَنْظِرُوا هَذَيْنِ حَتَّى يَصْطَلِحَا**))[2]: (روز دوشنبه و پنجشنبه درهای بهشت باز می‌شود، هر کسی که برای الله ﷻ شریک قرار نداده باشد در آن دو روز بخشیده می‌شود، جز مردی که بین او و برادرش کینه و دشمنی است. -الله ﷻ- می‌فرمایند: به این دو مهلت دهید تا با هم صلح کنند، به این دو مهلت دهید تا با هم صلح کنند، به این دو مهلت دهید تا با هم صلح کنند).

زندگی جای صلح و صفاست، نه کینه و بغض و کدورت؛ مؤمنین به فرمایش قرآن: {**وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ**}[3]: (مردان و زنان با ایمان دوست و یار یکدیگرند).

آری، مردان و زنان با ایمان همچون یک جسد و بدن هستند، که به داد همدیگر می‌رسند و کنار یکدیگر می‌ایستند.

شاید فردی سرشت و طبیعت او با ما سازگاری نداشته باشد، یا گناهانی را

---

(۱) صحیح. امام ابن ماجه قزوینی در کتاب سنن، شماره ۳۸۴۸.

(۲) امام مسلم در کتاب صحیحش، شماره ۴۶۵۸.

(۳) توبه : ۷۱.

انجام می دهد که ما به خاطر آن گناه بغضش را داریم، ولی نسبت بغض ما به اندازه گناهش است، نه این که پشت به او دهیم و کامل ارتباط خود را با او قطع کنیم.

جایی به علت ناراحتی صورت خود را در هم کشیده و چهره خود را عبوس می‌کنیم، غافل از این که اخم کردن و عبوس شدن چهره جاهایی مذموم بوده و شاید گناه محسوب گردد، الله ﷻ در قرآن خطاب به پیامبرش محمد ﷺ می‌فرمایند: **{عَبَسَ وَتَوَلَّى (١) أَن جَاءَهُ الْأَعْمَى}**[(١)]: (چهره در هم کشید و روی گردانید، از این که آن مرد نابینا نزد او آمد**!**).

در این آیه اشاره به این است که فرد نابینایی به نام عبد الله بن ام مکتوم رضي الله عنه نزد رسول الله ﷺ آمد و در حالی که رسول الله ﷺ با مشرکین گفتگو می‌کرد او سؤالی را مطرح کرده و رسول الله ﷺ اخم می‌کند، آن فرد چهره ایشان را ندید ولی باز هم از باب تذکر که چنین فعلی شایسته نیست الله ﷻ پیامبرش را گوشزد می‌کند.

عبوس بودن خصلت خوبی نیست و همچنین کینه به دل گرفتن؛ و رنجش و آزرده خاطر شدن نیز راه و حلش قهر نیست؛ الله ﷻ در قرآن می‌فرمایند: **{وَإِنْ تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ}**[(٢)]: (و اگر عفو کنید و چشم بپوشید و ببخشید، (الله ﷻ نیز شما را می‌بخشد)؛ چرا که الله ﷻ بخشنده و مهربان است).

و بدتر از اینها خشم و عصبانیت که ویرانگر زندگیست؛ به جای این که عفو و

---

(١) عبس : ١-٢.

(٢) تغابن : ١۴.

صبر کنیم در اوج خشم و عصبانیت زندگی خود را تبدیل به خرابه‌های می‌کنیم.

چنانچه یاد شد: رسول الله ﷺ می‌فرمایند: ((**مَنْ طَلَبَ حَقًّا فَلْيَطْلُبْهُ فِي عَفَافٍ وَافٍ أَوْ غَيْرِ وَافٍ**))[1] : (اگر فردی حقی از حقوقش را مطالبه کرد آن را به نیکی و با عفت و سخن نیک مطالبه کند، اگر چه حق خود را کامل یا ناقص بیابد).

اگر زنی از شوهرش خواسته‌ای دارد باید منتظر فرصت باشد و در حالی که شوهر آمادگی آن را دارد با او سخن بگوید و خواسته خود را بیان کند، نه در حالی که هم خودش ناراحت و عصبانیست و هم شوهرش.

در اوج دعوا زن از شوهرش می‌خواهد که باید الان تکلیفم را مشخص کنی!؛ آن هم شاید در حالی که شوهر سر کار هست یا رانندگی می‌کند یا مهمانی یا سفر یا نصف شب می‌باشد!

آیا در چنین حالت و زمانی می‌توانیم به حقوق خود برسیم؟ خیر، هرگز! بلکه حاصل آن جز پشیمانی چیز دیگری نیست؛ این جا هست که رسول الله ﷺ توصیه می‌کنند که اگر تقاضای حقی را دارید به نیکی طلب کنید.

بیشترین چیزی که مانع عفو و گذشت می‌شود بازگشت به گذشته‌هاست؛ در فلان روز چرا چنین کردی؟ و چنان شد و منظورت چه بود؟ و ...؛ در صورتی که با دفن کردن چنین خاطرات تلخی در گورستان عفو و گذشت جز سربلندی پیامد دیگری ندارد.

---

(۱) حسن. ابن حبان در کتاب صحیحش، شماره ۵۰۵۷.

۸- برابری حقوق مرد و زن مگر در بعضی موارد.

الله ﷻ در قرآن می‌فرمایند: **{وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ}**[۱]: (و برای زنان، حقوق شایسته و متعارفی بر عهده مردان است، مانند حقوقی که برای مردان بر عهده آنان است، و مردان بر آنان برتری دارند).

شباهت میان افراد جنبه‌های متعددی دارد: شاید جایی در تمامی صفات و جایی هم در بعضی از صفات مشترک باشد، و جایی هم شباهت در ظاهر و جایی در باطن؛ حال در این آیه به حقوقی همانند میان زنان و مردان اشاره شده است، و بدون شک چون مرد به عنوان وظیفه دخل و خرج منزل را بر عهده دارد چنین وظیفه‌ای بر عهده زنان نیست، همان طور که در اصل آفرینش زنان اگر حمل جنین بر عهده زنان دارند چنین وظیفه‌ای بر عهده مردان نیست.

پس اگر تفاوتی در نوع وظیفه وجود دارد دلیلی بر تبعیض نیست بلکه بدین دلیل است که هر کدام از مرد و زن توانایی خاصی دارند.

مردان و زنان حقوقی متقابل در زندگی مشترک بر عهده دارند؛ اگر مرد وظیفه هزینه تکالیف زندگی و ایجاد مسکن را بر دوش دارد، زن نیز وظیفه ایجاد سکونت در زندگی برای همسر و فرزند را بر عهده دارد.

بعضی از حقوق میان مردان و زنان در زندگی کاملا مشترک و یکسان بوده و هر کدام باید آن را مراعات کنند، همانند نیک سخن گویی و التزام به شریعت الهی.

و بعضی دیگر از حقوق در زندگی متقابل است؛ به عنوان مثال: اگر مرد بیرون

---

(۱) بقره : ۲۲۸.

از منزل برای کسب روزی زحمت می‌کشد، زن وظیفه دارد در تربیت فرزند کوشا باشد، و هر کدام بر اساس مقتضای فطرت و سرشت خود مکلف هستند؛ پس برابری در تمامی حقوق امکان ندارد، به همین دلیل برای این که شبهه‌ای از این آیه در ذهن‌ها نماند الله متعال می‌فرمایند: **{وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ}**: (و مردان بر آنان برتری دارند).

این درجه و برتری که به مرد داده شده از طرفی در مجوز تعدد و چند همسریست و آن هم به خاطر قدرت و توان جسمی و همچنین زیاد بودن زنان بی‌سرپرست به نسبت مردان، و از طرفی در مجوز طلاق دادن و آن هم به علت عقلانی و آینده نگر بودن وی است، بر خلاف زن که احساساتی و عاطفی برخورد کرده و سریع تصمیم می‌گیرد و نگاهی به آینده ندارد.

مسأله دیگری که در این آیه در مورد حقوق به آن اشاره شده بحث شایستگی و پسندیده و متعارف بودن آن است؛ که این متعارف بودن میان جامعه تا جامعه‌ای دیگر و قشری از قشر دیگر متفاوت است، و **باید شرایط زمانی و مکانی و حالت افراد در نفقه و لباس و مسکن و معاشرت در نظر گرفته شود**؛ به عنوان مثال: اگر فردی در یک شهر بزرگ زندگی می‌کند تهیه منزلی برای خود و همسرش را بر عهده دارد که آن فردی که در روستا زندگی می‌کند بر عهده ندارد، یعنی مهم منزل است نه نوع آن؛ و همچنین آن کسانی می‌توانند آن متعارف را تعیین کنند که درایت وآگاهی نسبت به شرع و دین را داشته باشند تا در تعیین حقوق در مخالفت با شریعت حکم ندهند، و علمی و شناختی نسبت به شرایط جامعه و زندگی داشته باشند تا حقی را پایمال نکنند.

این حقوقی که به زنان در شریعت اسلام داده شده کمال عدالت را در بر گرفته

است، بدین دلیل که شرایط جسمانی، روحی و روانی آنان مراعات شده است بر خلاف تمامی ادیان و تمدن‌هایی که بر روی زمین وجود دارد.

کدام شریعت است که به زن چنین اهمیتی داده که برای او نفقه و مسکن و ارث و احسان و حق در معاشرت تعیین کند؟

عمرو بن أحوص جُشَميرضي الله عنه **مي‌گوید:** أَنَّهُ شَهِدَ حَجَّةَ الْوَدَاعِ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَحَمِدَ اللَّهَ، وَأَثْنَى عَلَيْهِ، وَذَكَّرَ وَوَعَظَ،... فَقَالَ: ((**أَلَا وَاسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ خَيْرًا، فَإِنَّمَا هُنَّ عَوَانٌ عِنْدَكُمْ لَيْسَ تَمْلِكُونَ مِنْهُنَّ شَيْئًا غَيْرَ ذَلِكَ، إِلَّا أَنْ يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ، فَإِنْ فَعَلْنَ فَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ، وَاضْرِبُوهُنَّ ضَرْبًا غَيْرَ مُبَرِّحٍ، فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا، أَلَا إِنَّ لَكُمْ عَلَى نِسَائِكُمْ حَقًّا، وَلِنِسَائِكُمْ عَلَيْكُمْ حَقًّا، فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَى نِسَائِكُمْ، فَلَا يُوطِئْنَ فُرُشَكُمْ مَنْ تَكْرَهُونَ، وَلَا يَأْذَنَّ فِي بُيُوتِكُمْ لِمَنْ تَكْرَهُونَ، أَلَا وَحَقُّهُنَّ عَلَيْكُمْ، أَنْ تُحْسِنُوا إِلَيْهِنَّ فِي كِسْوَتِهِنَّ وَطَعَامِهِنَّ**))[1] : در حجة الوداع از رسول الله ﷺ شنید که بعد از حمد وثنای الله و پند و موعظه**...** فرمود: (آگاه باشید و یکدیگر را به رفتار خوب با زنان سفارش کنید؛ چون آنان تحت اختیار شما هستند و شما –غیر از در اختیار داشتن آنها– مالک چیز دیگری از آنان نیستید، مگر اینکه مرتکب منکری آشکار شوند، پس در این صورت بسترهایشان را ترک کنید و آنان را طوری بزنید که به آنها آسیب نرسد، اگر از شما اطاعت کردند راهی را برای (تنبیه) ایشان نجویید. **بدانید که همسرانتان بر شما حقی دارند و شما نیز بر آنان حقی دارید**، اما حق شما بر همسرانتان این است که کسی را که دوست ندارید بر بستر شما راه ندهند –یعنی عفت و پاکدامنی خود را حفظ کنند– و کسی را که دوست ندارید به حریم و خانه شما راه ندهند. آگاه باشید که حق آنان بر شما این است که به خوبی

---

(۱) صحیح. ترمذی در کتاب سننش، شماره ۱۰۷۹.

لباس و غذا را برای آنان تهیه کنید).

در این حدیث به قسمتی از حقوق مردان و زنان اشاره شده است، و در احادیثی دیگر نیز به مواردی دیگر اشاره شده است از جمله: این که زن اجازه ندارد روزه نافله و سنت را بدون اجازه شوهرش بگیرد، یا به او در همبستری پشت کند و همخوابی نکند و همچنین دیگر موارد.

این جاست که شرع در مقابل پایندی به این حقوق برای زنان به طور مثال پاداش بزرگی در نظر گرفته است؛ رسول الله ﷺ می فرمایند: ((**إِذَا صَلَّتِ الْمَرْأَةُ خَمْسَهَا، وَصَامَتْ شَهْرَهَا، وَحَصَّنَتْ فَرْجَهَا، وَأَطَاعَتْ بَعْلَهَا دَخَلَتْ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ شَاءَتْ**))[۱]: (هنگامی که زن نمازهای پنج وقتش را بخواند، و روزه ی ماه رمضانش را بگیرد، و پاکدامنی پیشه کند و شوهرش را اطاعت نماید، از هر کدام از درهای بهشت که بخواهد، وارد می‌شود).

بی شک این قانون متقابل است؛ یعنی همان طور که زن وظیفه دارد پاکدامن باشد و خود را از حرام دور سازد، مرد نیز باید خود را از حرام دور نگهدارد تا این که آرامش بر کانون خانواده چیره گردد.

حال این نوع خانواده را با یک خانواده غربی مقایسه کنیم، خانواده‌ای که مردان آنها هر روز با دختری سر می‌کنند و شب دیر، مست و پریشان به منزل می‌آیند و بی‌اختیار همسر خود را کتک می زنند؛ این همسر چه نوعی آرامش دارد؟ و چه شرایط روحی و روانی خواهد داشت؟

---

(۱) صحیح. ابن حبان در کتاب صحیحش، شماره ۴۲۵۲.

۹- مراعات فروق فردی.

الله ﷻ می‌فرمایند: {وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنثَى}[1]: (و مرد همانند زن نیست).

بی شک همان طور که حقوق زن و مرد یکسان نبوده بلکه متقابل و عادل بوده است، از لحاظ جسمی نیز همانند و برابر و یکسان نیستند؛ به عنوان مثال: مغز یک زن معادل ۱۲۴۲ گرم و عقل مرد ۱۳۸۶ گرم می‌باشد، و این فرق است که سبب شده مردان در فیزیک و شیمی و ریاضی و دیگر علوم عقلی و تجربی قوی باشند و دست به اختراع بزنند؛ همچنین از لحاظ قدرت و توانایی جسمی هیچ وقت تصور نمی‌شود یکی بازی همانند فوتبال میان زنان و مردان برگزار شود.

بعضی از این سخنان الله ﷻ برداشت کرده‌اند که مردان بهترند و بعضی هم زنان، ولی بحث برتری نیست بلکه بحث فروق و تفاوت هاست؛ دکتر "جان گری" در این موضوع کتابی را به نام "مردان مریخی و زنان ونوسی" تألیف نموده‌اند که حرف و سخن او راجع به تفاوت های رفتاری و روانی میان زنان و مردان است؛ همچنین "عبدالله بن محمد الداوود" کتابی بسیار زیبا را به نام "زن دریا و مرد اقیانوس"[2] نوشته‌اند که در بحث مسایل خانوادگی گنجی محسوب می‌شود.

جسم و تن مردان به نسبت زنان محکم‌تر و قوی‌تر است؛ زنان از جسمی لطیف برخوردار هستند و همچون آبی بوده که با نرمی و لطافت خود اگر روی صخره و سنگ محکمی فرو ریزد روی آن تأثیر می‌گزارد، به همین علت است که چنان چه یاد شد رسول الله ﷺ می فرمایند: (آیا شما را به آن زنانتان که اهل

---

(۱) آل عمران : ۳۶.

(۲) نام عربی این کتاب: "المرأة البحر و الرجل المحيط" است.

بهشتند آگاه نسازم؟ زن بسیار با محبت، بچه زا، و خیر خواه شوهر است، که هنگامی که اذیت کند یا اذیت شود، برود دست شوهرش را گرفته و بگوید: قسم به الله که خواب به چشمانم نمی آید تا وقتی که تو راضی شوی)[1].

آری، با چنین کاری زندگی پایدار شده و مرد اسیر زن می‌گردد؛ اما با داد و بیداد مشکلی حل نمی‌شود بلکه لجاجت را بیشتر کرده و مرد را وادار به خشونت می‌کند.

آنچه از این مطالب مهم بوده این است که مرد و زن بدانند: هر کدام خصوصیات خاص خود را دارند و هر کدام رفتار و تعامل خاصی می‌طلبند و با شناخت تفاوت ها در اصل خلقت و آفرینش، درک و فهم یکدیگر آسان‌تر می‌گردد.

۱۰- حفظ اسرار زناشویی.

الله ﷻ می‌فرمایند: **{فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ}**[2]: ((پس زنان درستکار، فرمانبردارند –و- به پاس آن چه الله ﷻ -برای آنان- حفظ کرده، اسرار -شوهران خود- را حفظ می‌کنند).

ویژگی زنان صالح زیاد است، زنانی که خود صالح بوده و مصلح همسر و فرزند خود نیز هستند، و با به دست گرفتن قرآن در منزل و پایبندی به نمازها به ویژه نمازهای سنت به خانواده خود می‌آموزند که راه نجات در دنیا و آخرت در دین و دینداریست.

---

(۱) صحیح. امام نسائی در کتاب سنن کبری، شماره ۸۷۹۸.

(۲) نساء : ۳۴.

همچنین در این آیه اشاره به سِر نگهداری زن و عدم افشای آن جلو خانواده و پدر و مادر است؛ همسرش اشتباهی کرده ولی او آبرویش را حفظ می‌کند.

شاید خیلی به هنگام دعوا که حلوایی پخش نمی‌کنند از عصبانیت سخنان نا به جایی بر سر زبان بیاورد، یا این که اشتباهی از او سر زده و با همسر خود درد و دل کرده باشد ولی همسرش حفظ حرمتش نکند و آبرویش را ببرد، در صورتی که فرد مؤمن باید بر خلاف این رفتار بر خود مسلط بوده و آن اعتمادی که همسر به او داشته را از دست ندهد تا این که همیشه به عنوان یک پناه و تکیه گاه جایگاهش را حفظ کند.

در مبحث پرورش عواطف به قصه اسماعیل ﷺ اشاره شد که پدرش ابراهیم ﷺ زمانی که ناسپاسی همسر فرزندش در مقابل رزق و روزی را می‌بیند، چنین زنی را در لیاقت و شأن منزل نبوت ندیده و فرزندش را توصیه به طلاقش می‌کند.

رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((**إِنَّ مِنْ أَشَرِّ النَّاسِ، عَنْدَ اللَّهِ مَنْزِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ الرَّجُلَ يُفْضِي إِلَى امْرَأَتِهِ وَتُفْضِي إِلَيْهِ، ثُمَّ يَنْشُرُ سِرَّهَا**))[1]: (بدترین مردم از لحاظ جایگاه نزد الله ﷻ در روز قیامت مردی است که با زنش هم خوابی می‌کند و زنش با او هم خواب می شود، سپس اسرار زنش را افشا می‌کند).

در این حدیث اشاره به نوعی از حفظ اسرار زناشویی شده که بدترین انسان‌ها در روز قیامت آن مرد و زنی هستند که با همدیگر همبستری می‌کنند سپس سِر زناشویی خود را افشا می‌کنند.

---

(۱) امام مسلم در کتاب صحیحش، شماره ۲۶۰۵.

وظایف شوهر یا حقوق زن

تقوای الله ﷻ در ادای حقوق:

۱- الله ﷻ می‌فرمایند: **{وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا}**: (و با زنان به صورتی شایسته و پسندیده رفتار کنید، و اگر از آنان -یا رفتاری از آنان- خوشتان نیامد، پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و الله در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد).

۲- رسول اللّه ﷺ در حجة الوداع چنین فرمودند: ((**فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي النِّسَاءِ، فَإِنَّكُمْ أَخَذْتُمُوهُنَّ بِأَمَانِ اللَّهِ، وَاسْتَحْلَلْتُمْ فُرُوجَهُنَّ بِكَلِمَةِ اللَّهِ**)) **مسلم، ۲۱۴۵**: (ای مردان تقوای الله را در تعامل با زنان داشته باشید، زیرا الله شما را بر زنان امین گذاشته، و شرمگاه آنان با حکم الله متعال بر شما حلال گشته است).

۳- رسول اللّه ﷺ می‌فرمایند: ((**اللَّهُمَّ إِنِّي أُحَرِّجُ -أشدد وأُحَرِّمُ- حَقَّ الضَّعِيفَيْنِ، الْيَتِيمِ وَالْمَرْأَةِ**)) **ابن‌ماجه ۳۶۷۶**: (پروردگارا گواه باش که من بر حق دو دسته از ضعیفان بسیار تأکید می‌کنم: یتیم و زن).

۱

مهر:

۱- **{وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً}**: (و مَهر زنان را به عنوان هدیه‌ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید).

۲- **{فَمَا اسْتَمْتَعْتُم بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُم بِهِ مِن بَعْدِ الْفَرِيضَةِ}**: (و از هر کدام از زنان بهره مند شدید، مَهریه آنان را به عنوان فریضه و واجبی به آنان بدهید، و بر شما گناهی نیست که پس از -تعیین مبلغ- مقرر، با یکدیگر توافق کنید).

۲

نفقه:

١- {وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا}: (تأمین خوراک و پوشاک مادران شیردهنده به طور شایسته و متعارف بر عهده پدر فرزند است، هیچ کس جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌شود).

٢- عَنْ معاوية بن حيدة رضي الله عنه **قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ زَوْجَةِ أَحَدِنَا عَلَيْهِ؟ قَالَ:** ((**أَنْ تُطْعِمَهَا إِذَا طَعِمْتَ، وَتَكْسُوَهَا إِذَا اكْتَسَيْتَ أَوِ اكْتَسَبْتَ، وَلَا تَضْرِبِ الْوَجْهَ، وَلَا تُقَبِّحْ وَلَا تَهْجُرْ إِلَّا فِي الْبَيْتِ**)). أبوداود ١٨٣٤. ترجمه: (معاويه بن حيده رضي الله عنه می‌گوید: گفتم: یا رسول‌الله، حق زن یکی از ما -مردان- بر او چیست؟ فرمودند: از آن چه که می‌خوری به او نیز بدهی، و آن چه را می‌پوشی یا از آن چه کسب کرده‌ای او را نیز بپوشانی، و بر صورتش سیلی نزنی، و از او به زشتی یاد نکنی، و او را ترک و هجر نکنی مگر در منزل).

٣

مسکن:

مسکن: {أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنتُم مِّن وُجْدِكُمْ}: (همانجا که -خود- سکونت دارید، به قدر استطاعت خویش آنان-یعنی: همسران طلاق داده شده- را جای دهید).

هرچند این آیه بحث مطلقه است ولی اگر قرار باشد مطلقه حق مسکن داشته باشد از باب اولی غیر مطلقه چنین حقی را دارد...

٤

هم‌خوابی:

۱– عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو رضي الله عنه قَالَ: أَنْكَحَنِي أَبِي امْرَأَةً ذَاتَ حَسَبٍ، فَكَانَ يَتَعَاهَدُ كَنَّتَهُ –أي: زوج الولد–، فَيَسْأَلُهَا عَنْ بَعْلِهَا، فَتَقُولُ: نِعْمَ الرَّجُلُ مِنْ رَجُلٍ **لَمْ يَطَأْ لَنَا فِرَاشًا** –أي: أي لم يُضاجعنا حتَّى يطأ فراشنا–، **وَلَمْ يُفَتِّشْ لَنَا كَنَفًا مُنْذُ أَتَيْنَاهُ** –أرادت بذلك الكناية عن عدم جماعه لها–، فَلَمَّا طَالَ ذَلِكَ عَلَيْهِ ذَكَرَ لِلنَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم فَقَالَ: "الْقَنِي بِهِ"، فَلَقِيتُهُ بَعْدُ، فَقَالَ: "كَيْفَ تَصُومُ؟ ..". بخاری ۴۶۹۱. **ترجمه:** (عبدالله بن عمرو می‌گوید: پدرم زنی دارای نسب را به ازدواجم در آورد، و معمولا جویای حال همسرم می‌بود، و از او در مورد شوهرش سؤال می کرد. او می‌گفت: شوهرم یکی از بهترین مردهاست، اما از وقتی ازدواج کرده‌ایم با من در یک بستر نمی‌خوابد و هم‌خوابی نمی‌کند. وقتی که این موضوع به طول انجامید، –پدرم– آن را برای پیامبر صلى الله عليه وسلم تعریف کرد. پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: عبدالله را به نزدم بیاور. و بعد با ایشان ملاقات کردم و از من پرسیدند: چگونه روزه می‌گیری؟...).

۲– عن أبی جحیفه رضي الله عنه قَالَ: آخَى النَّبِيُّ صلى الله عليه وسلم بَيْنَ سَلْمَانَ وَأَبِي الدَّرْدَاءِ: فَزَارَ سَلْمَانُ أَبَا الدَّرْدَاءِ، فَرَأَى أُمَّ الدَّرْدَاءِ مُتَبَذِّلَةً، فَقَالَ لَهَا: مَا شَأْنُكِ؟ قَالَتْ: **أَخُوكَ أَبُو الدَّرْدَاءِ لَيْسَ لَهُ حَاجَةٌ فِي الدُّنْيَا...** بخاری ۱۸۴۲. **ترجمه:** (پیامبر صلى الله عليه وسلم میان سلمان و ابودرداء رضي الله عنهما برادری برقرار کرد. سلمان ابودرداء را ملاقات کرد و ام درداء را نا آراسته مشاهده کرد. به او گفت: تو را چه شده؟ گفت: برادرت ابودرداء در دنیا خواسته‌ای ندارد ...).

٥

رفتار نیک –احترام و اهتمام و احساس و تقدیر و تشویق وامنیت معنوی و عاطفی–:

٦

۱– **{وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ}**: (و با آنان به صورتی شایسته و پسندیده رفتار کنید).

۲– رسول اللّه صلى الله عليه وسلم می‌فرماید: ((**أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا، وَخِيَارُكُمْ خِيَارُكُمْ لِنِسَائِهِمْ خُلُقًا**)). ترمذی ۱۰۷۸. ترجمه: (کاملترین مؤمنین از نظر ایمان، خوش اخلاق‌ترین آنهاست، و بهترین شما کسی است که نسبت به زنان خود خوش اخلاق باشد).

صبر و تحمل:

۱- {**فَإِن كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا**}[۱]: (چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و الله در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد).

۲- رسول اللّه ﷺ می‌فرماید: ((**اسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ** فَإِنَّ الْمَرْأَةَ خُلِقَتْ مِنْ ضِلَعٍ وَإِنَّ أَعْوَجَ شَيْءٍ فِي الضِّلَعِ أَعْلَاهُ، فَإِنْ ذَهَبْتَ تُقِيمُهُ كَسَرْتَهُ، وَإِنْ تَرَكْتَهُ لَمْ يَزَلْ أَعْوَجَ **فَاسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ**)). بخاري ۳۱۰۵. (توصیه‌ام را در مورد زنان بپذیرید –مقصود: با آنان مهربان و نرم‌خو باشید–، زیرا زن از استخوان پهلوی چپ خلق شده است و کج‌ترین جای استخوان پهلو بالای آن است، اگر خواستی آن را درست کنی، آن را می شکنی، و اگر رهایش کنی همیشه کج خواهد ماند، پس توصیه‌ام را در مورد زنان بپذیرید).

۳- نمونه‌هایی از صبر رسول الله ﷺ:

انس رضی الله عنه گوید: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ عِنْدَ بَعْضِ نِسَائِهِ، فَأَرْسَلَتْ إِحْدَى أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ بِصَحْفَةٍ فِيهَا طَعَامٌ، فَضَرَبَتِ الَّتِي النَّبِيُّ ﷺ فِي بَيْتِهَا يَدَ الْخَادِمِ، فَسَقَطَتِ الصَّحْفَةُ، فَانْفَلَقَتْ، فَجَمَعَ النَّبِيُّ ﷺ فِلَقَ الصَّحْفَةِ، ثُمَّ جَعَلَ يَجْمَعُ فِيهَا الطَّعَامَ الَّذِي كَانَ فِي الصَّحْفَةِ، وَيَقُولُ: **غَارَتْ أُمُّكُمْ**... بخاری ۴۸۵۲. ترجمه: (رسول ﷺ نزد یکی از همسرانش بود، یکی از همسرانش بشقابی غذا برای ایشان فرستاد. و زنی که رسول الله ﷺ در منزلش بود به دست خدمتکار زد و بشقاب از دستش افتاد و شکست. رسول الله ﷺ تکه‌های شکسته‌ی بشقاب را جمع کرده و سپس غذایی را که در آن بود دوباره در بشقاب گذاشت، و در همان حالت می‌فرمود: مادرتان غیرتی شد...).

۷

محافظت از زن –غیرت در قبال: حجاب و لباس وصحبت ونماز وطاعت ها–:

۱- رسول اللّه ﷺ می‌فرمایند: ((**مَا مِنْ عَبْدٍ اسْتَرْعَاهُ اللّهُ رَعِيَّةً فَلَمْ يَحُطْهَا بِنَصِيحَةٍ إِلَّا لَمْ يَجِدْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ**)). بخاری ٦٦٤٦. ترجمه: (بنده‌ای نیست که الله مسئولیت رعیتی را به او بدهد ولی او آنان را نصیحت نکند، مگر این‌که از بوی بهشت محروم گردد).

۸

۲- رسول اللّه ﷺ می‌فرمایند: ((**إِنَّ اللّهَ سَائِلٌ كُلَّ رَاعٍ عَمَّا اسْتَرْعَاهُ: أَحَفَظَ أَمْ ضَيَّعَ، حَتَّى يَسْأَلَ الرَّجُلَ عَنْ أَهْلِ بَيْتِهِ**)). ابن حبان ٤٥٨٥. ترجمه: (الله ﷻ از هر مسئولی در مورد مسئولیتش سؤال خواهد کرد که آیا آن را حفظ کرده یا ضایع ساخته است، تا این‌که مرد در مورد اهل منزلش مورد بازخواست قرار گیرد).

۳- {وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى}: (مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار مکنید).

تأدیب و آموزش:

۹

رسول اللّه ﷺ می‌فرماید: ((إِذَا أَدَّبَ الرَّجُلُ أَمَتَهُ **فَأَحْسَنَ تَأْدِيبَهَا وَعَلَّمَهَا فَأَحْسَنَ تَعْلِيمَهَا**، ثُمَّ أَعْتَقَهَا فَتَزَوَّجَهَا كَانَ لَهُ أَجْرَانِ)). بخاری ٣٢١٥. ترجمه: (هرگاه مرد کنیزش را تأدیب کند و تأدیب او به نیکی باشد، و او را بیاموزد و آموزش او درست باشد، سپس او را آزاد کند و با او ازدواج کند، دو اجر دارد).

وظایف شوهر یا حقوق زن

۱- تقوای الله ﷻ در ادای حقوق.

الله ﷻ می‌فرمایند: **{وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا}**[۱]: (و با زنان به صورتی شایسته و پسندیده رفتار کنید، و اگر از آنان –یا رفتاری از آنان– خوشتان نیامد، پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و الله در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد).

دستور و فرمایش الهی به تعامل نیک با همسر است، و اگر خصلتی از همسر با سلیقه ما متناسب نبوده با آن سازش کرده و چه بسا در آن خصلت حکمتی برای ما نهفته باشد.

رسول اللّه ﷺ در آخرین حج خود توصیه به مردان چنین فرمودند: ((**فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي النِّسَاءِ، فَإِنَّكُمْ أَخَذْتُمُوهُنَّ بِأَمَانِ اللَّهِ، وَاسْتَحْلَلْتُمْ فُرُوجَهُنَّ بِكَلِمَةِ اللَّهِ... وَلَهُنَّ عَلَيْكُمْ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ**...))[۲]: (ای مردان تقوای الله را در تعامل با زنان پیشه کنید، زیرا شما زنان را به عنوان امانت الهی در اختیار گرفته‌اید، و به حکم الله شرمگاه زنان را بر خود حلال کرده‌اید... و حق زنان بر شما این است که به نیکی، غذا و لباس آنها را تأمین کنید...).

در این حدیث رسول الله ﷺ مسئولیتی را به مرد در قبال زن تعیین می‌کند و آن هم این که ای مرد تو در مقابل این امانت امین هستی و یک امین باید به درستی

---

(۱) اعراف : ۱۸۹.

(۲) مسلم در کتاب سننش، شماره ۲۱۴۵.

از امانتی که به دست او داده‌اند محافظت کند و به آن اهمیت داده و مورد عنایت قرار دهد؛ و برای همین در احادیث رسول اللّه ﷺ بر این امر تأکید نموده‌اند و می‌فرمایند: ((**اللَّهُمَّ إِنِّي أُحَرِّجُ –أشدد وأُحَرِّمُ– حَقَّ الضَّعِيفَيْنِ، الْيَتِيمِ وَالْمَرْأَةِ**))[1]: (پروردگارا گواه باش که من بر حق دو دسته از ضعیفان بسیار تأکید می‌کنم: یتیم و زن).

۲– مهر:

الله ﷻ می‌فرمایند: **{وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً}**[2]: (و مَهر زنان را به عنوان هدیه‌ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید).

مهر به عنوان پاداش و هدیه از جانب الله ﷻ برای زنان تعیین شده است که وظیفه مرد است این حق را ادا کند.

الله ﷻ می‌فرمایند: **{فَمَا اسْتَمْتَعْتُم بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُم بِهِ مِن بَعْدِ الْفَرِيضَةِ}**[3]: (و از هر کدام از زنان بهره مند شدید، مَهریه آنان را به عنوان فریضه و واجبی به آنان بدهید، و بر شما گناهی نیست که پس از –تعیین مبلغ– مقرر، با یکدیگر توافق کنید).

در مقابل مهریه نیز مرد اجازه ندارد که بر سر همسر خود منت بگذارد، زیرا همسرش برای او ایجاد سکونت و آرامش می‌کند و از خواب و آسایش خود برای

---

(۱) صحیح. ابن‌ماجه در کتاب سننش، شماره ۳۶۷۶.

(۲) نساء : ۴.

(۳) نساء : ۲۴.

امور خانه و شوهر و فرزندان می‌زند؛ و با اطاعت از شوهر و انجام مسئولیت‌هایی که بر گردنش است محیطی آرام را در خانه ایجاد می‌کند.

۳- نفقه:

الله ﷻ می‌فرمایند: **{وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا}**[۱]: (تأمین خوراک و پوشاک مادران شیردهنده به طور شایسته و متعارف بر عهده پدر فرزند است، هیچ کس جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌شود).

مرد به عنوان سرپرست خانواده وظیفه دارد که به اندازه وسع و توان خود هزینه‌های زندگی همچون لباس و غذا و درمان همسر و فرزندان خود را تأمین کند.

این وظیفه زن نیست که هزینه زندگی مرد و فرزند را تأمین کند، بلکه وظیفه اصلی زن ایجاد آسایش و آرامش در زندگی برای آنهاست، چنان چه الله ﷻ می‌فرمایند: **{وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ }**[۲]: (و در خانه‌هایتان قرار و آرام گیرید).

اگر به کانون زندگی زنبور عسل نگاه کنیم همین قانون را می‌بینیم که زن به عنوان ملکه در کندو می‌نشیند و مرد برای کسب روزی تلاش می‌کند.

عَنْ معاوية بن حيدة رضي الله عنه قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّه مَا حَقُّ زَوْجَة أَحَدنَا عَلَيْه؟ قَالَ: ((أَنْ تُطْعمَهَا إِذَا طَعمْتَ، وَتَكْسُوَهَا إِذَا اكْتَسَيْتَ أَوِ اكْتَسَبْتَ، وَلَا تَضْرِبْ الْوَجْهَ، وَلَا تُقَبِّحْ وَلَا تَهْجُرْ إِلَّا فِي الْبَيْتِ))[۳]: (معاویه بن حیده رضی الله عنه می‌گوید: گفتم: یا

---

(۱) بقره : ۲۳۳.

(۲) احزاب : ۳۲.

(۳) صحیح. ابوداود در کتاب سننش، شماره ۱۸۳۴.

رسول‌الله، حق زن یکی از ما –مردان– بر او چیست؟ فرمودند: از آن چه که می‌خوری به او نیز بدهی، و آن چه را می‌پوشی یا از آن چه کسب کرده‌ای او را نیز بپوشانی، و بر صورتش سیلی نزنی، و از او به زشتی یاد نکنی، و او را ترک و هجر نکنی مگر در منزل).

بعضی از مردان در رفتار با همسران خود همچون حیوان برخورد می‌کنند و به آنان القاب زشتی همچون سگ یا الاغ می‌دهند؛ سؤال اینجاست که آیا کسی راضی می‌شود با مادرش چنین تعامل شود یا چنین القابی به او بدهند؟.

از این جهت است که رسول‌الله ﷺ به مردان توصیه می‌کند که با همسران خود نیک و خوب تعامل کنند و از رفتارها و الفاظ زشت پرهیز کنند.

ابوهریره رضی الله عنه گوید: رسول اللّه ﷺ فرمودند: ((**أَتَدْرُونَ مَا الْمُفْلِسُ؟ قَالُوا: الْمُفْلِسُ فِينَا مَنْ لَا دِرْهَمَ لَهُ وَلَا مَتَاعَ، فَقَالَ: "إِنَّ الْمُفْلِسَ مِنْ أُمَّتِي يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِصَلَاةٍ، وَصِيَامٍ، وَزَكَاةٍ، وَيَأْتِي قَدْ شَتَمَ هَذَا، وَقَذَفَ هَذَا، وَأَكَلَ مَالَ هَذَا، وَسَفَكَ دَمَ هَذَا، وَضَرَبَ هَذَا، فَيُعْطَى هَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ، وَهَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ، فَإِنْ فَنِيَتْ حَسَنَاتُهُ قَبْلَ أَنْ يُقْضَى مَا عَلَيْهِ أُخِذَ مِنْ خَطَايَاهُمْ، فَطُرِحَتْ عَلَيْهِ ثُمَّ طُرِحَ فِي النَّارِ**))[1]: ("آیا می‌دانید مفلس کیست؟"، اصحاب رضی الله عنهم گفتند: مفلس در اصطلاح ما کسی است که پول نقد و مال دنیا ندارد، رسول اللّه ﷺ فرمودند: "مفلس در امت من، کسی است که در روز قیامت، نماز و روزه و زکات با خود می‌آورد ولی در کارنامه‌اش این را هم دارد که به این یکی، دشنام داده و به آن یکی، تهمت زده و مال دیگری را خورده و خون آن دیگری را ریخته و دیگری را کتک زده است، پس حسنات او به جای بدی‌هایی

---

(۱) مسلم در کتاب صحیحش، شماره ۴۶۸۵.

که در حق دیگران کرده، به آنها داده می‌شود و اگر پیش از تسویه شدن حقوق دیگران، حسنات او تمام شد، از خطای مظلومانش به خطاهای او اضافه می‌گردد و سپس در آتش افکنده می‌شود").

ما نباید از همسران‌مان به زشتی یاد کنیم یا عیبی اگر دارند به روی‌شان بیاوریم، زیرا این کار ما باعث جریحه دار شدن احساسات آنها و ناراحت شدن‌شان و در نهایت دور شدن دل‌های زوجین از هم می‌شود؛ جدا از این که هر نوع ظلمی در روز قیامت سزایی دارد ما باید بدانیم که بعضی از رفتارهای بد ما نه این که فقط بار منفی ادبی و اخلاقی دارد بلکه اعتراض به آفریدگار انسان‌ها که فرزندان آدمعليه السلام را زیبا آفریده است نیز در بر می‌گیرد، الله ﷻ می‌فرمایند: **{خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ}**[1]: (آسمانها و زمین را به حق آفرید، و شما را -در رحم مادران‌تان- شکل و صورت بخشید، پس شکل و صورت‌تان را نیکو -و زیبا- گرداند).

اما ابزار تنبیه و تأدیب یا ابراز ناراحتی که در حدیث معاویه رضي الله عنه به آن اشاره شده که: (او را ترک و هجر نکنی مگر در منزل)، یک وسیله‌ای برای اصلاح است نه انتقام.

هجر یا قهر کردن شیوه‌های متفاوتی دارد و در این حدیث به نوعی از آن که هجر در منزل بوده اشاره شده است، و نوع دیگر هجر در رختخواب در عدم همبستری است، و همچنین هجر با ترک کردن منزل چنان‌چه رسول الله ﷺ

(۱) تغابن : ۳.

همسران خود را به مدت یک ماه هجر کردند و در مسجد خوابیدند[1].

۴- مسکن:

الله ﷻ می‌فرمایند: **{أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنتُم مِّن وُجْدِكُمْ}**[2]: (همان‌جا که [خود] سکونت دارید، به قدر استطاعت خویش آنان –یعنی: همسران طلاق داده شده– را جای دهید).

این آیه دلالت بر این دارد که اگر زنی که طلاق داده شده حامله بوده یا طلاقش رجعی باشد به طوری که شوهر بتواند هرگاه خواست او را برگرداند به عنوان وظیفه شوهر به اندازه توانش باید منزلی برای همسر مطلقه خود تأمین کند.

هرچند این آیه بحث مطلقه است ولی اگر قرار باشد مطلقه حق مسکن داشته باشد از باب اولی غیر مطلقه چنین حقی دارد.

اما اگر طلاق زن رجعی نباشد، یعنی سه طلاق مجزا واقع گردیده باشد، دیگر نفقه و مسکن از شوهر سابق ساقط است، جز این که آن زن سرپناهی نداشته باشد که قاضی بر اساس شرایط حکم می‌کند.

۵- هم خوابی:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو ﭭ قَالَ: أَنْكَحَنِي أَبِي امْرَأَةً ذَاتَ حَسَبٍ، فَكَانَ يَتَعَاهَدُ كَنَّتَهُ –أی: زوج الولد–، فَيَسْأَلُهَا عَنْ بَعْلِهَا، فَتَقُولُ: نِعْمَ الرَّجُلُ مِنْ رَجُلٍ **لَمْ يَطَأْ لَنَا فِرَاشًا** –أی: أَي لَم يُضاجِعنا حَتَّى يَطَأ فِراشنا–، **وَلَمْ يُفَتِّشْ لَنَا كَنَفًا مُنْذُ أَتَيْنَاهُ** –أَرادَت بِذَلِكَ الكِنايَة عَن

---

(۱) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۲۳۰۱.

(۲) طلاق : ۶.

عَدَم جماعه لَها-، فَلَمَّا طَالَ ذَلِكَ عَلَيْهِ ذَكَرَ لِلنَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: "الْقَنِي بِهِ"، فَلَقِيتُهُ بَعْدُ، فَقَالَ: "كَيْفَ تَصُومُ؟...))[1]: (عبدالله بن عمرو می‌گوید: پدرم زنی دارای نسب را به ازدواجم در آورد، و معمولا جویای حال همسرم می‌بود، و از او در مورد شوهرش سؤال می کرد. او می‌گفت: شوهرم یکی از بهترین مردهاست، اما از وقتی ازدواج کرده‌ایم با من در یک بستر نمی‌خوابد و هم‌خوابی نمی‌کند. وقتی که این موضوع به طول انجامید، -پدرم- آن را برای پیامبر ﷺ تعریف کرد. پیامبر ﷺ فرمودند: عبدالله را به نزدم بیاور. و بعد با ایشان ملاقات کردم و از من پرسیدند: چگونه روزه می‌گیری؟...).

در ادامه این حدیث آمده که این صحابی هر روز روزه می‌گرفته و هر شب قرآن ختم می‌کرده که رسول الله ﷺ ایشان را از این کار باز می‌دارند زیرا در زندگی هر چیزی جایگاه خود را دارد، و قرار بر این نیست که تمام زندگی را تبدیل به نماز و روزه کنیم، بلکه فرزند و همسر و پدر و مادر و خودمان هر کدام جای خاص خود را در زندگی داریم و نباید حقوق یکی از اینها پایمال شود.

جدا از این که مرد خودش نیاز جنسی داشته باشد یا نه!، زن نیز به جای خود نیاز دارد، و این حقی است که در زندگی دارد، و می‌تواند اگر شوهرش چنین عیبی داشته باشد تقاضای جدایی کند، ولی قبل از این که چنین مشکلی بزرگ شود باید مرد خود را درمان کند و دنبال معالجه باشد.

و در این حدیث اشاره شد به این که این زن مشکل خود را با پدر شوهر خود در میان می‌گذارد تا دنبال راه حل باشد و این کار ایشان زشت نبوده و نیست، زیرا

---

(۱) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۴۶۹۱.

حقی از حقوقش پایمال شده است؛ و پدرش خود مستقیما وارد این موضوع نمی‌شود بلکه با رسول الله ﷺ مشورت می‌کند. ولی چنان چه در این حدیث داریم باید به این مسأله توجه شود که این زن به هر کسی این حرف را نزد و در میان نگذاشت و آبرو ریزی نکرد، بلکه با پدر شوهر خود که دلسوز فرزندش است در میان گذاشت؛ ما باید در مشورت خود دقت کنیم و با هر کسی در میان نگذاریم.

ابوجحیفه رضي الله عنه گوید: آخَى النَّبِيُّ ﷺ بَيْنَ سَلْمَانَ وَأَبِي الدَّرْدَاءِ: فَزَارَ سَلْمَانُ أَبَا الدَّرْدَاءِ، فَرَأَى أُمَّ الدَّرْدَاءِ مُتَبَذِّلَةً، فَقَالَ لَهَا: مَا شَأْنُكِ؟ قَالَتْ: **أَخُوكَ أَبُو الدَّرْدَاءِ لَيْسَ لَهُ حَاجَةٌ فِي الدُّنْيَا**...))[1]: (پیامبر ﷺ میان سلمان و ابودرداء رضي الله عنهما برادری برقرار کرد. سلمان ابودرداء را ملاقات کرد و ام درداء را نا آراسته مشاهده کرد. به او گفت: تو را چه شده؟ گفت: برادرت ابودرداء در دنیا خواسته‌ای ندارد ...).

این حدیث نیز بیانگر این است که سلمان رضي الله عنه میان ابودرداء و همسرش رضي الله عنهما همانند حدیث قبلی میانجگری می‌کند تا مشکل آنها حل شود.

۶- رفتار نیک –احترام و اهتمام و احساس و تقدیر و تشویق وامنیت معنوی و عاطفی-:

الله سبحانه وتعالى می‌فرماید:**{وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ}**[2]: (و با آنان به صورتی شایسته و پسندیده رفتار کنید).

رسول اللّه ﷺ می‌فرماید: ((أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا، **وَخِيَارُكُمْ**

---

(۱) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۱۸۴۲.

(۲) نساء : ۱۹.

خِيَارُكُمْ لِنِسَائِهِمْ خُلُقًا))[1]: (کاملترین مؤمنین از نظر ایمان، خوش اخلاق‌ترین آنهاست، و بهترین شما کسی است که نسبت به زنان خود خوش اخلاق باشد).

معنای عملی این حدیث را می‌توان در زندگی رسول الله ﷺ لمس کرد، به طوری که در پختن و شستن ظروف به همسران خود کمک می‌کرد.

جدا از این که یک زن نیاز دارد همسرش همراه کردار و رفتار در گفتارش نیز حامی‌اش بوده و از او تقدیر و تشکر کند و به جای خود با تشویق و حمایت کردن عاطفه‌اش را تغذیه کند و تجدیدی بر روحیه‌اش باشد.

این رفتارها به زن در زندگی احساس سرفرازی و سربلندی و امنیت می‌دهد، و سبب می‌شود با بودن چنین شوهری در کنارش هیچ وقت از زندگی و مشکلات و سختی‌هایش خسته نشود بلکه دوش به شوش کنار شوهر با تمامی دغدغه‌های زندگی بجنگد و استوار بایستد.

الله ﷻ تمامی این مطالب را در این فرموده‌اش خلاصه کرده است: **{وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ}**[2]: (و با آنان به صورتی شایسته و پسندیده رفتار کنید).

جای تأسف است که یک مرد با پدر و مادر و دوستان خود بهترین رفتار و اخلاق را دارد و حاضر نیست خاری به پای آنان فرو رود ولی با همسر خود بدترین اخلاق و رفتار را دارد، تا جایی که حاضر نیست با همسرش خوش‌رو باشد و لبخندی بر چهره‌اش بیاید.

---

(۱) صحیح. ترمذی در کتاب سننش، شماره ۱۰۷۸.

(۲) نساء : ۱۹.

چقدر زشت و ناشایست است که انسان مشکلات خود را از چشم دیگران ببیند و تقصیر خود را به گردن دیگران خصوصا همسرش بیاندازد و کاسه و کوزه مشکلات را بر سر او خُرد کند، انگار آن زن مقصر بوده و خود بی‌تقصیر و بی‌گناه و مظلوم است.

پس با همسران خود بهترین باشیم و هنگامی که وارد منزل می‌شویم مشکلات را بیرون منزل رها کنیم و با خود وارد منزل نکنیم و بدانیم لبخند و لقمه گذاشتن در دهان همسر عبادت و صدقه است[۱].

۷- صبر و تحمل:

الله ﷻ می‌فرماید: **{فَإِن كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا}**[۲]: (چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و الله در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد).

چه بسا مشکلی در زندگی سبب شود درهای خیر و رحمت بر زندگی ما باز شود؛ همیشه قصه آسیه با فرعون را فراموش نکنیم، که پاداش صبر این زن پرورش یک پیامبر و آن هم موسی ؑ بر بالینش بود که در دنیا و آخرت نور چشمانش گشت؛ پروردگارا چشمان ما را با همسران و فرزندان‌مان در دنیا و آخرت روشن نگهدار و جز خوشی و شادی از آنها چیز دیگری نبینیم.

رسول اللّه ﷺ می‌فرماید: ((**اسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ** فَإِنَّ الْمَرْأَةَ خُلِقَتْ مِنْ ضِلَعٍ وَإِنَّ

(۱) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۲۵۵۱.

(۲) نساء : ۱۹.

أَعْوَجَ شَيْءٍ فِي الضِّلَعِ أَعْلَاهُ، فَإِنْ ذَهَبْتَ تُقِيمُهُ كَسَرْتَهُ، وَإِنْ تَرَكْتَهُ لَمْ يَزَلْ أَعْوَجَ **فَاسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ**))[1]: (توصیه‌ام را در مورد زنان بپذیرید –مقصود: با آنان مهربان و نرم‌خو باشید–، زیرا زن از استخوان پهلوی چپ خلق شده است و کج‌ترین جای استخوان پهلو بالای آن است، اگر خواستی آن را درست کنی، آن را می شکنی، و اگر رهایش کنی همیشه کج خواهد ماند، پس توصیه‌ام را در مورد زنان بپذیرید).

مرد و زن فرشته نیستند که از آنان خطایی سر نزند یا عیبی نداشته باشند، به همین دلیل رسول الله ﷺ مردان را به شکیبایی در مقابل کوتاهی و تقصیر و اشتباه زن سفارش می‌کند؛ همچنین برای اصلاح آن اشتباه توصیه می‌کنند که از خشونت و تندی استفاده نشود، زیرا خشونت و تندی باعث خُرد شدن و شکستن روح و روان زن می‌گردد.

پس راه حل و درمان در کوتاه آمدن و ترک کردن مشکل نیست بلکه در اصلاح با نرمی و صبر است.

علت تشبیه زن به استخوان کج در فرموده رسول الله ﷺ: "زن از استخوان پهلوی چپ خلق شده است و کج‌ترین جای استخوان پهلو بالای آن است" بدین دلیل بوده که ما مردان به فطری و طبیعی بودن این کجی قانع باشیم و سبب خشونت و بد رفتاری ما نشود، و از جهتی اشاره به نقطه اوج کجی و آن هم بالای استخوان پهلو می‌کنند که بعضی گفته‌اند: مقصود زبان زن است که اصلاح نمی‌شود و ناشکری و ناسپاسی در زن طبیعی است.

---

(۱) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۳۱۰۵.

بعضی دیگر گفته‌اند: مقصود سرشت و عقل زن است، که نقطه متفاوت با مرد است، به طوری که یک زن به خاطر غلبه عاطفه وی بر عقلش می‌تواند تمامی شب به پای بچه‌اش بیدار بماند و گریه‌اش را تحمل کند ولی چنین تحملی را مرد ندارد.

سرشت زن به گونه‌ای بوده که دوره قاعدگی دارد، و در آن مدت حالتش همانند شخص بیمار است که کم تحمل و بی‌حوصله می‌شود، و همچنین حاملگی و سختی حمل و زایمان؛ که همه اینها در روح و روان زن تأثیر دارد و وظیفه مرد است که او را درک کند.

چنان‌چه جنبه عاطفه بر زن غلبه دارد درک بعضی از کمبودهای مرد برای او دشوار و نا ممکن است؛ به طور مثال: شاید از لحاظ جنسی مرد کمبودی داشته و نیاز به تعدد و ازدواج با همسر دیگری داشته باشد؛ این عذر و بهانه برای زن قابل درک نیست و نخواهد بود.

به همین علت از باب توصیه به مردان لازم است گفته شود که نباید برای تأمین مشکلات خود دنبال رضایت و قناعت و کوتاه آمدن زن در این مورد باشند.

تنها این مسأله نیست که برای زن قابلیت درک را ندارد بلکه حتی در خوبی و احسان و نیکی مرد به خواهر و مادر خود که از وظایف اوست نیز با عقل او در تضاد می‌باشد.

پس راه حل در این گونه مسائل اشباع کردن زن از لحاظ مهر و عاطفه است نه در بهانه تراشی کردن و استدلال منطقی و عقلی آوردن که جز روان زن را به هم ریختن چیز دیگری نتیجه ندارد.

آفرینش پروردگار همیشه زیبا و بهترین بوده و زیبایی و کمال زن در این نقص و کجی اوست، همان‌طور که قفسه سینه و دنده‌های کج از قلب حفاظت می‌کنند، زن نیز محافظ یک مرد است؛ اگر زن نبود مرد هیچ وقت آرام نمی‌گشت؛ زن به طوری برای مرد زیباست که هر قدر از او آزار و اذیت ببیند بدون او نمی‌تواند زندگی کند.

یک جوان مجرد همچون دیوانه از این کوچه به آن کوچه دنبال دوست و رفیق و همدم است؛ غافل از این که این غلغله و دیوانگی وجودش با هیچ مرهمی قابلیت تسکین ندارد جز زن و همسر.

همان‌طور که زن این ویژگی‌ها را دارد مرد نیز در درون خود ویژگی‌هایی دارد که هر قدر پیمان و عهد از او بگیرند و قسمش دهند که طمع زن دیگری نکند و نگیرد و نزدیکش نشود ولی باز هم این دغدغه یا وسوسه قلبش را رها نمی‌کند.

نمونه‌ایی از کجی زن و نوع برخورد رسول الله ﷺ:

انس س گوید:: **كَانَ النَّبِيُّ ﷺ عِنْدَ بَعْضِ نِسَائِهِ، فَأَرْسَلَتْ إِحْدَى أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ بِصَحْفَةٍ فِيهَا طَعَامٌ، فَضَرَبَتِ الَّتِي النَّبِيُّ ﷺ فِي بَيْتِهَا يَدَ الْخَادِمِ، فَسَقَطَتِ الصَّحْفَةُ، فَانْفَلَقَتْ، فَجَمَعَ النَّبِيُّ ﷺ فِلَقَ الصَّحْفَةِ، ثُمَّ جَعَلَ يَجْمَعُ فِيهَا الطَّعَامَ الَّذِي كَانَ فِي الصَّحْفَةِ، وَيَقُولُ: غَارَتْ أُمُّكُمْ...**))[1]: (رسول ﷺ نزد یکی از همسرانش بود، یکی از همسرانش بشقابی غذا برای ایشان فرستاد. و زنی که –مقصود ام‌المؤمنین عایشه است– رسول الله ﷺ در منزلش بود به دست خدمتکار زد و بشقاب از دستش افتاد و شکست. رسول الله ﷺ تکه‌های شکسته‌ی بشقاب را جمع کرده و

(۱) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۴۸۵۲.

سپس غذایی را که در آن بود دوباره در بشقاب گذاشت، و در همان حالت می‌فرمود: مادرتان غیرتی شد...).

مادرمان عایشه ﵂ چنان چه در این حدیث آمده به غیرتش بر می‌خورد و غذایی که یکی از همسران رسول الله ﷺ برای مهمانان ایشان فرستاده بود را با زدن بر دست خدمتکار سبب می‌شود که ظرف شکسته شود و غذا بر روی زمین بریزد؛ آیا این برخورد عاقلانه بود یا از روی غیرت و عاطفه؟

آری، از روی عقل نبود چون باید غرامت ظرف شکسته را بدهد و ظرف سالمی را تهیه کند؛ این نوع تعامل مثالی بر همان استخوان کج است که راه اصلاح آن با صبر و حوصله و نرمی است.

ولی چون زن از استخوان کج است دلیلی بر توجیه این نوع غیرت نادرست نیست، و کافیست که رسول الله ﷺ در اینجا رنجیده شدند؛ پس این اشتباه نمی‌تواند الگوی درستی برای قیاس گرفتن باشد بلکه مادرمان عایشه ﵂ مورد سرزنش قرار گرفت و به اشتباه خود پی برد و دیگر تکرار نکرد و در عوض بشقاب شکسته شده بشقابی سالم از بشقاب‌های خود را داد.

این ایمان و تقوای مادرمان عایشه ﵂ بود که سبب شد به اشتباه خود پی ببرد و لج نکند؛ بر خلاف زنانی که بارها اشتباه خود را تکرار می‌کنند و می‌گویند: به غیرت همسران رسول الله ﷺ نیز بر می‌خورد؟!.

رسول الله ﷺ به غیر از مادرمان عایشه ﵂ هشت همسر دیگر داشت ولی با این وجود اشتباهش قابل توجیه نبود.

بزرگواری در این گونه مسائل گذشت است نه انتقام؛ و نباید بگذاریم در این گونه مسائل که زن بدون اراده خود چنین واکنشی نشان می‌دهد شیطان ما را تحریک کند که چرا گذاشتی این زن غرورت را خُرد کند یا شخصیت تو را نابود کند؛ بلکه با پناه به الله ﷻ از شر شیطان و وسوسه‌هایش و شکیبایی این گونه مشکلات را حل کنیم.

۸- محافظت از زن –غیرت در قبال: حجاب و لباس وصحبت ونماز وطاعت ها–:

دستور الله ﷻ در قرآن به ستر و پوشش زنان است، تا این که جلو درهای فتنه بسته شود و کسی به ناموس دیگر تعرض نکند؛ و نوع پوشش هم الله ﷻ تعیین کرده که جلبابی از روی سر تا انتهای پاها باشد چنان چه می‌فرماید: **{يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُل لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِن جَلَابِيبِهِنَّ}**[(۱)]: (ای پیامبر، به همسرانت و دخترانت و همسران کسانی که مؤمن هستند بگو: چادرهایشان را بر خود فرو پوشند).

زنان مشرکین در دوران جاهلیت با آرایش و زینت و زیور جلو نامحرم و مردم ظاهر می‌شدند که الله ﷻ زنان مؤمن را از شبیه ساختن خود به آنان منع کرد و فرمود: **{وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى}**[(۲)]: (مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار مکنید).

---

(۱) احزاب : ۵۹.

(۲) احزاب : ۳۳.

اظهار زینت و زیور و اندام زن برای شوهر به علت محکم سازی رابطه آنها با هم و ایجاد ستر و عدم طمع در حرام و زناست؛ و اظهار آن برای غیر محرم بر خلاف این امر موجب زنا و فساد و فروپاشی خانواده‌ها می‌باشد.

اگر زنی لباسی شفاف یا به طوری که اندام او را مجسم کند بپوشد نه این که از ورود به بهشت محروم می‌شود بلکه از بوی آن نیز محروم می‌گردد[۱]، و اگر با زدن عطر از منزل بیرون رود و بوی آن به مشام مرد نامحرمی برسد برای او زنایی نوشته می‌شود[۲].

زن برای این که همدم مرد باشد و مادری که فرزندش را تربیت کند آفریده شده است، نه این که در کوچه و خیابان و بازار دوش به دوش مرد با بی حیایی و بی شرمی با نامحرم سر حرف و سخن را باز کند و غافل از این باشد که حیاء و شرم از ایمان اوست[۳].

محافظت بر حجاب و پوشش درست دلالت بر ایمان و احترام به فرمایشات الهی دارد، چنان چه مادرمان عایشه رضی الله عنها از پوشش زنان در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم سخن به میان می‌آورد که به هنگام بیرون آمدن از مسجد چنان خود را با چادر می‌پیچیدند که کسی آنان را نشناسد[۴].

مرد وظیفه دارد در تربیت ایمانی خود و همسر و فرزندانش کوشا باشد، و

---

(۱) مسلم در کتاب صحیحش، شماره ۳۹۷۸.

(۲) صحیح. ترمذی در کتاب سننش، شماره ۲۷۲۹.

(۳) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۸.

(۴) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۳۶۲.

نگذارد که پایه ایمانی آنان متزلزل شود، و غیرت او در ایستادگی مقابل حرام دلالت بر ایمان و تقوای او دارد[1]؛ بر خلاف زنانی که اگر همسر آنان نسبت به حجابشان از خود غیرت نشان دهد او را به دل بدی و بیماری روانی متهم می‌سازند.

رسول اللَّه ﷺ می‌فرمایند: ((**مَا مِنْ عَبْدٍ اسْتَرْعَاهُ اللَّهُ رَعِيَّةً فَلَمْ يَحُطْهَا بِنَصِيحَةٍ إِلَّا لَمْ يَجِدْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ**))[2]: (بنده‌ای نیست که الله مسئولیت رعیتی را به او بدهد ولی او آنان را نصیحت نکند، مگر این‌که از بوی بهشت محروم گردد).

اگر مردی در مقابل حجاب زن و دختر و خواهر و مادرش احساس مسئولیت نکند و بی تفاوت باشد و آنان را نصیحت نکند عقوبت او چنان بوده که در حدیث بیان شده است.

زنی با سر و گردن و پا و ساق دستی برهنه کنار شوهرش در خیابان راه می‌افتد، این چه نوع مردانگی و غیرتی است که فرد ناموس خود را به عرضه نگاه بد مردان مریض دل قرار می‌دهد؛ زن در سخن با نامحرم محدود شده که در غیر ضرورت و حاجت و با نرمی و ناز سخن نگوید چنان چه اللَّه ﷻ می‌فرماید:{**فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ**}[3]: (با نرمی و ناز –با نامحرم- سخن مگویید، تا کسی که بیمار دل است طمع کند)، زیرا قلب بعضی از مردم بیمار و مریض است که شاید طمع بد کنند، در بحث حجاب نیز همین گونه است.

رسول اللَّه ﷺ می‌فرماید: ((**إِنَّ اللَّهَ سَائِلٌ كُلَّ رَاعٍ عَمَّا اسْتَرْعَاهُ: أَحَفَظَ أَمْ ضَيَّعَ،**

---

(۱) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۴۸۵۰.

(۲) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۶۶۴۶.

(۳) احزاب : ۳۲.

حَتَّى يَسْأَلَ الرَّجُلَ عَنْ أَهْلِ بَيْتِه))[1]: (الله ﷻ از هر مسئولی در مورد مسئولیتش سؤال خواهد کرد که آیا آن را حفظ کرده یا ضایع ساخته است، تا این‌که مرد در مورد اهل منزلش مورد بازخواست قرار گیرد).

این حدیث دلالت بر این دارد که هر مردی در مقابل خانواده خود نسبت به حقوق پروردگار از نماز و روزه و حجاب و دیگر طاعات و عبادات مسئول است و روز قیامت مورد بازخواست قرار می‌گیرد؛ پس در ادای این امانت الهی که بر دوش ما گذاشته شده کوشا باشیم و بار گناهان خود را افزون نکنیم.

۹- تأدیب و آموزش:

رسول اللّه ﷺ می‌فرمایند: ((**إِذَا أَدَّبَ الرَّجُلُ أَمَتَهُ فَأَحْسَنَ تَأْدِيبَهَا وَعَلَّمَهَا فَأَحْسَنَ تَعْلِيمَهَا، ثُمَّ أَعْتَقَهَا فَتَزَوَّجَهَا كَانَ لَهُ أَجْرَانِ))**[2]: (هرگاه مرد کنیزش را تأدیب کند و تأدیب او به نیکی باشد، و او را بیاموزد و آموزش او درست باشد، سپس او را آزاد کند و با او ازدواج کند، دو اجر دارد).

این حدیث دلالت بر اجر و پاداش چندانی است برای کسی که کنیزی را آموزش و تعلیم دهد و با او ازدواج کند؛ تعلیم و آموزش و تربیت همسر و فرزند نیز چنین پاداش و اجری را در بر می‌گیرد و در ازای هر طاعت و عبادتی که آنان انجام دهند ما با آنان سهیم بوده و برای ما نیز همانند آنان پاداش و اجر نوشته می‌شود.

---

(۱) صحیح. ابن‌حبان در کتاب صحیحش، شماره ۴۵۸۵.

(۲) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۳۲۱۵.

رسول اللّه ﷺ می‌فرمایند: ((**مَنْ دَعَا إِلَى هُدًى كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أُجُورِ مَنْ تَبِعَهُ، لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْئًا، وَمَنْ دَعَا إِلَى ضَلَالَةٍ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْإِثْمِ مِثْلُ آثَامِ مَنْ تَبِعَهُ، لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ آثَامِهِمْ شَيْئًا**))[۱]: (کسی که به هدایت دعوت کند، برای او اجری همانند اجر پیروانش در آن هدایت وجود دارد و از اجر آنها نیز چیزی کم نمی‌شود، و کسی که به گمراهی و گناه دعوت کند، گناهش مثل گناهان پیروانش در آن گناه است و از گناه آنها نیز چیزی کم نمی‌شود).

---

(۱) مسلم در کتاب صحیحش، شماره ۴۸۳۸.

وظایف زن یا حقوق شوهر

تقوای الله ﷻ در ادای حقوق:

۱- رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((لَا يَصلُحُ لِبَشَرٍ أَنْ يَسْجُدَ لِبَشَرٍ، وَلَوْ صَلَحَ لِبَشَرٍ أَنْ يَسْجُدَ لِبَشَرٍ، لَأَمَرْتُ الْمَرْأَةَ أَنْ تَسْجُدَ لِزَوْجِهَا مِنْ عِظَمِ حَقِّهِ عَلَيْهَا، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَوْ كَانَ مِنْ قَدَمِهِ إِلَى مَفْرِقِ رَأْسِهِ قُرْحَةً تَنْبَجِسُ بِالْقَيْحِ وَالصَّدِيدِ، ثُمَّ اسْتَقْبَلَتْهُ تَلْحَسُهُ، مَا أَدَّتْ حَقَّهُ)). احمد ۱۲۳۷۵. **ترجمه: (درست نیست که بنده‌ای بر بنده ی دیگر سجده کند، و اگر درست بود که بنده‌ای بر بنده‌ی دیگر سجده کند دستور می‌دادم که زن بر همسرش سجده کند، به خاطر حق زیادی که همسر بر زن دارد. قسم به آن که جانم به دست اوست اگر از پا تا فرق سر مرد را زخم هایی در بر بگیرد که از آن خونابه و چرک جاری شده سپس زن به نزد او آمده و آن را بلیسد، حق شوهر را ادا نکرده است).**

۲- رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((يَا مَعْشَرَ النِّسَاءِ، اتَّقِينَ اللَّهَ وَالْتَمِسُوا مَرْضَاتِ أَزْوَاجِكُنَّ، فَإِنَّ الْمَرْأَةَ لَوْ تَعْلَمُ مَا حَقُّ زَوْجِهَا لَمْ تَزَلْ قَائِمَةً مَا حَضَرَ غَدَاؤُهُ وَعَشَاؤُهُ)). بزار ۱۳۸۲. **ترجمه: (ای زنان، تقوای الله را داشته باشید و به دنبال جلب رضایت شوهرانتان باشید، زیرا اگر زن می‌دانست که حق شوهرش چقدر است، همچنان می‌ایستاد تا وقتی که ناهار و شام شوهرش آماده شود).**

۱

توقیر و احترام:

۱- {الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ}: (مردان سرپرست زنان هستند، به دلیل آن که الله برخی از ایشان را برخی برتری داده و به دلیل آن که از اموال خویش خرج می‌کنند).

۲-{وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ}: (و هر دو-یوسف عليه السلام و همسر عزیز و رهبر مصر- به سوی در، دویدند، (در حالی که همسر عزیز، یوسف را تعقیب می‌کرد)؛ و پیراهن او را از پشت کشید و پاره کرد. و در این هنگام، آقای آن زن را دم در یافتند).

۲

اطاعت با نیکی:

۱- **{فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا}**: (پس اگر شما را اطاعت کردند [دیگر] بر آن ها هیچ راهی [برای سرزنش] مجویید).

۲- رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((إِذَا صَلَّتِ الْمَرْأَةُ خُمُسَهَا، وَصَامَتْ شَهْرَهَا، وَحَصَّنَتْ فَرْجَهَا، وَأَطَاعَتْ بَعْلَهَا دَخَلَتْ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ شَاءَتْ)). ابن حبان ۴۲۵۲. ترجمه: (هنگامی که زن نمازهای پنج وقتش را بخواند، و روزه ی ماه رمضانش را بگیرد، و پاکدامنی پیشه کند و شوهرش را اطاعت نماید، از هر کدام از درهای بهشت که بخواهد، وارد می‌شود).

اگر زنی از شوهرش به خاطر دینداری اطاعت کرد نه بخاطر عشق یا ترس یا مصلحت نباید توقع تشکر و تقدیر را داشته باشد.

۳- **{إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا}**: (ما شما را فقط برای خشنودی الله اطعام می‌کنیم و انتظار هیچ پاداش و سپاسی را از شما نداریم).

۳

هم خوابی:

۱- **{نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ}**: (زنان شما کشتزار و مزرعه شما هستند).

۲- رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((إِذَا دَعَا الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ إِلَى فِرَاشِهِ فَأَبَتْ فَبَاتَ غَضْبَانَ عَلَيْهَا لَعَنَتْهَا الْمَلَائِكَةُ حَتَّى تُصْبِحَ)). بخاری ۳۰۱۷. ترجمه: (هنگامی که مرد، همسرش را به هم‌خوابی دعوت کند و زن خود داری کند، و شوهر با خشم شب را سپری کند، ملائکه او را تا صبح لعنت می‌کنند).

۳- رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا مِنْ رَجُلٍ يَدْعُو امْرَأَتَهُ إِلَى فِرَاشِهِ فَتَأْبَى عَلَيْهِ إِلاَّ كَانَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ سَاخِطاً عَلَيْهَا حَتَّى يَرْضَى عَنْهَا)). مسلم ۱۴۳۶. ترجمه: (قسم به آن که جان من در دست اوست، مردی نیست که همسرش را به هم‌خوابی دعوت کند و زن خود داری کند، مگر این که آن کسی که در آسمان است بر او خشم می‌ورزد تا این که شوهر از آن زن راضی گردد).

٤

کسب رضایت شوهر –در مظهر و اخلاق واکرام–: ١- ابوهریره رضي الله عنه گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم از بهترین زنان سؤال شدند؟ ایشان فرمودند: ((خَيْرُ النِّسَاءِ مَنْ تَسرُّ إِذَا نَظَرَ، وتُطِيعُ إِذَا أَمَرَ، وَلا تُخَالِفُهُ فِي نَفْسِهَا وَمَالِهَا)). حاکم ٢٦٠٨. ترجمه: **(بهترین زنان آن است که هنگامی که شوهر نگاهش می‌کند خوشحال می‌شود و هنگامی که شوهر او را به کاری دستور می‌دهد اطاعت می‌کند، و در نفس و مالش با او مخالفت نمی‌کند).**

٢- از حصین بن محصن روایت است: أَنَّ عَمَّةً لَهُ أَتَتْ النَّبِيَّ صلی الله علیه وسلم فِي حَاجَةٍ، فَفَرَغَتْ مِنْ حَاجَتِهَا، فَقَالَ لَهَا النَّبِيُّ صلی الله علیه وسلم أَذَاتُ زَوْجٍ أَنْتِ؟ قَالَتْ : نَعَمْ، قَالَ: كَيْفَ أَنْتِ لَهُ؟ قَالَتْ: مَا آلُوهُ –أي: لا أفرط قط في خدمته واسترضائه إلا شيئاً أعجز عنه– إِلَّا مَا عَجَزْتُ عَنْهُ، قَالَ: ((فَانْظُرِي أَيْنَ أَنْتِ مِنْهُ، فَإِنَّمَا هُوَ جَنَّتُكِ وَنَارُكِ)). احمد ١٨٦١٠. **ترجمه: حصین بن محصن می‌گوید: که عمه اش برای حاجتی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رسید. و حاجت خود را به جای آورد، سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم به او فرمودند: (آیا شوهر داری؟) گفت: بله. فرمودند: (نسبت به او چگونه‌ای؟) گفت: در خدمت به او کوتاهی نمی‌کنم مگر آن مقداری که از انجام دادنش عاجز باشم. فرمودند: (بنگر که نسبت به او در چه موقعیتی هستی. زیرا او بهشت و جهنم توست).**

٥

سپاس و تشکر: ١- رسول اللّه صلی الله علیه وسلم می فرمایند: ((لا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى امْرَأَةٍ لا تَشْكُرُ لِزَوْجِهَا، وَهِيَ لا تَسْتَغْنِي عَنْهُ)). حاکم ٢٦٩٦. **ترجمه: (الله سبحانه وتعالی نگاه نمی‌افکند به زنی که از شوهرش تشکر نمی‌کند در حالی که از او بی نیاز نیست).**

٢- رسول اللّه صلی الله علیه وسلم می فرمایند: ((أُريتُ النَّارَ فَإِذَا أَكْثَرُ أَهْلِهَا النِّسَاءُ يَكْفُرْنَ، قيلَ: أَيَكْفُرْنَ باللَّه، قَالَ: يَكْفُرْنَ الْعَشِيرَ، وَيَكْفُرْنَ الْإِحْسَانَ لَوْ أَحْسَنْتَ إِلَى إِحْدَاهُنَّ الدَّهْرَ، ثُمَّ رَأَتْ مِنْكَ شَيْئًا، قَالَتْ: مَا رَأَيْتُ مِنْكَ خَيْرًا قَطُّ)). بخاری ٢٨. **ترجمه: (جهنم نشانم داده شد که بیشتر اهل آن زنانی بودند که کفران – نیکی شوهر– می‌کنند. گفته شد: آیا به الله کفر ورزیده اند؟ فرمودند: کفران عشرت شوهر می‌کنند، و کفرانِ احسان و نیکی می کنند. اگر به یکی از آنها عمری خدمت کنی، سپس یک بار از تو چیز بدی ببیند، می‌گوید: هیچ وقت از تو خیری ندیده‌ام).**

٦

اجازه گرفتن از شوهر در روزه سنت و بیرون رفتن از منزل و اجازه ورود کسی را به منزل شوهر دادن و ...:

۱- رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((لَا يَحِلُّ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَصُومَ وَزَوْجُهَا شَاهِدٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَلَا تَأْذَنَ فِي بَيْتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ...)). بخاری ۴۸۲۳. **ترجمه: (برای زن جایز نیست که روزه بگیرد در حالی که شوهرش نزد اوست مگر با اجازه ی شوهرش، و کسی را به خانه‌اش راه ندهد مگر با اجازه شوهرش).**

۲- رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((إِذَا اسْتَأْذَنَتِ امْرَأَةُ أَحَدِكُمْ إِلَى الْمَسْجِدِ فَلَا يَمْنَعْهَا)). بخاری ۴۸۶۵. **ترجمه: (اگر همسر یکی از شما برای رفتن به مسجد اجازه گرفت، او را منع نکند).**

۳- رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَعَنَ وَالِدَهُ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ذَبَحَ لِغَيْرِ اللَّهِ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ آوَى مُحْدِثًا –أي:عاصيا ومبتدعا–، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ غَيَّرَ مَنَارَ الْأَرْضِ)). مسلم ۳۶۶۴. **ترجمه: (لعنت الله ﷻ بر کسی که پدرش را لعنت کند، و لعنت الله ﷻ بر کسی که برای غیر الله ﷻ قربانی کند، و لعنت الله ﷻ بر کسی که جنایت کار و مجرم – یا بدعت گذاری – را پناه دهد، و لعنت الله ﷻ بر کسی که نشانه های زمین – که برای رهیابی مسافرین گذاشته شده است – را تغییر دهد).**

۷

زن مسکن و مظهر سکونت و آرامش و آسایش است.

۱- { هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا}: (او کسی است که شما را از یک تن آفرید، و همسرش را از او پدید آورد تا در کنارش آرامش یابد).

۲- رسول اللّه ﷺ می فرمایند: **((ثَلَاثَةٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ عزوجل إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: الْعَاقُّ لِوَالِدَيْهِ، وَالْمَرْأَةُ الْمُتَرَجِّلَةُ –در لباس و سخن با نا محرم و ...–، وَالدَّيُّوثُ...)). نسائی ۲۵۲۶.** ترجمه: (الله ﷻ در روز قیامت به سه نفر نگاه نمی‌کند: کسی که با پدر و مادرش بد رفتار بوده است، و زنی که خود را به شکل مردان – در ظاهر و اخلاق – در آورده است، و دیوث – مردی که نسبت به ناموسش غیرت ندارد –).

۸

وظایف زن یا حقوق شوهر

١- تقوای الله ﷻ در ادای حقوق.

رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((**لَا يَصْلُحُ لِبَشَرٍ أَنْ يَسْجُدَ لِبَشَرٍ، وَلَوْ صَلَحَ لِبَشَرٍ أَنْ يَسْجُدَ لِبَشَرٍ، لَأَمَرْتُ الْمَرْأَةَ أَنْ تَسْجُدَ لِزَوْجِهَا مِنْ عِظَمِ حَقِّهِ عَلَيْهَا، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَوْ كَانَ مِنْ قَدَمِهِ إِلَى مَفْرِقِ رَأْسِهِ قُرْحَةً تَنْبَجِسُ بِالْقَيْحِ وَالصَّدِيدِ، ثُمَّ اسْتَقْبَلَتْهُ تَلْحَسُهُ، مَا أَدَّتْ حَقَّهُ**))[1]: (درست نیست که بنده‌ای بر بنده‌ی دیگر سجده کند، و اگر درست بود که بنده‌ای بر بنده‌ی دیگر سجده کند دستور می‌دادم که زن بر همسرش سجده کند، به خاطر حق زیادی که همسر بر زن دارد. قسم به آن که جانم به دست اوست اگر از پا تا فرق سر مرد را زخم هایی در بر بگیرد که از آن خونابه و چرک جاری شده سپس زن به نزد او آمده و آن را بلیسد، حق شوهر را ادا نکرده است).

این حدیث بیانگر عظمت حقوق شوهر است که اگر کسی الله ﷻ را به عنوان معبود عادل مطلق خود نپذیرد نمی‌تواند به این حکم الهی قانع شود؛ بلکه نگاه ظلم آمیز خواهد داشت.

لشکر طالوت ؈ در یکی از نبردها امتحانی سخت از سوی پروردگار شدند و در حالی که تشنه و خسته بودند و از کنار رودی با آبی زلال و خنک عبور می‌کردند دستور داده شدند که از آن آب ننوشند مگر به اندازه یک کف دست[2]!

انسانی خسته و تشنه و آب در کنارش ولی او را از نوشیدن آن باز داریم؛

---

(١) صحیح. امام احمد در کتاب مسندش، شماره ١٢٣٧٥.

(٢) بقره : ٢٤٩.

سخت است ولی اگر رضایت آفریدگار هستی را هدف قرار دهیم هر نوع وسیله‌ای برای رسیدن به آن هدف برای ما آسان و آسوده می‌گردد.

رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((**يَا مَعْشَرَ النِّسَاءِ، اتَّقِينَ اللَّهَ وَالْتَمِسُوا مَرْضَاتِ أَزْوَاجِكُنَّ، فَإِنَّ الْمَرْأَةَ لَوْ تَعْلَمُ مَا حَقُّ زَوْجِهَا لَمْ تَزَلْ قَائِمَةً مَا حَضَرَ غَدَاؤُهُ وَعَشَاؤُهُ**))[1]: (ای زنان، تقوای الله را داشته باشید و در جلب رضایت شوهرانتان کوشا باشید، زیرا اگر زن می‌دانست که حق شوهرش چقدر است، همچنان می‌ایستاد تا وقتی که ناهار و شام شوهرش آماده شود).

مخاطبین در این حدیث زنان هستند، که تقوای الله ﷻ را در شوهران خود داشته باشند و در جلب رضایت آنان کوشا باشند.

هر فرد از ما در قبال پدر و مادر و فرزند وظایفی دارد؛ همچنین در قبال شوهر که الله ﷻ ما را به آن ملزم کرده است؛ اگر این وظایف درست انجام شود دیگر همانند غرب نیاز به خانه سالمندان و بهزیستی نیست.

یکی از بحران‌های جامعه غرب زده امروز ما این است: زمانی که زنی با روان شناسی در مورد شوهرش مشورت می‌کند که از من توقع دارد برای او شام و نهار درست کنم، در جواب او می‌گوید: وظیفه تو نیست کُلفتی او را بکنی!

چقدر زیباست آن شاخه گلی که زنی با شوق و علاقه تهیه می‌کند و با دستان خود به شوهرش هدیه می‌دهد تا این که مهر خود را در دل شوهر با آن شاخه گل کاشته و لبخندی از خوشحالی را بر چهره‌اش جاری نماید؛ هدف گل نبوده بلکه

---

(۱) صحیح. امام بزار در کتاب مسندش، شماره ۱۳۸۲.

مسرور کردن و کاشتن بذر محبت در دل آن شوهر است.

بله مرد می‌بیند، ولی نه تنها این گل را، بلکه خوبی و بدی را با هم می‌بیند، و خوب درک می‌کند که آن شاخه گل، تنها گل زندگی‌اش نیست؛ همسرش گل بوده و همچون گل با بوی خوشش جلوش ظاهر می‌شود و منزلش را همچون دسته گل تمیز می‌کند و همچون زنبور عسلی که از گل عسل می‌سازد او نیز به عنوان بانوی منزل اگر آستین خود را بالا کشد غذایی بپزد که آن مرد تا عمر دارد مزه آن غذا زیر دهانش بماند.

پس تنها دیدن این زیبایی‌ها نیست که آن مرد را اسیر خوبی‌هایش ساخته است، بلکه مزه‌های خوش زندگی نیز خاطره‌های به یاد ماندنی خواهند بود.

زندگی با این دید و از این زاویه نمای دیگری دارد، که مردان روی زمین در حسرت آن هستند، و زنان بی خیالش؛ اگر مردی از مادر خود همیشه به خوبی یاد می‌کند چون شرمنده خوبی‌هایش هست و عرق او را دیده و سینه‌ای که برای او سپر کرده را دیده است.

۱- توقیر و احترام:

الله ﷻ می‌فرمایند: **{الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ}**[۱]: (مردان سرپرست زنان هستند، به دلیل آن که الله برخی از ایشان را برخی برتری داده و به دلیل آن که از اموال خویش خرج می‌کنند).

این آیه را قبلا توضیح دادم، ولی نکاتی که در این آیه است استدلال های

---

(۱) نساء : ۳۴.

متفاوتی دارد؛ زمانی که الله ﷻ مرد را به عنوان سرپرست و مسئول خانواده معرفی می‌کند، یعنی جایگاهی برای مرد معرفی می‌کند که زنان بتوانند آن را درک کنند و با این ویژگی تعامل کنند.

مرد همچون شیر جنگل در منزل خود سلطانیست که توقع احترام و تقدیر را دارد، و هر نوع توهین و انتقادی سبب عصبانیت او می‌گردد، خصوصا زمانی که حرف ها تکراری شوند، آن وقت دیگر آن منزل محل سکونت و آرامش نخواهد بود، بلکه غرش های شیر خواب و قرار را از همه می‌گیرد.

زمانی که مرد نتواند با زبان خود همسرش را قانع کند دیگر سلاحی غیر از زور و بازو ندارد، سلاحی که جز پشیمانی ثمره دیگری نخواهد داشت.

الله ﷻ می‌فرمایند: **{وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ}**[1]: (و هر دو –یوسف عليه السلام و همسر عزیز مصر– به سوی در دویدند، (در حالی که همسر عزیز، یوسف را تعقیب می‌کرد)؛ و پیراهن او را از پشت کشید و پاره کرد. و در این هنگام، آقای آن زن را دم در یافتند).

آیات قرآن پیام های متفاوتی دارند، و اگر در انتهای آیه دقت کنیم می‌بینیم که الله ﷻ عزیز مصر را به عنوان سید و آقای همسرش یاد می‌کند.

هر مردی آقای همسرش است، و این جایگاه احترام و تقدیر را می‌طلبد، و هر زنی باید به شوهرش افتخار کند نه این که با حقارت به او نگاه کند.

احساس غرور و برتری سبب می‌شود که بعضی از زنان شوهر خود را حقیر

---

(۱) یوسف : ۲۵.

بشمارند و به تقدیر و قسمت خود راضی نباشند، و دل به زندگی نبسته و دنبال جایگزین باشند.

معمولا برای زنان بدکاره و پر توقع و شکست خورده چنین بهانه‌هایی سبب می‌شود که به خود اجازه دهند هم زمان با چند مرد ارتباط بر قرار کنند؛ و در نهایت وسوسه‌های شیطانی آنان را فریب داده تا این که تن فروشی کنند، و این بدنی که امانت در دست آنان بوده را با اندک مالی معاوضه کنند.

هر کدام از ما لباس و پیراهنی برای همسرش است، و این لباس چنان چه گذشت دوخته شده تحویل ما داده نمی‌شود، بلکه ما مسئول دوخت و دوز و سازندگی آن هستیم.

جای تأسف است که ما لباس خود را در معرض آلودگی‌ها قرار دهیم و آن را چرکین کنیم؛ خواهری از در نصیحت خواهرش را توصیه می‌کند که از حق خودت دفاع کن و نگذار شوهرت با فلانی ارتباط برقرار کند و با او همیشه تماس داشته باش تا نظارت بر کار او داشته باشی و از دخل و خرجش بپرس و اگر خواست از درآمدش برای غیر شما خرج کند جلو او را بگیر!

این‌ها نصیحت به نیکی نبود بلکه به شر و بدی بود؛ تجسس و دخالت و اسیر ساختن شوهر و گرفتن اراده و تصمیم و آزادی از اوست.

شوهر هم خود را پرنده‌ای اسیر در قفسی می‌بیند که منتظر است دری باز شود و از آنجا فرار کند و به پرهای خود بنازد و در هوا با آن بتازد و نفسی تازه کند.

اگر زنی به همسرش احترام نهد و از او تقدیر کند و زبان شکر و سپاس داشته

باشد، با این کار جایی در قلب او باز می‌کند که پدر و مادری که آن فرزند را بزرگ کرده‌اند آن جای گاه را نداشته باشند.

بدانیم هر انتقاد و دخالتی همچون نیش و گزندگی‌ای است که انسان را مجبور می‌کند تا آن موضع را خارشی داده یا از انواع مسکن برای تسکینش استفاده کند.

انتقاد در قالب نصیحت وظیفه است، ولی انتقادی که از در تحقیر و نکوهش یا خود بزرگ بینی باشد سازندگی نیست بلکه ویرانیست.

۳- اطاعت با نیکی:

الله ﷻ می‌فرمایند: **{فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا}**[۱]: (پس اگر زنان تان از شما اطاعت کردند [دیگر] بر آن‌ها هیچ راهی [برای سرزنش و نکوهش] مجویید).

اگر مردی از همسرش خواسته‌ای داشته که حرام نباشد وظیفه زن است که اطاعت کند، و این نوع اطاعت در نیکی بوده و در بدی و گناه نیست، و اطاعت زن عبادتی است که در مقابل آن اجر و پاداش دارد؛ و چنان چه در مقدمه این کتاب توضیح داده شد نگاه ما به ازدواج نباید نگاه شهوت رانی باشد بلکه هدف رسیدن به رضایت الهی است.

در این مسایل گاهی شاید با تبعیض به این مسایل نگاه شود که چرا زن باید خودش را ذلیل کند و از شوهر اطاعت کند؟

در جواب باید گفت که: در امور شرعی ما اجازه نداریم برای الله ﷻ تعیین و تکلیف کنیم، زیرا اوست که ازدواج را برای ما شرع و دین دانسته و با کلمه‌ای زن و

---

(۱) نساء : ۳۴.

مرد را به هم حلال کرده است، و اوست که در این عبادت همچون نماز و روزه و دیگر عبادات وظایف را تعیین می‌کند، چنان چه تهیه مسکن و آب و غذا و دیگر هزینه‌های زندگی را بر دوش مرد گذاشته است.

رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((**إِذَا صَلَّتِ الْمَرْأَةُ خُمُسَهَا، وَصَامَتْ شَهْرَهَا، وَحَصَّنَتْ فَرْجَهَا، وَأَطَاعَتْ بَعْلَهَا دَخَلَتْ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّة شَاءَتْ**))[1]: (هنگامی که زن نمازهای پنج وقتش را بخواند، و روزه ی ماه رمضانش را بگیرد، و پاکدامنی پیشه کند و **شوهرش را اطاعت نماید، از هر کدام از درهای بهشت که بخواهد، وارد می‌شود**).

آری آن ذاتی که ازدواج و پاکدامنی و اطاعت از شوهر را عبادت تشریع کرده و برای آن پاداش هم گذاشته است، و آن هم وارد شدن آن زن به بهشت از هر دری که دوست داشته باشد.

اگر زنی از شوهرش به خاطر دینداری اطاعت کرد نه بخاطر عشق یا ترس یا مصلحت نباید توقع تشکر و تقدیر را داشته باشد، زیرا این عبادت را محض رضای الهی انجام داده است و پاداش خود را باید از الله ﷻ بخواهد.

و الله ﷻ از صفات نیکوکاران در صدقه و غذا دادن به طور مثال چنین یاد کرده است: {**إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا**}[2]: (ما شما را فقط برای خشنودی الله اطعام می‌کنیم و **انتظار هیچ پاداش و سپاسی را از شما نداریم**).

---

(۱) نساء : ۳۴.

(۲) صحیح. ابن حبان در کتاب صحیحش، شماره ۴۲۵۲.

بعضی از زنان در مقابل حامله شدن و زایمان و دیگر مسایل پاداش و هدیه می‌خواهند، و اگر شوهر آن را تهیه نکند ناسپاسی آنها آغاز می‌شود و شاید تا آخر عمر هم تکرار کنند که چرا با دسته گل به استقبال من جلو زایشگاه نیامدی!؟.

زمانی که ما به هر کسی خوبی می‌کنیم باید محض رضای الله ﷻ باشد نه این ک توقع و طمع دنیوی در آن باشد.

۴- هم خوابی:

الله ﷻ می‌فرمایند: **{نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ}**[۱]: (زنان شما کشتزار و مزرعه شما هستند، هر طور که خواستید به کشتزار خود در آیید).

از جمله وظایف زن در زندگی هم خوابی یا هم بستری با همسر است، که با آن نسل انسان بر روی کره زمین ادامه می‌یابد و غریزه ی شهوت مرد و زن با آن اشباع می‌شود.

تنها بحث هم خوابی نیست، بلکه اموری که ذهن را تحریک می‌کند و سبب می‌شود بستری مناسب برای این کار از آراستگی و بوی خوش و لباس زیبا و تنی پاک و تمیز در نظر گرفته شود تا این که نیاز جنسی زن و مرد با این عبادت حلال برآورده شود و قلب آنان از حرام دور گردد.

هدف شرع از این عبادت ایجاد پاکدامنی و دوری از زنا و حرام است، به همین دلیل اگر زنی نسبت به این مسأله بی اهمیت باشد و غریزه شوهرش را اشباع نکند در نکوهش از این کارش رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((**إِذَا دَعَا الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ**

---

(۱) بقره : ۲۲۳.

إِلَى فِرَاشِهِ فَأَبَتْ فَبَاتَ غَضْبَانَ عَلَيْهَا لَعَنَتْهَا الْمَلَائِكَةُ حَتَّى تُصْبِحَ))[1]: (هنگامی که مرد، همسرش را به همخوابی دعوت کند و زن خود داری کند، و شوهر با خشم شب را سپری کند، ملائکه او را تا صبح لعنت می‌کنند).

و در روایتی دیگر رسول اللَّه ﷺ می فرمایند: **((وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا مِنْ رَجُلٍ يَدْعُو امْرَأَتَهُ إِلَى فِرَاشِهِ فَتَأْبَى عَلَيْهِ إِلاَّ كانَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ سَاخِطاً عَلَيْهَا حَتَّى يَرْضَى عَنْهَا))**[2]: (قسم به آن ذاتی جان من در دست اوست، مردی نیست که همسرش را به همخوابی دعوت کند و زن خود داری کند، مگر این که آن کسی که در آسمان است بر او خشم می‌ورزد تا این که شوهر از آن زن راضی گردد).

این تهدیدی سخت است نسبت به زنی که به این مسأله بسیار مهم در زندگی اهمیت نمی‌دهد و رضایت و عدم رضایت شوهر از او که پاداش بهشت یا عذاب جهنم را دارد نادیده گرفته است.

به همین دلیل است که رسول الله ﷺ به یکی از زنان یارانش چنین فرمودند: **((فَانْظُرِي أَيْنَ أَنْتِ مِنْهُ، فَإِنَّمَا هُوَ جَنَّتُكِ وَنَارُكِ))**[3]: (بنگر که نسبت به شوهرت در چه موقعیتی هستی. زیرا او بهشت و جهنم توست).

دین ما نیز برای هم بستری آدابی قرار داده از جمله گفتن این ذکر قبل از نزدیکی: **((بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنَا الشَّيْطَانَ، وَجَنِّبْ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنَا))**[4]: (**بسم الله**؛

---

(۱) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۳۰۱۷.

(۲) مسلم در کتاب صحیحش، شماره ۱۴۳۶.

(۳) صحیح. احمد در کتاب مسندش، شماره ۱۸۶۱۰.

(۴) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۱۳۹.

بارالها شیطان را از ما و از آن چه روزی مان می‌گردانی دور گردان).

در پاداش گفتن این ذکر قبل از نزدیکی رسول الله ﷺ می‌فرمایند: (اگر در همخوابی آن دو فرزندی به وجود بیاید هیچ وقت شیطان به او ضرر نمی‌رساند).

رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((**وَفِي بُضْعِ أَحَدِكُمْ صَدَقَةٌ، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيَأتِي أَحَدُنَا شَهْوَتَهُ، وَيَكُونُ لَهُ فِيهَا أَجْرٌ؟، قَالَ : أَرَأَيْتُمْ لَوْ وَضَعَهَا فِي حَرَامٍ أَكَانَ عَلَيْهِ فِيهَا وِزْرٌ، فَكَذَلِكَ إِذَا وَضَعَهَا فِي الْحَلَالِ كَانَ لَهُ أَجْرٌ**)): (در هم بستری هم صدقه‌است)، اصحاب و یارانش ﷺ گفتند: ای رسول الله در شهوت یکی از ما نیز پاداش است؟، رسول الله ﷺ فرمودند: (اگر با حرام انجام می‌داد برای او گناه محسوب نمی‌شد؟ پس همانطور اگر از راه حلال انجام دهد ثواب برای او نوشته می‌شود)[۱].

مقصود این حدیث چنین است که همان طور که جرم و گناه زنا زیاد است در مقابل آن نزدیکی و هم خوابی پاداش و ثواب بسیاری دارد.

همچنین واجب است بعد از نزدیکی و تماس شرمگاه‌ها با هم هرچند زن و مرد ارضا نشوند وضو گرفته و پس از آن نیت غسل کرده و تمامی بدن را بشویند.

۵- کسب رضایت شوهر –در مظهر و اخلاق واکرام–:

ابوهریره رضی الله عنه گوید: رسول الله ﷺ از بهترین زنان سؤال شدند؟ ایشان فرمودند: ((**خَيْرُ النِّسَاءِ مَنْ تَسَرُّ إِذَا نَظَرَ، وَتُطِيعُ إِذَا أَمَرَ، وَلا تُخَالِفُهُ فِي نَفْسِهَا وَمَالِهَا**))[۲]: (بهترین زنان آن است که هنگامی که شوهر نگاهش می‌کند خوشحال

(۱) صحیح مسلم، شماره ۱۶۸۰.

(۲) صحیح. حاکم در کتاب مستدرکش، شماره ۲۶۰۸.

می‌شود و هنگامی که شوهر او را به کاری دستور می‌دهد اطاعت می‌کند، و در نفس و مالش با او مخالفت نمی‌کند).

بهترین زنان زنی است که شوهر را در لباس و ظاهر و سخن و رفتار راضی نگهدارد و احساس شادی و خوشنودی از زندگی را در قلب او ایجاد کند و اگر از مال خود برای خواهر و مادر یا دوستی یا برای خودش خواست هزینه کند با او در آن کار مخالفت نکند.

بعضی از زنان به بهانه این که شریک زندگی مرد هستند در تمامی کارهای همسر خود دخالت می‌کنند، حتی در صدقه دادن و اکرام مهمان کردن؛ غافل از این که اکرام مهمان تا سه روز واجب است[1] و از قدیم گفته شده که مهمان حبیب الله ﷻ است و روزی خود را با خودش می‌آورد.

بی و شک و تردید هر قدر انسان صدقه دهد الله ﷻ به او عوض آن را می‌دهد چنان چه الله ﷻ می‌فرمایند: **{قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنفَقْتُم مِّن شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ}**[2]: (بگو -ای رسول الله-: در حقیقت، پروردگار من است که روزی را برای هر کس از بندگانش که بخواهد گشاده یا برای او تنگ می‌گرداند. **و هر چه را انفاق کردید عوضش را او می‌دهد.** و او بهترین روزی دهندگان است).

بعضی از زنان پس از ازدواج فکر می‌کنند مرد را صاحب شده‌اند و مسئولیتش

---

(۱) صحیح. احمد در کتاب مسندش، شماره ۱۰۴۰۸.

(۲) سبأ : ۳۹.

دیگر به گردن اوست، و چون سرور منزل است باید او تصمیم بگیرد، و مرد دیگر اختیاری نه در خود و نه در مالش دارد!؛ تا جایی که حتی در دیدن مادرش که نه ماه او را در شکم نگه داشته و بعد از آن بزرگش کرده، زن به خودش اجازه می‌دهد که تصمیم بگیرد.

از حصین بن محصن روایت است: **أَنَّ عَمَّةً لَهُ أَتَتْ النَّبِيَّ ﷺ فِي حَاجَةٍ، فَفَرَغَتْ مِنْ حَاجَتِهَا، فَقَالَ لَهَا النَّبِيُّ ﷺ أَذَاتُ زَوْجٍ أَنْتِ؟ قَالَتْ : نَعَمْ، قَالَ: كَيْفَ أَنْت لَهُ؟ قَالَتْ: مَا آلُوهُ –أي: لا أفرط قط في خدمته واسترضائه إلا شيئاً أعجز عنه– إِلَّا مَا عَجَزْتُ عَنْهُ، قَالَ:** ((**فَانْظُرِي أَيْنَ أَنْتِ مِنْهُ، فَإِنَّمَا هُوَ جَنَّتُكِ وَنَارُكِ**))[1]: حصین بن محصن می‌گوید: که عمه اش برای حاجتی نزد رسول الله ﷺ رسید. و حاجت خود را به جای آورد، سپس رسول الله ﷺ به او فرمودند: (آیا شوهر داری؟) گفت: بله. فرمودند: (نسبت به او چگونه‌ای؟) گفت: در خدمت به او کوتاهی نمی‌کنم مگر آن مقداری که از انجام دادنش عاجز باشم. فرمودند: (بنگر که نسبت به او در چه موقعیتی هستی. زیرا او بهشت و جهنم توست).

فرموده رسول الله ﷺ: (نسبت به او –یعنی شوهر– چگونه‌ای؟)، بحث اهمیت راضی نگه داشتن شوهر به عنوان سرپرست خانواده را می‌رساند؛ زیرا با نبودنش کانون خانواده متلاشی می‌شود و شوهر در پی جایگزینی و جبران کمبود روی به فردی دیگری می‌آورد.

تأثیر یک زن بر مرد با تندی و خشونت نیست بلکه با نرمی‌و لطافتی است که الله ﷻ در وجود زن گذاشته است؛ همچون آبی که قدرتش در نرمی آن است و با

---

(۱) صحیح. احمد در کتاب مسندش، شماره ۱۸۶۱۰.

نرمی خود صخره و سنگی را سوراخ می‌کند.

رسول الله ﷺ می‌فرمایند: ((**مَا رَأَيْتُ مِنْ نَاقِصَاتِ عَقْلٍ وَدِينٍ أَذْهَبَ لِلُبِّ الرَّجُلِ الْحَازِمِ مِنْ إِحْدَاكُنّ**))[1]: (ندیده‌ام زنی که عقل و دین ناقصی دارد همچون شما که بتواند عقل یک مرد با اقتدار و قاطع را به دست بگیرد).

ابراز محبت در زندگی فقط با پیام های عاشقانه نیست، بلکه با رفتار و فداکاری و گذشت و سخن نیک و عدم آزار و اذیت است.

رسول اللَّه ﷺ می فرمایند: ((**أَلا أُخْبِرُكُمْ بِنِسَائِكُمْ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ؟ الْوَدُودُ، الْوَلُودُ، الْعَئُودُ عَلَى زَوْجِهَا، الَّتِي إِذَا آذَتْ، أَوْ أُوذِيَتْ، جَاءَتْ حَتَّى تَأْخُذَ بِيَدِ زَوْجِهَا، ثُمَّ تَقُولُ: وَاللَّهِ لا أَذُوقُ غُمْضًا حَتَّى تَرْضَى**))[2]: (آیا شما را به آن زنانتان که اهل بهشتند آگاه نسازم؟ زن بسیار با محبت، بچه زا، و خیر خواه شوهر است که هنگامی که اذیت کند یا اذیت شود، برود دست شوهرش را گرفته و بگوید: قسم به الله که خواب به چشمانم نمی آید تا وقتی که تو راضی شوی).

در این حدیث فرموده رسول اللَّه ﷺ (**بگوید: قسم به الله که خواب به چشمانم نمی آید تا وقتی که تو راضی شوی**)، نوعی ادب در تعامل را به ما یاد می‌دهند و ادبیات سخن گفتن را به زن و مرد می‌آموزند.

این نوع سخن گفتن و رفتار مرد را اسیر کرده و از با او بودن احساس لذت می‌کند.

---

(۱) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۲۹۶.

(۲) صحیح. امام نسائی در کتاب سنن کبری، شماره ۸۷۹۸.

۶- سپاس و تشکر:

رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((**لا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى امْرَأَةٍ لا تَشْكَرُ لِزَوْجِهَا، وَهِيَ لا تَسْتَغْنِي عَنْهُ**))[۱]: (الله ﷻ نگاه نمی‌افکند به زنی که از شوهرش تشکر نمی‌کند در حالی که از او بی نیاز نیست).

این حدیث هشداریست به زنانی که زبان سپاس و شکر ندارند، و فقط جنبه منفی را در زندگی می‌بینند، و خوبی‌ها را نادیده می‌گیرند، در صورتی که بی نیاز از شوهر نیستند و هم از لحاظ جنسی و هم معیشت نیاز به سرپرست دارند.

در نظر بگیریم زن ناسپاسی طلاق را سازش ترجیح دهد و خوبی‌های ازدواج را نادیده بگیرد؛ چقدر طلاق تلخ و نامش زشت است، زیرا بحث آبروست که با مال و ثروت معامله نمی‌شود، جدا از این که پس از طلاق کجا و با کی زندگی کند، پیش برادری که خانمش چپ چپ نگاه سرباری به او و فرزندانش بیافکند یا به دنبال نانی خودش را پیش آن و این ذلیل کند.

رسول الله ﷺ می فرمایند: ((**لَا يَشْكُرُ اللَّهَ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ**))[۲]: (شکرگذار الله ﷻ نیست کسی که شکرگذار مردم نباشد).

یکی از آن مردم شوهریست که با او زندگی می‌کنیم و در مقابل خوبی‌های او باید زبان شکرگذاری داشته باشیم و عدم شکر ما ناشکری از پروردگارست.

الله ﷻ می‌فرمایند: {**وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي**

---

(۱) صحیح. حاکم در کتاب مستدرکش، شماره ۲۶۹۶.

(۲) صحیح. ابوداود در کتاب سننش، شماره ۴۱۸۰.

لَشَدِيدٌ}[1]: (و آن گاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر واقعاً سپاسگزاری کنید، [نعمت] شما را افزون خواهم کرد، و اگر ناسپاسی نمایید، قطعاً عذاب من سخت خواهد بود).

پس شکرگذاری سبب خشنودی الله ﷻ و باز شدن درهای رحمتش بر ماست، و کفران و نادیده گرفتن نعمت ها و خوبی‌ها سبب عذاب و خواریست.

رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((**أُرِيتُ النَّارَ فَإِذَا أَكْثَرُ أَهْلِهَا النِّسَاءُ يَكْفُرْنَ، قِيلَ: أَيَكْفُرْنَ بِاللَّه، قَالَ: يَكْفُرْنَ الْعَشِيرَ، وَيَكْفُرْنَ الْإِحْسَانَ لَوْ أَحْسَنْتَ إِلَى إِحْدَاهُنَّ الدَّهْرَ، ثُمَّ رَأَتْ مِنْكَ شَيْئًا، قَالَتْ: مَا رَأَيْتُ مِنْكَ خَيْرًا قَطُّ**))[2]: (جهنم نشانم داده شد که بیشتر اهل آن زنانی بودند که کفران – نیکی شوهر– می‌کنند. گفته شد: آیا به الله کفر ورزیده‌اند؟ فرمودند: کفران عشرت شوهر می‌کنند، و کفرانِ احسان و نیکی می‌کنند. اگر به یکی از آنها عمری خدمت کنی، سپس یک بار از تو چیز بدی ببیند، می‌گوید: هیچ وقت از تو خیری ندیده‌ام).

این حدیثی صنفی از زنان که مستحق جهنم هستند را بیان می‌کند، آن زن ناشکر و ناسپاس.

یک دفتر سفید از زندگی که فقط چند جای آن خط خوردگی دارد را در نظر بگیرید، تمام آن خوبی‌ها را کنار گذاشته و چشم به آن خط خوردگی‌ها انداخته و کام خود و همسر را با یادآوری آن تلخ می‌کنیم؛ آیا علت این کار جز ناشکریست!؟

---

(۱) ابراهیم : ۷.

(۲) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۲۸.

۷- اجازه گرفتن از شوهر در روزه سنت و بیرون رفتن از منزل و اجازه ورود کسی را به منزل شوهر دادن و ...:

رسول اللَّه ﷺ می فرمایند: ((**لَا يَحِلُّ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَصُومَ وَزَوْجُهَا شَاهِدٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَلَا تَأْذَنَ فِي بَيْتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ**...)). بخاری ٤٨٢٣. ترجمه: (برای زن جایز نیست که روزه بگیرد در حالی که شوهرش نزد اوست مگر با اجازه ی شوهرش، و کسی را به خانه‌اش راه ندهد مگر با اجازه شوهرش).

از حقوق شوهر این است که زن در حالی که شوهر روزها در منزل حضور دارد بدون اجازه‌اش روزه نافله و سنت را نگیرد، زیرا آن مرد شاید نیاز به هم خوابی داشته باشد.

روزه عبادتی است که فرد برای رضای الله ﷻ می‌گیرد، ولی الله ﷻ رضایتش در این مورد در صورتی است که شوهر راضی باشد؛ این مسأله دلالت بر عظمت حق شوهر دارد، به همین دلیل است که رسول اللَّه ﷺ می فرمایند: ((**لَا يَصْلُحُ لِبَشَرٍ أَنْ يَسْجُدَ لِبَشَرٍ، وَلَوْ صَلَحَ لِبَشَرٍ أَنْ يَسْجُدَ لِبَشَرٍ، لَأَمَرْتُ الْمَرْأَةَ أَنْ تَسْجُدَ لِزَوْجِهَا مِنْ عِظَمِ حَقِّهِ عَلَيْهَا**...))[1]: (درست نیست که بنده‌ای بر بنده‌ی دیگر سجده کند، و اگر درست بود که بنده‌ای بر بنده‌ی دیگر سجده کند دستور می‌دادم که زن بر همسرش سجده کند، به خاطر حق زیادی که همسر بر زن دارد).

همچنین برای زن جایز نیست که بدون اجازه شوهرش کسی را به منزل راه دهد، حتی اگر برادر یا خواهرش باشد.

---

(۱) صحیح. امام احمد در کتاب مسندش، شماره ۱۲۳۷۵.

رعایت این مسائل با وجود سخت و دشوار بودن آن سببب پایداری کانون خانواده شده و عدم رعایت آن سبب متلاشی شدن آن می‌شود.

رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((**إِذَا اسْتَأْذَنَت امْرَأَةُ أَحَدِكُمْ إِلَى الْمَسْجِدِ فَلَا يَمْنَعْهَا**))[1]: (اگر همسر یکی از شما برای رفتن به مسجد اجازه گرفت، او را منع نکند).

حتی در رفتن به مسجد نیز زن باید از شوهرش اجازه بگیرد، و شوهر نیز نباید ممانعت کند؛ ولی آن چه در این جا مهم بوده حفظ جایگاه و حرمت شوهر است که به عنوان ولی و سرپرست خانواده همسرش حتی برای عبادت الله ﷻ باید از او اجازه بگیرد.

رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((**لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَعَنَ وَالِدَهُ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ذَبَحَ لِغَيْرِ اللَّه، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ آوَى مُحْدِثًا –أي:عاصيا ومبتدعا–، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ غَيَّرَ مَنَارَ الْأَرْضِ**))[2]: (لعنت الله ﷻ بر کسی که پدرش را لعنت کند، و لعنت الله ﷻ بر کسی که برای غیر الله ﷻ قربانی کند، و لعنت الله ﷻ بر کسی که جنایت کار و مجرم – یا بدعت گذاری – را پناه دهد، و لعنت الله ﷻ بر کسی که نشانه‌های زمین –که برای رهیابی مسافرین گذاشته شده است – را تغییر دهد).

محل شاهد در این حدیث فرموده رسول اللّه ﷺ: **(لعنت الله ﷻ بر کسی که جنایت کار و مجرم – یا بدعت گذاری – را پناه دهد)** می‌باشد.

---

(۱) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۴۸۶۵.

(۲) مسلم در کتاب صحیحش، شماره ۳۶۶۴.

زنی با همسرش اختلاف و نشوز می‌کند و بدون اجازه شوهر از منزلش بیرون می‌رود؛ در این کار نیز از همسر اجازه نگرفته و مرتکب گناه شده است.

در این حال نباید کسی به این زن ناشزه در منزل خود جای دهد، زیرا با این کار مورد لعن و محروم ماندن از رحمت الهی واقع می‌گردد.

یعنی این که نه تنها این زن مورد خشم الهی قرار گرفته بلکه کسی که به او نیز پناه می‌دهد و با او همکاری می‌کند در این جرم با او شریک بوده و هر دو مستحق این عقوب الهی هستند.

۸- زن مسکن و مظهر سکونت و آرامش و آسایش است.

الله ﷻ می فرمایند: **{هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا}**[۱]: **(او کسی است که شما را از یک تن آفرید، و همسرش را از او پدید آورد تا در کنارش آرامش یابد).**

بارالها زندگی ما را محل استقرار و آرامش قرار ده، و وسیله‌ای برای رسیدن به خشنودی و رضایتت.

در و پنجره منزل را باید محکم بست تا کسی با دخالت خود مانع آسایش ما نشود؛ اگر غم و غصه‌ای بر دل مان چیره گشته است، دست به دعا بالا برده و به ذاتی پناه ببریم که هرگز راز بندگانش را فاش نمی‌کند.

بی شک مشکلات در هر زندگی احتمال وقوع دارد، ولی نباید به کسی که

---

(۱) اعراف : ۱۸۹.

تجربه زندگی ندارد یا عاطفی همچون برادر و خواهر و مادر و پدر برخورد می‌کنند روی آورد.

روزی رسول الله ﷺ سرزده وارد منزل دخترش فاطمه رضي الله عنها می‌شود و از چهره دخترش می‌فهمد که میان او و همسرش علی رضي الله عنه اختلافی پیش آمده است، و در پی یافتنش به مسجد می‌رود و می‌بیند که در گوشه‌ای از مسجد خواب رفته و بدن او پر خاک شده است، رسول الله ﷺ خاک را از روی بدن ایشان پاک کرده و می‌فرماید: ((**اجْلِسْ يَا أَبَا تُرَابٍ**))[1]: (ای ابا تراب بشین).

این حدیث درس های زیادی دارد، از جمله: **اول**: بردباری فاطمه رضي الله عنها و عدم عاطفی کردن اختلاف و تحریک پدرش رسول الله ﷺ بر علیه همسرش علی؛ **دوم**: عدم عجله و احساساتی نشدن رسول الله ﷺ در برخورد با داماد خود؛ **سوم**: لطافت و نرمی و دلسوزی و حکیمانه برخورد کردن با داماد و ایجاد صلح بین ایشان و دخترش؛ **چهارم**: رسول الله ﷺ در این حدیث داماد خود را ابوتراب صدا زدند و لقب دادند، و تراب یعنی خاک، و مقصودش این بود که: ای کسی که به خاک مالیده شده بلند شو، و در روایت های دیگری از این حدیث آمده که علی رضي الله عنه این لقب را دوست داشته است، و علت دوست داشتنش هم این برخورد حکیمانه رسول الله ﷺ با وی است.

ولی هر پدری رسول الله ﷺ نبوده و هر دختری فاطمه رضي الله عنها نیست.

راه و حل مشکلات شکستن و عصبانیت و تند خویی و پرخاش نیست، بلکه

---

(۱) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۳۴۵۱ و ۵۷۶۵.

جای آرامش است، و برای رسیدن به آن باید تلاش کرد؛ مثلا به الله ﷻ از وساوس شیطانی پناه برده و اگر ایستاده هستیم می‌نشینیم و اگر نشسته‌ایم می‌خوابیم و آب خنکی را برداشته و می‌نوشیم.

خشم و ناراحتی را باید مهار کرد، زیرا ظرف اگر شکست هر قدر هم با چسب قطعه‌های آن را به هم بچسبانیم دیگر به حالت اول بر نمی‌گردد؛ خشونت و عصبانیت و پرخاش کردن نیز چیزی جز پشیمانی به همراه ندارد.

آرامش و آسایش از طرفی در زندگی مهم بوده و آراستگی و نظم و بوی خوش منزل و خودمان و فرزندان نیز به جای خود مهم است، که اینها کنار هم و با هم بودن آن احساس خوشبختی و خوشنودی را درون ما ایجاد می‌کنند.

رسول اللَّه ﷺ می فرمایند: ((**ثَلَاثَةٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ عزوجل إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: الْعَاقُّ لِوَالِدَيْهِ، وَالْمَرْأَةُ الْمُتَرَجِّلَةُ –در لباس و اخلاق–، وَالدَّيُّوثُ...**))[1]: (الله ﷻ در روز قیامت به سه نفر نگاه نمی‌کند: کسی که با پدر و مادرش بد رفتار بوده است، و زنی که خود را به شکل مردان – در ظاهر و اخلاق – در آورده است، و دیوث – مردی که نسبت به ناموسش غیرت ندارد –).

در این حدیث از زنی که ادای مرد را در رفتار و سخن گفتن و پوشش خود بازی می‌کند به مذمت یاد شده است، و این گونه زنان از باب عقوبت در روز قیامت از نگاه پروردگار محروم می‌مانند.

زنی که در زندگی نقش یک مرد سرکش و قلدر بازی می‌کند بر خلاف

(۱) صحیح. نسایی در کتاب سننش، شماره ۲۵۲۶.

سرشتی که الله ﷻ او را بر آن آفریده است چگونه می‌تواند مادری مهربان و همسری دلسوز و هم دم شوهر باشد!؟.

همچنین زنی که در ظاهر و لباس و فرم موهای خود همچون مردان است، آیا مرد می‌تواند از دیدن او لذت ببرد!؟

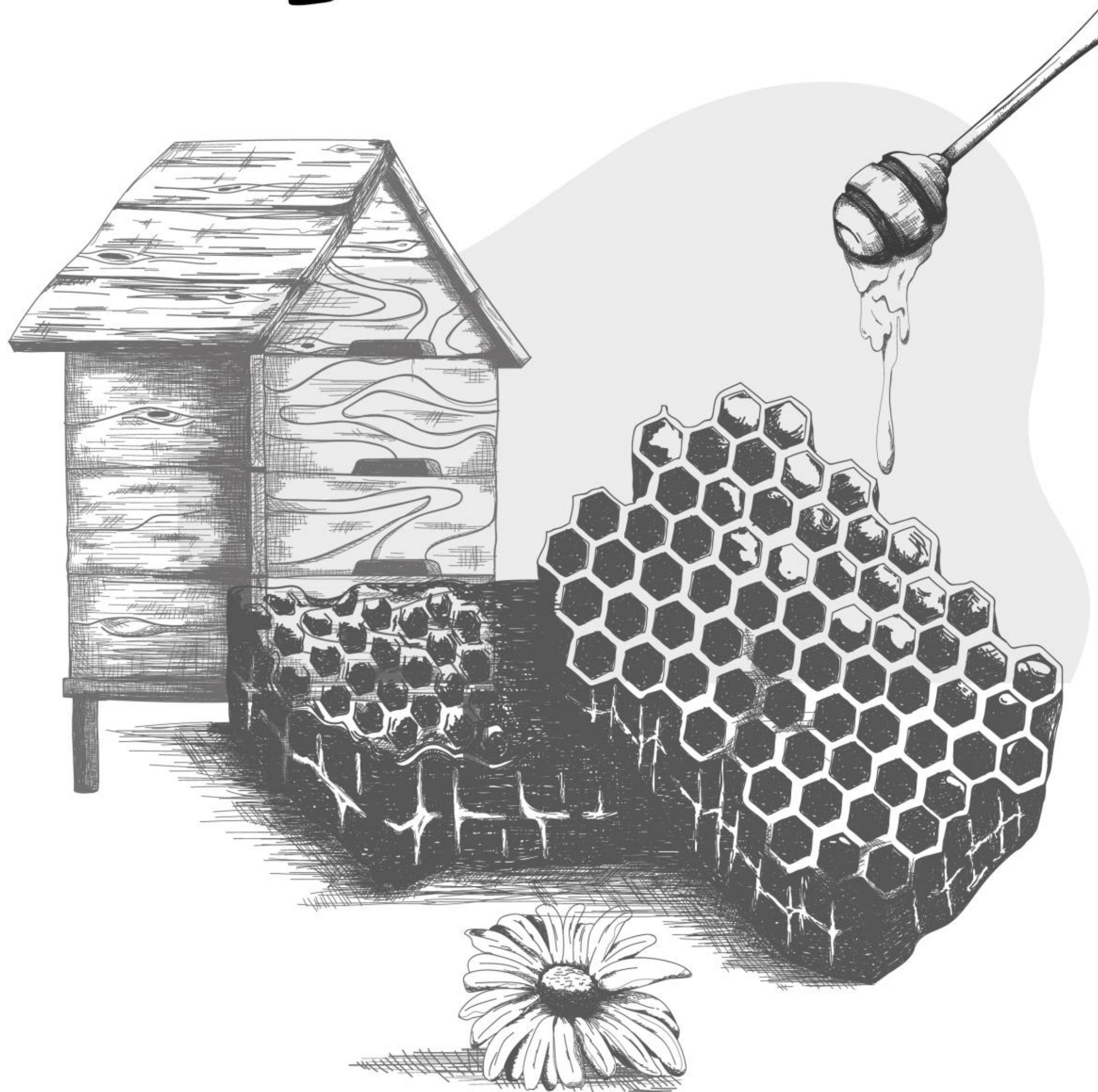
از طرفی دیگر نیز الله ﷻ ما را از عادی سازی رابطه زن و مرد نامحرم و خوش و بش در صحبت کردن هشدار داده است و خطاب به زنان می‌فرماید: **{فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ}**[1]: (با نرمی و ناز سخن مگویید، تا کسی که بیمار دل است طمع کند).

این هشدار از نرم سخن گفتن در مقابل نامحرم است نه با شوهر، زیرا نرم سخن گفتن با شوهر یک وظیفه است که سبب پایداری کانون خانواده می‌شود.

---

(۱) احزاب : ۳۲.

آداب زناشویی



آداب زناشوئی:

الله ﷻ می فرمایند: **{ لَّقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا}**[۱]: (یقیناً برای شما در –روش و رفتار– رسول الله الگوی نیکویی است برای کسی که همواره به الله و روز قیامت امید دارد؛ و الله را بسیار یاد می کند).

بهترین منزل منزلی است که از بیرون و داخل قشنگ باشد، منزلی که زن و مرد از همدیگر راضی و در سختی و خوشی هم نفس هم بوده‌اند.

یکی از آن سرای سعادت دنیوی منزل رسول الله ﷺ با نُه همسر بود، رسول‌الله ﷺ در حالی از دنیا وفات نمودند که ایشان از همسران خود راضی و آنان هم از ایشان راضی بودند؛ و در لحظه به لحظه زندگی از با هم بودن لذت می‌بردند و تلاش می‌کردند خاطره تلخی از خود به جای نگذارند.

شکی نیست که مشکلات در هر زندگی وجود دارد، ولی نحوه بر خورد با مشکل و نحوه معالجه و درمان آن مهم است که نیاز به الگو دارد، و بهترین الگوها رسول الله ﷺ است.

هر اندازه مرد و زن در زندگی به پروردگار خود نزدیک‌تر شوند و ظاهر و باطن ایمانی خود اصلاح کنند و بر طاعت و عبادت از نماز و روزه و صدقه و حجاب و اذکار صبحگاه و شامگاه و دیگر واجبات و سنت‌ها پایبند باشند، همان

---

(۱) احزاب : ۲۱.

اندازه از مشکلات و اختلافات آنان کاسته می‌شود و شیطان از اختلاف انداختن میان آنها مأیوس‌تر می‌شود؛ الله ﷻ می‌فرماید: **{مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً}**: (از مرد و زن، هر کس کار شایسته انجام دهد در حالی که مؤمن است، مسلماً او را به زندگی پاک و خوبی زنده می‌داریم).

هر آنچه انسان در زندگی خود کشت کرد همان برداشت می‌کند، اگر خوبی کاشت خوبی برداشت می‌کند و اگر بدی کاشت بدی برداشت خواهد کرد.

بیدار شدن برای نماز صبح و قدم گذاشتن به سوی مسجد سخت بوده ولی الله ﷻ در این سختی مصلحت ما را خواسته است.

انجام مقررات زندگی و پایبندی بر آن سخت بوده ولی به مصلحت خودمان بوده و الله ﷻ خوبی ما را خواسته است.

الله ﷻ می‌فرمایند: **{وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ}**[(۱)]: (و بهترین جامه و لباس پرهیزگاری و تقواست).

اهمیت به مظهر از لباس و تن با تمیزی و بوی خوش و مسواک زدن برای هر وعده نماز و همچنین پاکی و تمیزی قلب از حقد و کینه و حسادت و بدبینی و تکبر و خودخواهی و غرور و دیگر گناهان از توصیه‌های دین اسلام است، و جامه و لباسی از تقوا که باید آن را جامه قلب خود قرار دهیم از مهمترین اعمال است.

در ابتدای این کتاب به چهار اصل پایداری کانون خانواده به عنوان کلیدهای خوشبختی پرداختیم، که لغزش هر یک از آنها سبب فروپاشی خانواده است؛ اصول

---

(۱) اعراف : ۲۶.

و قواعد دیگری نیز وجود دارند که سبب محکم‌تر شدن کانوان خانواده می‌شوند از جمله:

اول: بهره گرفتن از قدرت و توانایی‌های که الله ﷻ در هر یک از مردان و زنان قرار داده است.

به عنوان مثال: ناقص بودن عقل زن چنان چه رسول الله ﷺ می‌فرمایند: ((**مَا رَأَيْتُ مِنْ نَاقِصَاتِ عَقْلٍ وَدِينٍ أَذْهَبَ لِلُبِّ الرَّجُلِ الْحَازِمِ مِنْ إِحْدَاكُنَّ**))[1]: (ندیده‌ام زنی که عقل و دین ناقصی دارد همچون شما که بتواند عقل یک مرد با اقتدار و قاطع را به دست بگیرد).

شاید خواهری به این حدیث با چشمان تبعیض که شأن زن زیر پا گذاشته شده نگاه کند؛ این دیدگاه کاملا اشتباه است، زیرا بحث حدیث بیان قدرت و توانایی یک زن می‌باشد که با توجه به ساختار متفاوتی که الله ﷻ به نسبت مرد در او قرار داده می‌تواند با توجه به غلبه عاطفه بر عقلش، عقل یک مرد که نوعی برتری و در کنارش کمبود عاطفی دارد را در تصرف و قبضه‌اش بگیرد و همچون آبی که قدرتش در نرمی بوده بر روی صخره و سنگ تأثیر بگذارد.

پس زن یک عامل خیلی مؤثر در پایداری و محکم شدن کانون خانواده است.

دوم: ایجاد رابطه دوستانه با مهر و محبت و صمیمیت.

رسول الله ﷺ می‌فرمایند: ((**كُلُّ شَيْءٍ لَيْسَ فِيهِ ذِكْرُ اللَّهِ، فَهُوَ لَهُوٌ وَلَعِبٌ، إِلا أَرْبَعَ: مُلاعَبَةُ الرَّجُلِ امْرَأَتَهُ، وَتَأْدِيبُ الرَّجُلِ فَرَسَهُ، وَمَشْيُهُ بَيْنَ الْغَرَضَيْنِ، وَتَعْلِيمُ الرَّجُلِ**

(۱) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۲۹۶.

السَّبَّاحَةَ))[1]: (هر کاری که در آن ذکر و یاد الله ﷻ نباشد لهو و لعب است جز چهار مورد: بازی و ملاعبه –همچنین معاشقه– مرد با همسرش، و این که مردی اسب خودش را –برای جهاد– آماده سازد، و راه رفتن میان دو هدف –به هنگام جهاد یا تیراندازی–، و آموزش شنا برای مرد).

زندگی یک اداره یا فروشگاه نیست که در آن رفتاری خشک و جدی یا رسمی داشته باشیم، بلکه زندگی جای تبادل محبت و احساسات و دوستی و رفاقت است.

رسول الله ﷺ به طوری با همسرانش صمیمی بودند که با هم گاهی مسابقه دوندگی انجام می‌دادند[2] یا در حمام با هم غسل جنابت انجام می‌دادند[3].

نگاه ما به احادیث باید نگاهی شامل و دقیق باشد، مثلا نباید موضوع انجام غسل با همدیگر در حمام را سطحی بگیریم، بلکه این مسأله می‌تواند خیلی از بیماری‌های روانی را در مردان درمان کند؛ بسیاری از مردان به طور شدیدی عشق و علاقه نگاه کردن به زنان دارند، به همین علت به دیدن فیلم‌های غیر اخلاقی روی می‌آورند، استحمام زن و مرد با همدیگر یا برهنه خوابیدن در اطاق خواب کنار شوهر می‌تواند این بیماری را درمان کند.

تعامل زن و مرد با هم در منزل نباید تعاملی رسمی باشد بلکه باید هر دو حاجت‌های نفسانی همدیگر را تأمین کنند، و یک زن با این نوع رفتارها می‌تواند

---

(۱) نسائی در کتاب سنن کبری، شماره ۸۶۲۰.

(۲) صحیح. ابوداود در کتاب سننش، شماره ۲۲۱۸.

(۳) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۲۹۳.

شوهر خود را به قبضه خود در آورد و نگذارد که شوهر توسط زنان فاحشه صید شود؛ بسیاری از مردان به خاطر خدماتی که زنان فاحشه از خوش رویی و مالش دادن و همبستری به آنان می‌دهند همیشه از زندگی و همسر خود در حال فرار هستند.

علت روی آوردن مردان به فعل فاحشه که یکی از بزرگترین جنایت‌ها و گناهان کبیره است چند علت دارد: اول: نداشتن تقوای الهی، دوم: غریزه فطری شدید، سوم: کمبود و اشباع نشدن غریزی و عاطفی در منزل، چهارم: عدم توانایی مرد در تعدد همسران به خاطر ترس از همسر یا مشکل مالی داشتن و علت‌های دیگر.

همین مشکل نیز در زنان به طور متقابل است، مثلا مردی که به همسر خود از لحاظ جنسی و عاطفی اهمیت نمی‌دهد سبب می‌شود که آن زن روی به مردان بیگانه بیاورد، هرچند اشتباه این نوع مردان در این نوع تعامل نباید بهانه‌ای برای این زنان که فاحشه کاری را بر عفت و پاکدامنی ترجیح می‌دهند باشد، زیرا یک زن مسؤول مدیریت منزل خودش می‌باشد و باید دنبال راهکار و درمان شوهر خودش باشد نه این که شانه از مسؤولیت خالی کند و برای هوس بازی و فعل ناشایست خود بهانه بتراشد.

سوم: اهمیت به شنیدن و دیدن.

طبیعت و سرشت مرد بیشتر این را می‌طلبد که ببیند و قضاوت کند، به همین علت کمتر به شنیدنی‌ها توجه می‌کنند؛ بر خلاف زنان که به شنیدنی‌ها بیشتر توجه دارند و اهمیت می‌دهند.

هر مخلوقی در آفرینش مسئولیتی دارد، خورشید برای روشنایی و ماه برای حساب روزها و گاهی دیدن در شب و همچنین دیگر مخلوقات که در کنار مسئولیت خود هنر خاصی نیز دارند.

خانه‌داری وظیفه و مسئولیت زن است و تأمین امور مالی وهزینه‌های زندگی بر دوش مرد می‌باشد.

زن با توجه به این مسئولیت وظیفه دارد در منزل ایجاد آرامش کند و منظر زیبای زندگی را حفظ کند و جلو بی نظمی و نا آسایشی را بگیرد به طوری که اگر آتشی در منزل برپا شد آن را همچون آبی خاموش کند نه این که خود هیزمی برای آن آتش باشد.

همسران رسول الله ﷺ زمانی که پا فراتر از مسئولیت خود گذاشتند و در امر خصوصی ایشان و همبستری با کنیزشان ماریه ﵂ دخالت کردند، ایشان ناراحت گشته و آنان را هجر کردند و آیاتی از سوره طلاق در نکوهش آنان نازل می‌گردد[1].

هرچند در مورد قصه هجر رسول الله ﷺ اسباب دیگری در روایات صحیح یاد شده است، ولی آن چه برای ما در این قصه مهم بوده این است که همسران رسول الله ﷺ نباید بر ایشان در امری که از وظایف خودش بوده اعتراض و انتقاد می‌کردند و به خود اجازه دخالت نمی‌دادند.

زمانی که مرد ببیند کسی در کار او دخالت می‌کند یا اختیار و انتخاب را از او

---

(۱) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۳۹۰.

می‌گیرد دیگر تحملش برای او دشوار است.

اما زن بیشترین توجهش به شنیدن است، و اگر از همسرش بدی ببیند با یک حرف زیبای شوهر و ابراز محبت تمامی بدی‌ها را نادیده می‌گیرد؛ این بزرگترین هنر زن است، زیرا انتقام گرفتن راحت ولی بخشش و گذشت دشوار است.

خواهرم مرد اشتباه می‌کند ولی هنر عذرخواهی و کوتاه آمدن را ندارد، پس تو کوتاه بیا و با لبخندی از کنار غرورش عبور کن تا با این کارت بزرگواری خود را برایش ثابت کنی و عزتت روز به روز در نظرش بیشتر شود.

آری، این چنین راحت مردان اسیر یک نگاه می‌شوند و غم‌ها را فراموش می‌کنند، همان طور که زنان با یک سخن زیبا تمامی غم‌ها و سختی‌ها را فراموش می‌کنند و اسیر مردان می‌شوند.

چرا رسول الله ﷺ همیشه از خوبی‌های ام المؤمنین خدیجه رضي الله عنها یاد می‌کردند، چون با چشمان خود احسان و نیکی و فداکاری و وفاداری‌اش را دیده بودند و پاداش چنین زنی جز پیوند نامش با طپش‌های قلب چیز دیگری نیست.

چهارم: چشم پوشی و گذشت و دلگرم شدن به خوبی‌ها.

رسول الله ﷺ می‌فرمایند: ((**الْمُؤْمِنُ غِرٌّ كَرِيمٌ، وَالْفَاجِرُ خِبٌّ لَئِيمٌ**))[1]: (مؤمن اخلاقی نیکو و بخشش و گذشت دارد[2]، و فاسق و فاجر بخیل و لجوج و بد اخلاق است).

(۱) ترمذی در کتاب سننش، شماره ۱۸۸۳.

(۲) مقصود این نیست که ساده لوح است، بلکه دنیا برایش عزیز نیست و می‌بخشد.

چشم پوشی از بعضی از اشتباهات و گذشت کردن و به روی طرف مقابل نیاوردن از صفات نیک مؤمن است، هرچند این کارش از نادانی و جهل نیست بلکه به خاطر کرمی هست که الله ﷻ به دلیل ایمانش در دل او گذاشته است.

کرم و بخشش فقط در مال نیست بلکه در اخلاق و رفتار و تعامل نیز هست؛ معمولا بعضی از زنان طبیعت و سرشتشان به گونه‌ای است که خوبی‌ها را کم به یاد می‌آورند ولی بدی هرچند یک یا دو مورد بیشتر نباشد ولی همیشه در ذهن آنان مرور می‌شود و به رخ همسر خود می‌کشند.

پس برای پایداری زندگی نیاز به بخشش و گذشت و گودالی عمیق داریم تا خاطرات بد را در آن دفن کنیم که هرگز دستمان به آن نرسد و شیطان ما را وسوسه نکند.

گاهی فردی مرتکب اشتباهی در حق ما می‌شود، و به اشتباه خود پی می‌برد و از ما عذر خواهی می‌کند، اینجاست که باید یادآور این سخنان الله ﷻ باشیم: **{وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى}**(1): (و گذشت و بخشش شما به پرهیزکاری نزدیک‌تر است).

خوی مؤمن چنین است که گذشت می‌کند و درهای وساوس شیطانی را می‌بندد و نمی‌گذارد که هوای نفسش بر او غلبه کند که چرا فلانی مرا خُرد کرد؟ و چرا حرمت من را نگه نداشت؟ و چرا من حق خود را از او نگیرم؟ و چرا من سکوت و گذشت کنم؟

ام‌المؤمنین صفیه رضي الله عنها از رسول اللّه ﷺ نقل می‌کند که می‌فرمود: "پدرت

---

(1) بقره : ۲۳۷.

عرب‌ها را بر علیه من شوراند و چنین و چنان کرد"، اما همچنان به خاطر کشته شدن پدر و شوهر سابقش از او **عذرخواهی** می‌کرد تا این که صفیه ﭽ می‌گوید: قلبم -با این سخنان- آرام گرفت[1].

این رفتار باید الگویی برای هر مؤمنی باشد؛ نه اینکه با پرخاش کردن و ناسزا گفتن یا فرار از گفتگو کردن شانه خالی کنیم و نسبت به یکدیگر بی توجه باشیم.

مگر انسان فرشته است که اشتباه نکند؟، مگر ما اشتباه نمی‌کنیم؟، آیا دوست نداریم الله ﻷ در مقابل گناهان و اشتباهات ما را ببخشد، پس یادآور این سخنان الله ﻷ باشیم: **{وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ}**[2]: (پس عفو کنند و از مجازات درگذرند؛ آیا دوست نمی‌دارید الله شما را بیامرزد؟؛ و الله بسیار آمرزنده و مهربان است).

رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((**لَا يَفْرَكْ –أى: لا يبغض– مُؤْمِنٌ مُؤْمِنَةً إِنْ كَرِهَ مِنْهَا خُلُقًا رَضِيَ مِنْهَا آخَرَ**))[3]: (مرد مؤمن نباید از همسر مؤمن خود کینه به دل بگیرد، اگر از یکی از رفتارهای او بدش آمد، به رفتار دیگرش راضی گردد).

اشتباه یا اختلاف نظر و سلیقه نباید باعث کینه و کدورت شود، بلکه با گذشت و نگاه به خوبی‌ها میان خود را اصلاح کنیم، زیرا داشتن یک چیز و اصلاح آن بهتر از نداشتن آن است.

---

(۱) ابن‌حبان در کتاب صحیحش، شماره ۵۱۹۹.

(۲) نور : ۲۲.

(۳) مسلم در کتاب صحیحش، شماره ۲۶۸۰.

خیلی جای تأسف است که در کتاب‌های روانشناسی گفته می‌شود این زن یا آن مرد به درد ازدواج نمی‌خورند، در صورتی که الله ﷻ سلیقه و سرشت‌ها را متفاوت قرار داده است به طوری که اگر برای این مناسب نبوده برای دیگری مناسب باشد.

زندگی همیشه بهار نیست بلکه تابستان و پاییز و زمستان نیز دارد، در کنارش فراز و نشیبی که نمی‌توان با سرعتی یکنواخت حرکت کرد؛ پس باید برای هر صحنه و تغییری آمادگی داشته باشیم.

درمان تندی با تندی نیست، بلکه در این وسط باید یکی از خود انعطاف نشان دهد و دست از لجاجت بکشد؛ و توصیه من به تو ای خواهرم این است که برای پایداری زندگی‌ات تو پیش قدم باشی و با نرمی‌ات مِنَّتی بر سر همسرت بگذاری که تا زنده است آن را فراموش نکند.

ای برادر تو هم اگر از همسرت بدی دیدی سعی کن با نصیحت اصلاح کنی؛ و اگر اصلاح نشد چشم به خوبی‌های همسرت بیاندازی و با بدی‌اش سازش کنی؛ ولی این سازش به این معنا نیست که در مقابل حرام کوتاه بیایی بلکه باید سفت و محکم بایستی و اگر نیاز شد همچون کوره‌ای که آهن را در آن نرم می‌کنند آن استخوان کج را درست کنی و از مردانیت خود استفاده کنی بر خلاف آنان که ندای ترک جوانمردی و مردانگی سر می‌دهند که مرد باید همتای زن باشد و همچون زن لطیف و نرم‌خو بوده و جلو دهان خود را ببندد و حرفی نزند و همسرش هر کاری خواست انجام دهد؛ این تعبیر درست سرپرستی و ولی‌امر زن و خانواده بودن نیست.

پنجم: مهندسی کردن زندگی.

چقدر باید زنبورهای عسل تلاش کنند تا برای خانواده خود کندویی بسازند؟؛ کندویی با مهندسی و معماری محکم و زیبا، به طوری که عسل مایع از درون لانه‌ها سرازیر نشود؛ عسل شیرینی که دهان مهمان با آن شیرین شود و مجلس و محفل شاد گردد؛ دارویی که شفای درد بیماران باشد؛ این زنبورها هم مهندس و هم آشپز و هم داروسازند.

زنبورها تلخی گلها را می‌چشند و شهد گلها را با آب دهان خود آمیخته و کام خود را تلخ می‌کنند تا دیگران لذت ببرند و کامشان شیرین گردد.

آیا علت موفقیت زنبورها را می‌دانید؟

الله ﷻ می‌فرماید: **{وَأَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ}**[1]: (و پروردگارت به زنبور عسل الهام نمود که از کوه‌ها و درختان و آنچه که [مردم] بر می افرازند، برای خود خانه‌هایی درست کن).

آری؛ علت موفقیت زنبورها فرمانبرداری و اطاعت از دستورات و فرامین الهیست.

مرد و زن اگر هر کدام به دین الله ﷻ پایبند باشند و از هوای نفس و خودخواهی دوری کنند زیباتر از زنبورها منزل می‌سازند.

ولی این ساختار کار یک شبانه روز نیست، بلکه باید طعم سختی و خستگی و زحمت و تلاش و بی‌خوابی را بچشیم تا از ساخت و کاشت خود لذت ببریم؛ و بی‌شک ثمره نیک کار را با راحت طلبی نمی‌شود کسب کرد.

---

(۱) نحل : ۶۸.

اختلاف
و
حل مشکلات




اسباب اختلافات در زندگی:

منشأ اختلافات در زندگی زیاد است از جمله:

۱- ظلم؛ ۲- هوای نفس؛ ۳- حسادت و طمع؛ ۴- ضعف ایمان؛ ۵- عنادت و خودخواهی؛ ۶- دخالت.

۱- ظلم و ستم:

الله ﷻ می‌فرماید: **{إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا}**[1]: (ما امانت -الهی و بار تکلیف- را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم، پس از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسیدند، و انسان آن را پذیرفت، بی تردید -انسان- بسیار ستمکار، و بسیار نادان است).

زمانی که انسان نسبت به امری نادان و جاهل باشد در حق آن دچار ظلم و ستم می‌شود؛ حقوق و واجبات شرعی زناشویی از جمله اموریست که عدم شناخت آن موجب ظلم و ستم است.

همان گونه که عدم شناخت و علم نسبت به امور شرعی همانند نماز و روزه سبب ظلم در حق خودمان است؛ اگر فردی احکام وضو را نداند و وضو را ناقص بگیرد نمازش باطل است و روز قیامت در مقابل آن مستحق عقوبت می‌باشد.

مردی دوستان خود را بر همسرش ترجیح می‌دهد، همسر یا فرزند بیمار

---

(۱) احزاب : ۷۲.

می‌شود ولی سرپرست خانواده با دوستان خود در تفریح به سر می‌برد؛ به همین صورت شوهر نیاز به پرستاری و نوازش دارد ولی همسر سرش در گوشی مبایل است.

پایمال شدن حقوق و ظلم یکی از اسباب اختلافات است؛ شوهر و سرپرست که وظیفه او تهیه وسائل منزل است چون حوصله ندارد یا مشغول بازی با گوشی بوده همسر خود را برای خرید می‌فرستد در صورتی که دستور الله ﷻ به زنان چنین است: **{وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ}**[1]: (و در خانه‌هایتان قرار و آرام گیرید).

مرد راحت بار مسئولیت را از دوش خود می‌اندازد و در حق خانواده خود ظلم می‌کند و شب توقع دارد آن همسر خسته و کوفته با او هم‌خوابی نیز بکند.

گاهی زن در حق خود و فرزندانش ظلم می‌کند و با نق نق کردن و ایجاد ناآرامی در منزل شوهر را فراری می‌دهد، شوهری که برای گریز از دغدغه‌های کاری و خستگی تشکیل خانواده داده تا در آن استقرار و سکونت داشته باشد.

۲- هوای نفس:

الله ﷻ می‌فرماید: **{فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ}**[2]: (پس میان مردم به حق داوری کن و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه الله منحرف می‌کند. بی‌تردید کسانی که از راه الله منحرف می‌شوند، چون روز

---

(۱) احزاب : ۳۲.

(۲) ص : ۲۶.

حساب را فراموش کرده‌اند، عذابی سخت دارند).

پیروی از هوای نفس -نه شریعت و احکام الهی- انسان را به راه کج منحرف می‌سازد و چنان چه در این آیه یاد شد عاقبت راه کج رفتن عذاب سختی را در پی دارد.

پیروی از هوای نفس سبب می‌شود شب تا دیر هنگام بیدار بمانیم و نماز صبح از ما فوت شود؛ همچنین سبب می‌شود بعضی از مردان به سوی همسر خود میل کرده و پدر و مادر خود را فراموش کنند یا با نامحرمی ارتباط برقرار کرده بدین بهانه که توان ازدواج را ندارند، و شیطان در این موارد کردار بد آنان را زیبا برایشان جلوه می‌دهد؛ الله ﷻ می‌فرماید: **{زُيِّنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ}**[1]: (اعمال زشتشان برایشان آراسته شده است).

خواهرم هوای نفس بر تو هم غلبه می‌کند و سبب می‌شود جلو شریعت الهی ایستادگی می‌کنی؛ هیچ زنی دوست ندارد غیر از خودش کسی با شوهرش در زندگی شریک شود؛ چه کسی دنیا را دوست ندارد؟ جز آن که هم و غم او آخرت است، برای همین بود که همسر رسول الله ﷺ ام‌حبیبه رضی الله عنها زمانی که خواهر خود را برای ازدواج به ایشان پیشنهاد داد فرمودند: ((**أَوَتُحِبِّينَ ذَلِكِ؟**))[2]: (آیا این کار را دوست داری؟).

رسول الله ﷺ این سؤال را مطرح کردند زیرا سرشت و طبیعت و هوای نفس زن را وادار می‌کند که به شریعت الهی در مورد تعدد قانع نشود.

---

(۱) توبه : ۳۷.

(۲) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۴۷۳۸.

همیشه ندای حقوق زن را می‌شنویم ولی دریغ از این که کسی سخن از حقوق مردان به میان بیاورد، انگار حاکم بر زمین زنان هستند.

مردی از نفقه و مسکن و خوبی در حق همسر خود کم نگذاشته است ولی با ازدواجی دیگر تبدیل به فرعون و بلکه پست‌تر از آن می‌گردد؛ در صورتی که آن مرد حقی که الله ﷻ به او داده را گرفته است.

ولی هوای نفس زن به او اجازه نمی‌دهد که قانع گردد و ایستادگی می‌کند و تا توان دارد از ابزارهای متفاوت برای فشار بر روی همسر خود استفاده می‌کند؛ ابتدا اشک تمساح می‌ریزد و وانمود می‌کند که مظلوم واقع گردیده و همسرش در حق او خوب نبوده است، ولی ماجرا با این گریه‌ها تمام نمی‌شود بلکه باید شوهر را متقاعد کند که آن خواهرش مورد ظلم قرار گیرد و او را طلاق دهد و در غیر این صورت یا تهدید به طلاق یا کشتن خود و بچه ها و دیگر افسانه‌ها می‌کند.

ای برادر همسرت اشتباه می‌کند و می‌خواهد در حق خواهرش ظلم کنی، فریب این اشکها را نخور، و بر حذر باش که اگر با ناموس و آبرو و حیثیت خواهر مسلمانی بازی کنی تاوان این گناه در روز قیامت بسیار سخت است، پس مواظب باش هوای نفسش تو را وادار به ظلم نکند؛ و اگر دیدی که اشکها به شدت سرازیر می‌شوند بدان که این زن همچون تمساحی خود را آماده دریدن تو کرده است.

رسول الله ﷺ می‌فرمایند: ((**لَا يَحِلُّ لِامْرَأَةٍ تَسْأَلُ طَلَاقَ أُخْتِهَا لِتَسْتَفْرِغَ صَحْفَتَهَا، فَإِنَّمَا لَهَا مَا قُدِّرَ لَهَا**))[1]: (برای هیچ زنی جایز نیست که خواهان طلاق خواهرش شود تا کاسه‌اش را خالی کند -و سهمیه او را به خود اختصاص دهد-، زیرا آنچه

(۱) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۴۷۸۲.

که برایش مقدر شده است به او خواهد رسید).

آری در شریعت اسلام مرد و زن برادر و خواهر ایمانی همدیگر هستند و چقدر زیبا رسول الله ﷺ در این حدیث از هوو به عنوان خواهری بر آن زن یاد می‌کند.

چرا از این نوع واکنش زن و گریه‌اش به اشک تمساح یاد شد؟؛ اگر فرهنگ لغت دهخدا را باز کنیم می‌بینم که تمساح لقب فرد دروغزن است، همچنین نام حیوانی است که در زبان لاتینی کروکودیل نام دارد.

خواهرم شعار غیرت را سر نده، زیرا رسول الله ﷺ نُه همسر را در یک منزل داشتند و آنان نیز غیرت داشتند ولی هیچ وقت فیلم و نمایش بازی نمی‌کردند، این شعار دروغی است که پشت آن فرد خودخواهی هست که هوای نفس او جلو شریعت ایستادگی می‌کند؛ مگر امکان دارد که انسان نتواند با شریعت الهی سازش کند؛ الله ﷻ می‌فرماید: **{أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ}**[1]: (آیا آنها حکم جاهلیّت را -از تو- می‌خواهند؟! و چه کسی بهتر از الله برای قومی که اهل یقین هستند، حکم می‌کند؟!).

ما در بحث غیرت چندین قصه در این کتاب بیان نمودیم؛ به عنوان مثال: ام‌المؤمنین عایشه رضي الله عنها زمانی که به غیرتش بر خورد و بشقاب را شکست رسول‌الله ﷺ به او عذر ندادند، بلکه غرامت تعویض بشقاب را به او تکلیف نمودند[2].

---

(۱) توبه : ۳۷.

(۲) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۴۸۵۲.

ای برادر فریب شعار و تهدید را نخور و در مقابل حقی که الله متعال به تو داده است کوتاه نیا و استقامت کن؛ کار تو جرم نیست الا این که در حق همسر اوّلت در نفقه و مسکن و احسان کوتاهی داشته باشی؛ و مواظب باش که همسرت تو را وادار نکند که جلو پدر و مادر و برادرانش سرکشی کنی و حرف ناپسندی بزنی، اگر خواهرم اشتباه می‌کند تو اشتباه نکن.

این شعار غیرت سر دادن دروغ و فیلم و نمایشی بیش نیست تا این که مرد از حق خود کوتاه بیاید یا با بحرانی کردن شرایط وادارش کند که خطایی از او سر زند؛ به عنوان مثال آن زن آنقدر به شوهرش و همسر و پدر و مادرش بهتان می‌زند تا این که وادار شود از زور بازو استفاده کند و آن زن هم همه جا داد و بیداد کند که شوهرم مرا کتک می‌زند و خانواده را با آن اشک تماسح مجبور کند تا در زندگی او دخالت کنند؛ ای خواهرم ده‌ها بار از دست پدر و مادر و برادر و خواهرت کتک خوردی ولی به روی آنها نمی‌آوری ولی حاضر نیستی یک‌بار اشتباه شوهرت را ببخشی و فراموش کنی؟.

بیشترین چیزی که در زندگی مشکلات ایجاد می‌کند ازدواج مجدد است، و علت آن را می‌توانیم در دو مورد خلاصه کنیم؛ اول: کوتاه نیامدن زن در مقابل شریعت و دیانت اسلام و دوم: کوتاهی و ظلم و پایمال کردن حقوق زندگی از طرف مرد.

زنی که تمامی فکر او نگهبانی و مراقبت از مرد است که از دستش فرار نکند و به کسی دیگر روی نیاورد و با استرس و وسواس خواب و قرار را از خود گرفته است، چه لذتی از زندگی می‌برد؟

خواهرم ازدواج مجدد همچون کشتی‌ای است که قبلا خودت با شوهرت روی آن بودی و الآن کسی دیگر را نجات داده و با خود بر روی آن کشتی حمل می‌کنید، و با این کار چقدر جلو تبهکاری و زنا و خواری را می‌گیرید.

تنها این خواهر دیگرمان نیست که نجات می‌یابد بلکه مصلحت آن به ما نیز بر می‌گردد و ما در نبود شوهر با فراغت بیشتری به عبادت خود می‌رسیم.

مردی شرایط کاری‌اش ایجاب می‌کند مسافرت رود یا دیر وقت به منزل بیاید و بار سختی را به دوش کشد، و آن هم برای تأمین هزینه زندگی‌اش، ولی همسرش می‌گوید من بدون تو نمی‌توانم؛ خواهر اشتباه نکن، تو می‌توانی ولی بر تو سخت است و می‌خواهی از وجود شوهر کنار خودت لذت ببری؛ مگر رسول الله ﷺ ماه‌ها با یارانش به جهاد نمی‌رفتند یا در ابتدای ازدواج خود با مال همسرش خدیجه رضي الله عنها برای تجارت سفر نمی‌کردند؛ ای خواهرم جای مرد نشستن در منزل نیست بلکه کار و تلاش است.

ای خواهرم در این نوع مشکلات دیگران را درگیر هوای نفس خود مساز، و به پدر و برادر خود پناه نبر، چون آنها نیز بی مشکل نیستند و دغدغه هزینه و مشکلات خود را دارند؛ و پناهندگی جز ذلت برای تو ثمره دیگری ندارد.

خواهری نیز از این که همسر دوم یا سوم گردد سرکشی می‌کند تا در جامعه نکوهش نشود در صورتی که هم سن او بالا می‌رود و هم نیازمند فرزندی است که در سران پیری عصای دست او گردد و مادر بودن را تجربه کند، و همچنین پیامدهای مجرد ماندن بدتر و بیشتر از اینهاست و تلخی تنها ماندن و همدم نداشتن کافیست که سبب شود دنبال نجات خود شود.

هر فردی در زندگی به نحوی امتحان می‌شود؛ خواهری در کنار مردی زندگی می‌کند که همسر دیگری ندارد ولی با شوهرش احساس خوشبختی ندارد، ولی خواهری دیگر وارد زندگی چند همسری شده و خیلی از زندگی‌اش راضیست و احساس خوشبختی می‌کند؛ و بی‌تردید هدف از زندگی سعادت و خوشبختی سرای دنیا و آخرت است نه احتکار کردن شوهر و رسیدن به خوشی‌های دنیوی.

ولی چرا ما به جای این که دنبال رضایت پروردگار باشیم دنبال رضایت مردم هستیم؟؛ الله ﷻ می‌فرماید: **{أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخْشَوْهُ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ}**[1]: (آیا از آنان –مردم– می‌ترسید؟! در صورتی که اگر مؤمن هستید، الله سزاوارتر است که از او بترسید).

مگر ازدواج عبادت نیست؟ و رسول الله ﷺ کسی که مانع ازدواج باشد چه مرد و چه زن را تهدید نکرده است؟

رسول الله ﷺ می‌فرمایند: ((**إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ دِينَهُ وَخُلُقَهُ فَأَنْكِحُوهُ، إِلَّا تَفْعَلُوا تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ**))[2]: (هرگاه مردی که از دیانت و اخلاقش راضی هستید به خواستگاری نزد شما آمد، پس او را به ازدواج در بیاورید، زیرا اگر او را به ازدواج در نیاورید بر روی زمین فتنه و فساد می‌شود).

در این حدیث مرد و زن مورد خطاب هستند، خصوصا آن دختری که در ذهن خود برای مرد زندگی‌اش افسانه‌ها ساخته است.

تنها بحث به ازدواج در آوردن نیست بلکه باید در تعیین مهریه نیز آسان

(۱) توبه : ۱۳.

(۲) صحیح. ترمذی در کتاب سننش، شماره ۱۰۰۱.

گرفت تا مانع این عبادت بزرگ و اجرای دستور الهی نباشیم، و با دست خود داماد را از ابتدای ازدواج بدهکار نکنیم؛ زیرا بدهکاری انسان را افسرده کرده و غیر از فکر کردن به نحوه پرداخت بدهی فرصت فکر دیگری ندارد و خانواده خود را فراموش می‌کند و در نتیجه در این نوع زندگی مشکلات روز به روز بیشتر می‌شود.

رسول الله ﷺ می‌فرمایند: ((**خَيْرُ الصَّدَاقِ أَيْسَرُهُ**))[1]: (بهترین مهریه آسان‌ترین آن است)؛ و در خطبه‌های خود می‌فرمودند: ((**وخَيْرَ الْهَدْى هدْيُ مُحمَّد** ﷺ))[2]: (و بهترین راه هدایت راه محمد ﷺ است)، و رسول الله ﷺ نیز برای ازدواج دخترش فاطمه رضي الله عنها به عنوان مهریه فقط سپری از آهن را برای علی رضي الله عنه تعیین کردند[3]، و سفارش رسول الله ﷺ به یارانش رضي الله عنهم این بود که با ذبح کردن یک یا دو گوسفند مهمان دعوت کرده و ولیمه عروسی دهند[4].

۳- حسادت و طمع.

الله سبحانه وتعالى می‌فرماید: **{وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ}**[5]: (و قطعاً بسیاری از معاشران و شریکان به یکدیگر ستم می‌کنند، به جز کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند و اینان اندک‌اند).

---

(۱) صحیح. حاکم در کتاب مستدرکش، شماره ۲۶۶۷.

(۲) مسلم در کتاب صحیحش، شماره ۱۴۴۱.

(۳) صحیح. ابوداود در کتاب سننش، شماره ۱۸۱۹.

(۴) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۱۹۱۸.

(۵) ص : ۲۴.

شراکت در زندگی و کار درهای طمع و حسادت را باز می‌کند، و هر قدر شریکان بیشتر کنار هم باشند مشکلات و اختلافات بیشتر خواهد شد؛ عروسی که با خواهر شوهر زندگی می‌کند هر کدام دیگری را دشمن خود می‌بیند و به همین صورت دیگر افرادی که کنار هم هستند.

حسادت در انسان یک غریزه بوده که سر منشأ آن ضعف ایمان است؛ الله ﷻ می‌فرماید: **{أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ}**[1]: (یا اینکه نسبت به مردم، و بر آنچه الله از فضلش به آنان عطا کرده، حسد می‌ورزند؟).

همسری برای این که خواهر شوهر خود را از چشمان شوهرش بیندازد او را با انواع تهمت و دروغ تحقیر می‌کند تا این که شوهر برای خودش تنها بماند؛ این از بارزترین انواع حسادت است که ما سعی کنیم محبت کسی را از دل کسی ببریم، غافل از این که محبت یک نوع روزی است که الله تعیین می‌کند و عاقبت بد این کار به خودمان بر می‌گردد، الله ﷻ می‌فرماید: **{وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ}**[2]: (و آنان همواره نیرنگ می زنند و الله هم جزای نیرنگشان را می‌دهد و الله بهترین جزا دهنده نیرنگ زنندگان است).

چقدر انسان باید نادان باشد که شب و روز تلاش نماید و زحمت بکشد تا حسناتی جمع کند و بعد تمامی آنها را با غیبت و خبرچینی و دروغ که از حسادت نشأت می‌گیرند به آتش بکشاند.

---

(۱) نساء : ۵۴.

(۲) انفال : ۳۰.

آیا این دنیا ارزش دارد که به خاطر آن آخرت خود را بر باد دهیم؛ رسول‌الله ﷺ روزی مردار بزی را می‌بینند سپس به یارانش می‌فرمایند: ((**أَتُرَوْنَ هَذِهِ هَيِّنَةً عَلَى صَاحِبِهَا، فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَلدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ هَذِهِ عَلَى صَاحِبِهَا، وَلَوْ كَانَتِ الدُّنْيَا تَزِنُ عِنْدَ اللَّهِ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ، مَا سَقَى كَافِرًا مِنْهَا قَطْرَةً أَبَدًا**))(۱) : (آیا این را می‌بینید که چقدر نزد صاحبش بی‌ارزش است؟، قسم به آن ذاتی که جانم به دست اوست این دنیا نزد الله متعال از این بز نزد صاحبش بی‌ارزش‌تر است، و اگر دنیا نزد الله اندازه بال پشه‌ای ارزش داشت به هیچ کافری حتی یک قطره آب هم از آن – یعنی از دنیا– نمی‌داد).

از اعتقادات ما مسلمانان این است که رزق و روزی را الله ﷻ تعیین می‌کند، و هر فرد باید به تقدیر خود راضی باشد؛ چه آن تقدیر در شکل و قیافه و چه در ملّیّت و نژاد و چه در صحَّت و سلامتی باشد؛ اینها اموریست که الله ﷻ برای بندگانش تعیین می‌کند و عدم رضایت ما در مقابل تقدیری که الله ﷻ بر بندگاش مقدَّر کرده اعتراضی بر حُکم و حِکمتی است که الله ﷻ مصلحت دیده و به افراد به طور متفاوت داده است.

الله ﷻ می‌فرماید: **{قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ}**(۲): (بگو: به پروردگار سپیده دم پناه می برم)؛ از جمله افرادی که باید به الله ﷻ از شر آنان پناه ببریم انسان حسود است، **{وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ}**(۳): (و از شرِّ هر حسودی هنگامی که حسد می‌ورزد).

---

(۱) صحیح. ابن‌ماجه در کتاب سننش، شماره ۳۵۰۸.

(۲) فلق : ۱.

(۳) فلق : ۵.

حسادت بیماری انسان‌های بی‌ایمان و بی‌تقواست، و این بیماری همچون سمی به فردی که مورد حسادت واقع شده انتقال می‌یابد و زن و مردی که سال‌ها با هم زندگی کرده‌اند بدون هیچ علتی به همدیگر بد بین گشته و اختلاف میان آنها شدید می‌گردد؛ و به همین دلیل اسلام برای این درد پیشگیری و درمان گذاشته است:

اول: پیشگیری با محافظت بر نمازهای فرض پنجگانه و سنت‌ها و اوراد قبل از خواب و اذکار صبحگاه و شامگاه که سپری است در مقابل حسادت و چشم زخم و سحر و جادو؛ برای همین توصیه می‌کنم هر فردی کتاب پناهگاه مسلمان را در منزل داشته باشد و بر اذکار صحیحی که در سنت نبوی آمده است محافظت کند؛ و بی‌ترید کسی که از گناهان دوری کرده و بر طاعت و عبادت استقامت کند از طرف الله ﷻ مورد حمایت و حفاظت قرار می‌گیرد، چنان چه الله ﷻ می‌فرماید: **{إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ}**[1]: (در حقیقت، تو را بر بندگان من تسلُّطی نیست، مگر گمراهانی که از تو پیروی می‌کنند).

دوم: پیشگیری با دعای خیر کردن و گفتن "الله برکتش را به او عطا کند"[2] یا دعاهایی از این قبیل از طرف کسی که در قلب خود احساس حسادت به فردی می‌کند یا مقابل چشمانش نعمت که دیگری دارد عزیز می‌شود.

سوم: درمان با آب وضوی فرد حسود؛ رسول الله ﷺ می‌فرمایند: ((**وَإِذَا اسْتُغْسِلْتُمْ فَاغْسِلُوا**))[3]: (اگر از شما شستن اعضای بدنتان -آب وضو یا غسل-

(۱) حشر : ۲۱.

(۲) صحیح. ابن‌ماجه در کتاب سننش، شماره ۳۵۰۸.

(۳) مسلم در کتاب صحیحش، شماره ۴۰۶۵.

خواسته شد، پس برایشان بشوئید)؛ اصل بر این است که تمامی اعضای بدن برای کسی که چشم خورده یا مورد حسادت واقع گردیده شسته شود و از آن آب روی فردی که چشم زخم خورده پاشیده شود[۱]، ولی بعضی از علماء شستن اعضای وضو یا لباسی که حسود بر تن داشته را نیز اجازه داده‌اند که از آن آب فردی که چشم زخم خورده بنوشد یا روی خود بریزد.

چهارم: درمان با قرآن یا رقیه شرعی؛ شاید در اوج اختلافات به دنبال این باشیم که یکی را متهم به سحرو جادو کنیم یا دنبال ملایی که تعویذی بنویسد بگردیم یا نزد فالگیری برویم که دین و ایمان‌مان را با رفتن پیش چنین فردی بسوزانیم و کافر شدن را بهتر از بر اسلام ماندن بدانیم[۲].

برادر و خواهرم درمان با قرآن نیازی به ملایی ندارد و سحر جادو هم غصه‌ای ندارد؛ زیرا ما مسلمانان سخنان پروردگارمان را داریم که کوه را نابود می‌کند دیگر چه برسد به سحر و جادو و جنبل؛ الله ﷻ می‌فرماید: **{لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ}**[۳]: (اگر این قرآن را بر کوهی نازل می کردیم، قطعاً آن را از ترس الله فروتن و از هم پاشیده می دیدی)؛ و الله ﷻ می‌فرماید: **{وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا}**[٤]: (و ما از قرآن آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است نازل می‌کنیم، وستمکاران را جز خسارت نمی‌افزاید).

---

(۱) صحیح. ابن‌ماجه در کتاب سننش، شماره ۳۵۰۸.

(۲) مسلم در کتاب صحیحش، شماره ۴۱۴۴ و ن–ک: احمد در مسندش، شماره ۹۳۳۲.

(۳) حشر : ۲۱.

(۴) اسرا : ۸۲.

توصیه می‌کنم که کسی دنبال مقصر نباشد؛ یعنی اگر کسی احساس کرد که طلسم و جادو شده یا مورد حسادت و چشم زخم واقع گردیده است خودش را با اتکای به قرآن درمان کند و برای یافتن طلسم تلاش نکند زیرا با تلاوت و درمان با قرآن طلسم شکسته و اثر آن نابود می‌شود.

بهترین درمان برای این گونه بیماری‌ها و مشکلات تلاوت سوره فاتحه و سه قل است؛ چنان چه در سنت آمده ابتدا برای خود دعای شفا می‌کنیم سپس روی کف دست خود سوره فاتحه را با صدای بلند تلاوت می‌کنیم[۱] و بعد از اتمام سوره روی کف دست خود می‌دمیم[۲] و دو دست خود را به تمامی بدنمان می‌مالیم و این کار را هفت بار تکرار می‌کنیم.

بهتر است به یک بار انجام دادن این کار اکتفا نشود بلکه در روز چندین بار قبل یا بعد از نماز تکرار شده و به مدت یک هفته ادامه یابد، و به هنگام تلاوت به معانی آیاتی که می‌خوانیم باید دقت کنیم.

همچنین نیت و قصد قلبی قبل از تلاوت بسیار مهم بوده که نیت فرد درمان خودش باشد، و به خاطر نبودن نیت در تلاوتی که از نوارها و صداهای ضبط شده می‌شنویم تأثیری در آن شنیدن نمی‌بینیم.

اما زمانی که کسی را رقیه می‌کنیم دیگر نیازی به تلاوت قرآن روی دو کف دست نیست بلکه بعد از تلاوت روی بیمار می‌دمیم؛ و بهتر است قبل از رقیه کردن

---

(۱) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۲۱۲۶ و ۴۶۵۰.

(۲) دمیدن یا نفث کردن در سنت چنین وارد شده که زبان را میان دندان‌های جلو قرار دهیم و نفس خـود را به بیرون همراه اندکی آب دهان بدمیم.

این ورد گفته شود: ((**بِاسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ**[1]، **مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ، مِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَيْنِ حَاسِدٍ، اللَّهُ يَشْفِيكَ بِاسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ**))[2].

همچنین سفارش می‌کنم که فرد غیر از سوره فاتحه سه قل یعنی سوره اخلاص و فلق و ناس را نیز تلاوت کند و روی خود بدمد؛ بدین صورت که ابتدا سوره اخلاص یا همان قل هو الله احد و بعد سوره فلق و ناس را روی دو کف دست خود تلاوت کند سپس دو کف دست خود را به تمامی بدنش بمالد[3]؛ و بهتر است این کار قبل یا بعد از نماز سه یا هفت بار تکرار شود و به مدت هفت روز ادامه یابد.

هر بیماری نوعی از درمان را می‌طلبد، مشکل چشم زخم و حسادت و جادو را می‌شود با رقیه شرعی درمان کرد، ولی شکاکی و بدبینی و دیگر اختلالات روحی و روانی در یک فرد شاید منشأ جسمی داشته باشد که باید با مراجعه به پزشک مناسب چه سنتی و چه مدرن و کلاسیک از مغز و اعصاب و دیگر متخصصان معالجه و درمان گردد.

۴- ضعف ایمان و دل به دنیا بستن.

الله ﷻ می‌فرماید: **{وَمَن يَعْشُ عَن ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ}**[4]: (و هر کس از یاد الله رحمان روی‌گردان و غافل شود، شیطان را به سراغ او می‌فرستیم پس همواره -آن شیطان- قرین و همنشین اوست).

---

(۱) اگر فرد خواست خودش را رقیه کند می‌تواند ضمیر را برای خودش به مخاطب قرار دهد و بگوید: "أَرْقِي نَفسِي".

(۲) مسلم در کتاب صحیحش، شماره ۴۰۶۳.

(۳) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۴۶۵۶.

(۴) زخرف : ۳۶.

نشستن در مجالس غیبت و حرف و سخن از این و آن سبب می‌شود انسان سنگدل گردد و جز به نفس خود به کسی دیگر فکر نکند؛ همه بد و او فرشته، و همه ظالم و او مظلوم است؛ این عاقبت نشستن در مجالس غیبت و بدگویی است که فرد را تبدیل به یک انسان روانی می‌کند که دنبال انتقام گرفتن از دیگران می‌باشد.

ولی اگر وِرد زبانش اوراد و اذکار می‌بود و از وقت خودش در نیایش با الله ﷻ هزینه می‌کرد هرگز شیطان نمی‌توانست با او همنشین و همدم باشد.

پس ما هستیم که با دل بستن به دنیا و خوش‌گذرانی و دنبال حرف و حدیث مردم بودن از الله ﷻ فاصله گرفته و از آخرت غافل می‌شویم و در نتیجه ایمان ما روز به روز ضعیف‌تر از دیروز می‌گردد.

زنی که دیندار نیست و دنبال دینداری و تقویت ایمان خود نیست نباید توقعش این باشد که همسرش در زندگی دیندار باشد و با او با دینداری تعامل کند؛ همچنین مردی که خود پایبند به دین نیست نباید توقع داشته باشد همسر و فرزندش دیندار باشند؛ الله ﷻ از سخنان پیامبرش شعیب عليه السلام چنین نقل می‌کند و می‌فرماید: **{وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَى مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ}**[(١)]: (من نمی‌خواهم در آنچه شما را از آن باز می‌دارم با شما مخالفت کنم -و خود مرتکب آن شوم-، من قصدی جز اصلاح -جامعه- تا آنجا که بتوانم ندارم، و توفیق من جز به -یاری- الله نیست، بر او توکّل کرده‌ام و به سوی او باز می‌گردم).

---

(١) هود : ٨٨.

بعضی از خواهران زمانی که دوره ماهیانه دارند دست از ذکر کردن و تلاوت قرآن بر می‌دارند در صورتی که هیچ آیه و حدیثی نداریم که او را منع کند، و اذکار خواب و صبحگاه و شامگاه که شامل معوذات و دیگر سوره‌های قرآن است برای همه مسلمانان می‌باشد و دلیل صحیحی نداریم که زنی که عذر شرعی دارد حق تلاوت آن آیات و خواندن آن اذکار را ندارد؛ بلکه نیاز زن به اذکار در این حالتی که اعصابی آشفته دارد بیشتر از زمانی دیگر است تا با آن آیات و اذکار تسکین و آرامش یابد؛ **{أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ}**[1]: (آگاه باشید که دل ها فقط به یاد الله آرام می گیرد).

۵- عنادت و لجاجت.

الله ﷻ می‌فرماید: **{وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ}**[2]: (و هنگامی که به فرشتگان گفتیم: به آدم سجده کنید، پس سجده کردند مگر ابلیس که سر پیچید و تکبُّر ورزید و از کافران شد).

همه می‌دانیم که غیبت و دروغ و تهمت زدن و دیگر گناهان حرام است؛ ولی زمانی که زنی از خواهر شوهر خود جلو شوهرش بدگویی می‌کند و شوهر به او تذکر می‌دهد که ای همسر غیبت نکن ولی اصرار و استکبار می‌ورزد اینجاست که اختلافات شدت می‌گیرد و شاید منجر به طلاق نیز گردد.

جایی شوهر بر همسر خود پافشاری می‌کند که باید با مادر یا خواهرم زندگی کنی، در صورتی که توان مالی دارد که منزلی دیگر بگیرد.

---

(۱) رعد : ۲۸.

(۲) بقره : ۳۴.

گاهی با وجود این که شوهر توان مالی ندارد همسرش لجاجت می‌کند که من منزلی مستقل می‌خواهم.

اینها فقط نوعی از لجاجت و عنادت و پافشاری‌هایی است که زن مرد در زندگی دارند و با وجود اشتباه بودن تصمیم و رأی هر کدام از زن و مرد حاضر به کوتاه آمدن نیستند چنان چه ابلیس با وجود این که می‌دانست نباید روی دستور الهی حرفی بزند پافشاری کرد و گفت به آدم ﷺ سجده نمی‌کنم.

۶- دخالت.

دخالت کردن مادر و پدر و خواهر و برادر و خاله و عمه و عمو و دیگر افراد در زندگی از شایعترین انواع اختلافات است.

جایی دخالت در نوع پوشش و رنگ و مدل آن است، و خیلی راحت فرد در ذوق بانوی منزل زده که تو سلقیه نداری؟! و جایی در طبخ و نوع غذا یا چیدمان منزل و دیگر اختلاف سلیقه‌ها و نظرها که شاید پدر و فرزند نیز در آن مورد با یکدیگر هم نظر نباشند.

پدر و مادری دختر خود را امر و نهی می‌کنند و پدر و مادری دیگر پسر خود را امر و نهی می‌کنند؛ در این گونه زندگی‌ای آیا تفاهم امکان پذیر است؟!

آری امکان دارد ولی با صبر و حوصله و حکمت و گذر زمان؛ زن به عنوان بانوی منزل اقتدار خود را جلو خانواده نشان داده و حتی نمی‌گذارد کسی از او آهی بشنود و همیشه سنگ شوهرش را جلو خانواده به سینه می‌زند، و مرد به عنوان سرپرست منزل مردانگی و اقتدار خود را نشان داده و نمی‌گذارد کسی از همسرش

به بدی یاد کند زیرا مسئول و سرپرست اوست و مادر فرزندش می‌باشد و حرمت مادران بالا و والاست.

دخالت سبب می‌شود پایه و ستون‌های منزل سست شوند؛ به جای این که همدرد یک خانواده باشیم و به آنها کمک و راهنمایی کنیم تا آن خانواده محکم و استوار بماند تیشه به ریشه آنان می‌زنیم.

به جای این که میان افراد خانواده صلح و آشتی بر قرار کنیم با خبرچینی و نمامی و بدگویی خصومت و دشمنی را به آنان هدیه می‌کنیم.

الله ﷻ می‌فرماید: **{وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَن يَنكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُم بِالْمَعْرُوفِ ذَٰلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَن كَانَ مِنكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَٰلِكُمْ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَأَطْهَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ}**[۱]: (و زمانی که زنان را طلاق دادید، و به پایان عدّه خود رسیدند، آنان را از ازدواج با شوهران سابق خود در صورتی که میان خودشان به روشی شایسته و متعارف توافق کنند باز مدارید. با این –حکم– کسانی از شما که به الله و روز قیامت ایمان دارند، پند داده می‌شوند. این برای شما سودمندتر و پاکیزه‌تر است؛ و الله –مصالح شما را در همه امور– می داند وشما نمی دانید).

سبب نزول این آیه چنین یاد شده که یکی از یاران رسول الله ﷺ به نام معقل‌بن‌یسار رضی الله عنه زمانی که یکی از صحابه رضی الله عنه خواهرش را طلاق می‌دهد مانع بازگشت او به شوهرش می‌شود، در صورتی که زن و مرد به اشتباه خود پی برده

(۱) بقره : ۲۳۲.

بودند و قصد داشتند به زندگی دوباره با هم برگردند، ولی معقل ﷛ با دخالت خود ممانعت می‌کرد تا زمانی که این آیه نازل شد، سپس وی نزد رسول الله ﷺ آمد و از بازگشت آن زن و مرد صحابی به زندگی مجدد خود اعلان رضایت کرد[۱].

پس تا جایی که می‌توانیم برای دیگران قدم خیر بر داریم و کدورت‌ها و دشمنی‌ها را تبدیل به صمیمیت و دوستی و صلح کنیم و پیوند میان افراد را محکم سازیم و عامل تفرقه و جدایی را ریشه کن کنیم، و بدانیم که اصلاح میان افراد ثواب بسیاری دارد، چنان چه رسول الله ﷺ می‌فرمایند: ((**أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلَ مِنْ دَرَجَةِ الصِّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَالصَّدَقَةِ؟ قَالُوا: بَلَى، قَالَ: صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ فَإِنَّ فَسَادَ ذَاتِ الْبَيْنِ هِيَ الْحَالِقَةُ**))[۲]: (آیا شما را به کاری راهنمایی نسازم که پاداش آن از روزه و نماز و صدقه بیشتر است؟ صحابه گفتند: آری؛ -رسول‌الله ﷺ فرموند: آن کار اصلاح کردن میان افراد است زیرا خراب و فاسد کردن میان افراد حسنات را می‌تراشد و پاک می‌کند).

---

(۱) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۴۷۶۲.

(۲) مسلم در کتاب صحیحش، شماره ۴۰۶۵.

بیماری های روانی



بیماری‌های روانی:

عوامل اختلافات در زندگی متنوع هستند؛ جایی منشأ اختلافات بیرونی و خارجی بوده همانند: ظلم و دخالت افراد در زندگی فرد؛ و جایی نیز منشأ داخلی و درونی دارد همانند بیماری‌های روانی از جمله: بی‌عاطفه بودن، کج فهمی، وسواس داشتن و بی‌رحمی و ظلم.

۱- عدم اهمیت به احساسات و عواطف.

فرد بادیه نشینی نزد رسول الله ﷺ آمد و گفت: ما کودکان را نمی بوسیم، آیا شما می‌بوسید؟، رسول الله ﷺ فرمودند: ((**أَوَأَمْلِكُ لَكَ أَنْ نَزَعَ اللَّهُ مِنْ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ**))[۱]: (وقتی الله رحمت را از قلبت بیرون آورده است، چه کاری من می‌توانم برایت انجام دهم؟).

بوسیدن وسیله‌ای برای ابراز احساسات و عواطف است که دلالت دارد بر این که صاحبش قلبی سالم دارد بر خلاف کسی که قلب بیمار و مرده‌ای دارد که ریشه عاطفه در آن خشک شده است.

الله ﷻ می‌فرماید: {**وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً**}[۲]: (و از نشانه‌های -قدرت و ربوبیت- او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد).

---

(۱) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۵۵۶۸.

(۲) روم : ۲۱.

چنان چه در این آیه بیان شده یکی از اهداف تشکیل خانواده ایجاد دوستی و مودت بین آنهاست و بروز احساسات و عواطف و محبت در گفتار و رفتار سبب می‌شود پیوندها محکم‌تر و رابطه‌ها قوی‌تر شوند و افراد خانواده از کنار هم بودن لذت ببرند و احساس خوشبختی و سعادت کنند.

۲- کج فهمی و منفی گری و بدبینی و برداشت‌های نادرست.

الله ﷻ می‌فرماید: **{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ}**[۱]: (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است، و جاسوسی مکنید، و بعضی از شما غیبت بعضی نکند؛ آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ بی‌تردید از آن کراهت و نفرت دارید. پس تقوای الهی پیشه کنید، که الله توبه‌پذیر مهربان است).

سوء ظن و بدینی و گمان‌های ناروا یک بیماری است که باید درمان شود؛ و بهترین درمان آن ترس و تقوای الهی و رقیه و درمان با قرآن است.

بدبینی‌ها در خیلی از موارد سبب شکاکی و تجسس و پی‌جویی می‌شود؛ در نتیجه درهای غیبت و تهمت باز شده و گوشت برادر خود را نیش جان[۲] می‌کنیم.

بعضی از مردان خودشان موجب بدبینی همسران خود هستند به طوری که

---

(۱) حجرات : ۱۲.

(۲) بی‌تردید کسی که گوشت برادر خود را می‌خورد نوش جان نکرده است بلکه نیش و زهری بوده که روح و تن خود را با آن آلوده ساخته است.

هنگامی که از منزل بیرون می‌روند برای همسران خود جاسوسی می‌کنند و تمامی روی‌دادها را منعکس می‌کنند حتی با کی و کجا بودند و چه حرف‌هایی زدند.

حتی بعضی از مردان گزارش دقیق مالی‌شان را به همسران خود انتقال می‌دهند؛ هرچند هدف آنان رفع اتهام و بدبینی است ولی بر خلاف میل آنان این کار آزادی و اختیار را از آنان گرفته و تبدیل به اسیر و بازیچه‌ای در دست همسران می‌کند، تا جایی که این کار آن مرد را تبدیل به یک انسان سست و افسرده کرده که خود همسر به خاطر عدم لمس مردانگی و جسارت از او متنفر می‌شود.

جایی به علت برداشت منفی و بد مرد یا بدبینی‌اش زن مظلوم واقع می‌گردد؛ چون مرد احساس می‌کند همسر او عوض شده یا خواسته‌ای دارد که بر خلاف میل اوست به همسر خود تهمت می‌زند که مقصر مادر یا خواهرت است، در نتیجه او را از تردد با خانوده‌اش محرم می‌سازد.

اینها فقط نمونه‌ای از عواقب و آثار بد گناهانی است که الله ﷻ ما را از آن منع کرده و هشدار داده است.

روزی ام المؤمنین عایشه ؓ آهی از سردرد می‌کشند و رسول الله ﷺ می‌فرمایند: (اگر آن باشد –یعنی برای تو اتفاقی بیفتد و بمیری– و من زنده باشم برای تو طلب مغفرت و دعا می‌کنم)؛ ام المؤمنین عایشه ؓ گفت: ای وای!، سوگند به الله که گمان می‌برم تو مرگ مرا دوست داری، و اگر من بمیرم آخر همان روز با بعضی از همسرانت هم‌خوابی می‌کنی؛ رسول الله ﷺ فرمودند: (وای سردرد من بیشتر است، همانا تصمیم گرفته بودم شخصی را نزد ابوبکر و پسرش بفرستم و وصیت کنم تا مبادا کسی چیزی بگوید و یا آرزویی –برای خلافت– در سر

بپروراند. سپس با خود گفتم: الله ﷻ به جز این، چیز دیگری را نمی‌پذیرد. و مؤمنین هم ب جز این، چیز دیگری را قبول نمی‌کنند)[1].

این حدیث مثالی بر برداشت اشتباه و نادرست است؛ رسول الله ﷺ در مرض وفات بودند و از سردرد می‌نالیدند و ام المؤمنین عایشه ل نیز سردرد داشتند و زمانی که رسول الله ﷺ بیان نمودند که اگر تو قبل از من مردی برایت دعا می‌کنم، ام المؤمنین عایشه ل گمان می‌برد که رسول الله ﷺ منتظر مرگ اوست تا با دیگر همسران خود راحت باشد؛ در صورتی که رسول الله ﷺ خواستند با سخنان خود او را دلداری دهند.

۳- وسواس داشتن.

الله ﷻ می‌فرماید: **{قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (١) مَلِكِ النَّاسِ (٢) إِلَهِ النَّاسِ (٣) مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (٤) الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (٥) مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (٦)}**[2]: (بگو: پناه می‌برم به پروردگار مردم (١) به مالک و حاکم مردم (٢) —به- معبود مردم (٣) از زیان و شر وسوسه‌گر کمین گرفته و پنهان (٤) آن کس که در سینه‌های مردم وسوسه می‌کند (٥) از جنّیان و آدمیان (٦)).

وسواسی نیز همچون شکاکی و بدبینی یک بیماری و مرض است که باید درمان شود؛ و بهترین درمان آن ترس و تقوای الهی و رقیه و درمان با قرآن است.

جایی وسوسه الهامی از سوی شیطان برای انجام دادن کار زشت و بد است و جایی نیز از سوی دوست بد از جنس خودمان است.

---

(١) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۵۲۶۳.

(٢) ناس : ١-۶.

به عنوان مثال: فردی در وضو گرفتن وسواس دارد به طوری که هر عضوی را شاید ده بار بشوید در صورتی که این کار خلاف سنت و اسراف و زیاده‌روی در انجام عبادت و مصرف آب است؛ به همین صورت در زندگی روزمره همچون شستن ظرف و لباس و تمیزی منزل و دستشویی و حمام و دیگر موارد.

تصور کنیم زنی به علت وسواسی در حمام یا آشپزخانه ساعت‌ها بماند چگونه می‌تواند حق شوهر و فرزند را ادا کند؟؛ یا نسبت به بیرون روفتن شوهر یا فرزند اضطراب و وسواس داشته باشد که شاید حادثه‌ای برای آنان رخ دهد یا شوهر ازدواج مجدد کند؛ این چنین افرادی از زن و مرد خواب و قرار ندارند و از پزشکی به پزشک دیگر مراجعه می‌کنند و ده‌ها داروی اعصاب و معده مصرف می‌کنند تا آرامش پیدا کنند؛ ولی اثر این داروها موقت هستند و مادامی که فرد نتواند فکر و ذهن خود را اصلاح و درست کند و در زندگی توکل و اعتماد به الله ﷻ داشته باشد باید تا عمر دارد با این بیماری دست و پنجه نرم کند.

فردی که خود در چنین حالت بحرانی قرار دارد همه را با خود اسیر این درد می‌کند؛ شوهر یا فرزندی که برای امرار معاش یا سرگرمی پا از منزل بیرون می‌گذارند تماس‌ها و پیام‌ها شروع می‌شود و به جای این که کاری از پیش ببرند پس می‌مانند و با کوله‌باری از عصبانیت و خشم به منزل بر می‌گردند.

۴- بی رحمی، ظلم، ستم و پایمال کردن حقوق.

رسول الله ﷺ می‌فرمایند: ((**إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ، وَإِنَّهُ يَأْتِينِي الْخَصْمُ، فَلَعَلَّ بَعْضَكُمْ أَنْ يَكُونَ أَبْلَغَ مِنْ بَعْضٍ، فَأَحْسِبُ أَنَّهُ صَدَقَ، فَأَقْضِيَ لَهُ بِذَلِكَ، فَمَنْ قَضَيْتُ لَهُ بِحَقِّ مُسْلِمٍ،**

فَإِنَّمَا هِيَ قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ فَلْيَأْخُذْهَا أَوْ فَلْيَتْرُكْهَا))[1]: (من هم انسان هستم، و شکایت کننده –برای داوری– نزد من می‌آید، شاید یکی از شما در آوردن دلیل قوی‌تر از دیگری باشد و بر همین اساس من او را راستگو بپندارم و به نفع او حکم صادر کنم؛ پس اگر برای کسی بر اساس دلایل ظاهری به حقی حکم نمودم که متعلق به برادر مسلمان اوست، بداند که آن پاره‌ای از آتش جهنم است که به او داده‌ام، حال اگر خواست آن را بردارد و اگر خواست آن را رها کند)).

هرکس به ناحق حق کسی را پایمال کند برای خودش قطعه‌ای از جهنم و دوزخ را مهیا ساخته است.

مظلوم اندیشی مرض بدی است که سبب می‌شود فرد برای دفع ظلم از خودش دست به هر کاری بزند؛ ما خیلی کم خود را مقصر می‌دانیم و بیشتر تقصیرات را گردن دیگران می‌اندازیم و این خود سبب می‌شود آن مظلوم تبدیل به یک ظالم مستبد شود.

زن چون احساس می‌کند شوهرش به او کم توجه است مقصر را خواهر یا مادر شوهرش می‌داند و در نتیجه تلاش می‌کند تا میان آنها با اشک و گریه یا خشونت و گاهی چرب زبانی فاصله بیندازد.

مرد در این گونه موارد که قبلا از آن به عنوان اشک تمساح یاد شد باید زیرک باشد و به ناحق در پایمال شدن حق کسی همکاری نکند.

جایی خصوصا در زندگی چند همسری شیطان زن را وسوسه می‌کند که

---

(۱) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۲۲۹۱.

شوهرت فلانی را بیشتر از تو دوست دارد و جلو چشمانش آن موردی که دلالت بر دوست داشتن بیشتر داشته باشد را پررنگ می‌کند و این خود باعث می‌شود که زن خود را مظلوم ببیند.

به عنوان مثال: رسول الله ﷺ پس از وفات همسرش خدیجه رضي الله عنها به یاد همسرش سر به دوستان او می‌زند و برای آنها با خود هدیه می‌برد.

زمانی که ام المؤمنین عایشه رضي الله عنها این امر را ملاحظه می‌کند به غیرتش بر می‌خورد و به رسول الله ﷺ می‌گوید: (مثل این که زنی در این دنیا جز خدیجه وجود نداشت)، رسول الله ﷺ نیز از این سخن ناراحت شده و او را سرزنش می‌کند و می‌فرماید: ((**إِنَّهَا كَانَتْ وَكَانَتْ وَكَانَ لِي مِنْهَا وَلَدٌ**))[1]: (خدیجه چنین و چنان بود –یعنی از خوبی‌هایش یاد می‌کرد– و من از او نیز فرزند داشتم).

بر خلاف تصور و واقع امروزی رسول الله ﷺ در این جا با قاطعیت برخورد کرده و همسرش عایشه رضي الله عنها را نکوهش می‌کند که چرا در مقابل همسری که این قدر خوبی داشته به غیرتش برخورده است؛ در صورتی که مردان امروز برای این که همسر خود را راضی نگهدارند شروع به بدگویی طرف مقابل می‌کنند و طوری وانمود می‌نمایند که جز او کسی دیگر جایی در قلبشان ندارد.

در روایت دیگری نیز آمده که رسول الله رضي الله عنها به همسرش عایشه رضي الله عنها می‌فرماید: ((**إِنِّي قَدْ رُزِقْتُ حُبَّهَا**))[2]: (الله محبتش را روزی من کرده است).

---

(۱) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۳۵۵۹.

(۲) مسلم در کتاب صحیحش، شماره ۴۴۷۱.

راه این که جایی برای محبت در قلب کسی باز کنیم خود شیرینی نیست، بلکه محبت چنان چه در این حدیث بیان شده یک روزی از طرف الله ﷻ است.

انسان با طاعت و عبادت می‌تواند به رضایت و محبت الهی برسد؛ چنان چه رسول الله ﷺ می‌فرماید: ((**إِنَّ اللَّهَ قَالَ: مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ، وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ، وَمَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّى أُحِبَّهُ، فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ، وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا، وَرِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا، وَإِنْ سَأَلَنِي لَأُعْطِيَنَّهُ، وَلَئِنْ اسْتَعَاذَنِي لَأُعِيذَنَّهُ**))[۱]: (الله متعال می‌فرماید: هرکس با دوستان من دشمنی کند، من با او اعلام جنگ می‌نمایم. و بنده‌ام با هیچ چیز محبوبی نزد من به اندازه انجام آنچه که بر او فرض قرار داده‌ام، به من نزدیک نمی‌شود. و همچنان با انجام نوافل به من تقرب می‌جوید تا این که محبوب من قرار می‌گیرد. پس هنگامی که مورد محبتم قرار گرفت، من گوش، چشم، دست و پایش می‌شوم که به وسیله آنها می‌شنود و می‌بیند و می‌گیرد و راه می‌رود[۲]. و اگر از من طلب کند، به او عطا می‌کنم و اگر پناه بخواهد، او را پناه می‌دهم).

---

(۱) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۶۰۵۰.

(۲) مقصود از: (هنگامی که مورد محبتم قرار گرفت، من گوش، چشم، دست و پایش می‌شوم که به وسیله آنها می‌شنود و می‌بیند و می‌گیرد و راه می‌رود) این است که: الله ﷻ در شنیدن و دیدن و گرفتن و راه رفتن بنده‌اش توفیق درست و صحیح بودن قرار می‌دهد تا در اعمالش اخلاص داشته و از وحی الهی پیروی کرده باشد تا مورد قبولیت درگاه الهی واقع گردد؛ و بدون شک مقصود از چشم یا گوش بنده شدن کنایه از توفیق است زیرا سخنان رسول الله ﷺ در حدیث پیرامون خالق و مخلوق و عمل و معمول است که با هم یکی نیستند و نمی‌شوند، یعنی بنده چنان عملی برای معبود و خالق خود انجام می‌دهد که محبوب او می‌گردد و از باب پاداش الله ﷻ او را از لغزش در اعمالش نجات می‌دهد.

هرگاه نیز بنده به محبت الهی رسید، الله ﷻ محبت او را در قلب‌های کسانی که روی زمین هستند قرار می‌دهد.

رسول الله ﷺ می‌فرماید: ((**إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ الْعَبْدَ نَادَى جِبْرِيلَ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ فُلَانًا فَأَحْبِبْهُ فَيُحِبُّهُ جِبْرِيلُ ، فَيُنَادِي جِبْرِيلُ فِي أَهْلِ السَّمَاءِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ فُلَانًا فَأَحِبُّوهُ فَيُحِبُّهُ أَهْلُ السَّمَاءِ، ثُمَّ يُوضَعُ لَهُ الْقَبُولُ فِي الْأَرْضِ**))[1]: (هرگاه، الله متعال بنده‌ای را دوست داشته باشد، به جبرئیل ندا می‌دهد که الله فلانی را دوست دارد تو نیز او را دوست بدار. پس جبرئیل او را دوست می‌دارد؛ سپس جبرئیل به اهل آسمان ندا می‌دهد که الله فلانی را دوست دارد، شما نیز او را دوست بدارید. پس اهل آسمان هم او را دوست می‌دارند. سپس مقبولیت و محبوبیت او بر روی زمین گذاشته می‌شود).

در روایتی: ((**وَإِذَا أَبْغَضَ عَبْدًا دَعَا جِبْرِيلَ، فَيَقُولُ: إِنِّي أُبْغِضُ فُلَانًا فَأَبْغِضْهُ، قَالَ : فَيُبْغِضُهُ جِبْرِيلُ، ثُمَّ يُنَادِي فِي أَهْلِ السَّمَاءِ إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ فُلَانًا فَأَبْغِضُوهُ، قَالَ: فَيُبْغِضُونَهُ ثُمَّ تُوضَعُ لَهُ الْبَغْضَاءُ فِي الْأَرْضِ**))[2]: (و هر گاه الله متعال از بنده‌ای منفور گشت، جبرئیل را ندا زده و می‌فرماید: من فلان بنده را بغض دارم تو هم او را بغض بدار! پس جبرئیل نیز بغض او را پیدا می‌کند؛ سپس جبرئیل در میان اهل آسمان ندا می‌دهد که الله فلانی را بغض دارد، شما هم او را مبغوض بدارید! آن‌گاه بغض و نفرت او در زمین قرار می‌گیرد).

پس هر عملی ما انجام می‌دهیم باید خالصانه به درگاه الهی انجام دهیم و پاداش اعمال خود را از الله ﷻ بخواهیم نه این که تعیین کنیم چون چنین خوبی‌ای

---

(۱) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۲۹۸۹.

(۲) مسلم در کتاب صحیحش، شماره ۴۷۷۹.

کردیم باید پاداش ما چنان باشد.

همچنین تلاش ما برای این که کسی را در چشم کسی کوچک کنیم عاقبت بد آن کار به خودمان بر می‌گردد و خودمان کوچک می‌شویم؛ و اگر کسی را دیدیم که پیش کسی عزیز و محبوب است به او حسادت نورزیم زیرا این محبت روزی‌ای از سوی آفریدگار جهانیان است و نباید به خود اجازه دهیم بر خالق خود اعتراض وارد کنیم.

ویران‌گرهای زندگی



ویران‌گرهای زندگی:

اسباب طلاق و جدایی در زندگی زیاد هستند، و مهمترین آنها: خشم، انتقام، مقارنه و عدم قناعت است.

بیماری‌های روانی را شاید بتوان تحمل کرد ولی اگر حس انتقام جویی و خشم انسان سرکش شد دیگر جز ویرانی نباید منتظر چیز دیگری بود.

۱- خشم و عصبانیت.

الله ﷻ می‌فرماید: **{الَّذِينَ يُنفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ}**[(۱)]: (آنان که در گشایش و تنگ دستی انفاق می کنند، و خشم خود را فرو می برند، و از –خطاهایِ– مردم در می گذرند؛ و الله نیکوکاران را دوست دارد).

از صفات پرهیزگاران که در این آیه یاد شده کسانی هستند که خشم خود را فرو برده و در مقابل اشتباهات دیگران گذشت می‌کنند.

پس کسی که نتواند خشم و عصبانیت خود را مدیریت کند باید به تقوا و پرهیزگاری‌اش مراجعه کند، و دنبال راهکاری برای قوی سازی ایمانش باشد.

رسول الله ﷺ می‌فرمایند: ((**لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرَعَةِ، إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ**))[(۲)]: (پهلوان کسی نیست که شخصی را به زمین بزند، بلکه پهلوان

---

(۱) آل عمران : ۱۳۴.

(۲) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۵۶۷۸ و مسلم، شماره ۴۷۳۰.

کسی است که هنگام خشم، بر خود مسلط و خویشتندار باشد).

براء بن عازب رضی الله عنه می‌گوید: به رسول الله صلی الله علیه وسلم گفتم به من عملی بیاموز که مرا وارد بهشت کند، فرمودند: ((**لا تَغْضَبْ وَلَكَ الْجَنَّةُ**))[1]: (عصبانی و خشمگین مشو، که برای تو بهشت است).

زیستن با فرد عصبانی و خشمگین بسیار دشوار می‌باشد، زیرا هر فردی برای خودش احترام و کرامتی قائل است که نمی‌تواند تحمل کند کسی به او توهین و تحقیر نماید؛ و فرد عصبی با قلدری و خشم خود این کرامت و احترام را لگدمال می‌کند.

ای برادر به یاد داشته باش که فرو برن خشم و خاموش کردن آتش قهر عبادتی است که پاداش بزرگی دارد؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرمایند: ((**مَنْ كَظَمَ غَيْظًا وَهُوَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يُنَفِّذَهُ دَعَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى رُءُوسِ الْخَلَائِقِ حَتَّى يُخَيِّرَهُ فِي أَيِّ الْحُورِ شَاءَ**))[2]: (هر کس خشم خود را فرو خورد، در حالی که می‌تواند آن را عملی سازد و انتقامش را بگیرد، الله متعال او را در روز قیامت در انظار تمام مردم دعوت می‌کند تا آن چه از حور عین –زنان بهشتی– می‌خواهد، انتخاب کند).

عواملی که باعث خشم انسان می‌گردد زیاد هستند؛ گاهی روان و دل انسان آزرده می‌شود و در نتیجه آتش خشم در درون فرد شعله‌ور می‌شود؛ و گاهی جسم و تن فرد بی‌خوابی کشیده و نیاز به استراحت دارد، و به طور طبیعی زمانی که کاری بیش از توان جسم از او بکشیم دیگر توان مدیریت اعصاب خود را نخواهد داشت،

---

(۱) صحیح. طبرانی در معجم الاوسط، شماره ۲۴۱۱.

(۲) ترمذی در کتاب سننش، شماره ۱۹۴۰.

و همچنین زمانی که میل و رغبت جنسی بالا می‌رود دیگر خواب و قرار از فرد گرفته می‌شود و مثل شتر مستی که خود را به در و دیوار می‌زند تحمل شنیدن را از دست می‌دهد و اگر در آن حالت کسی مقابلش بایستد یا انتقادی کند دیگر حتی خودش را فراموش می‌کند و شاید در آن حالت خود را از پرت‌گاهی نیز بیاندازد.

مشکلات با عصبانیت و تند خویی درمان نمی‌شود، بلکه خشونت و عصبانیت و پرخاش کردن چیزی جز پشیمانی به همراه ندارد؛ زیرا همان طور که قبلا گفته شد ظرف شکسته هر قدر هم با چسب قطعه‌های آن را به هم بچسبانیم دیگر به حالت اول بر نمی‌گردد.

سلیمان بن صُرَد رضي الله عنه گوید: با رسول الله ﷺ نشسته بودم دو نفر به یکدیگر دشنام می‌دادند. چهره یکی از آنها قرمز شده و رگ‌های گردنش بیرون آمده بود، رسول الله ﷺ فرمودند: ((**إِنِّي لَأَعْلَمُ كَلِمَةً لَوْ قَالَهَا ذَهَبَ عَنْهُ مَا يَجِدُ لَوْ، قَالَ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ ذَهَبَ عَنْهُ مَا يَجِدُ، فَقَالُوا: لَهُ إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: تَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ، فَقَالَ: وَهَلْ بِي جُنُونٌ**))[1]: (کلمه‌ای می‌دانم که اگر آن مرد آن را بگوید آن حالت او از بین می‌رود، اگر بگوید: **أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ** -پناه می‌برم به الله از شیطان- خشم او برطرف می‌شود؛ اصحاب به -آن فرد که خشمگین بود- گفتند: رسول‌الله ﷺ می‌فرماید: به الله از شیطان پناه ببر؛ آن فرد گفت: مگر دیوانه شده‌ام - که چنین بگویم-).

(۱) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۳۰۶۰.

۲- انتقام و عقوبت.

الله ﷻ می‌فرماید: **{الَّذِينَ يُنفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ}**[۱]: (آنان که در گشایش و تنگ دستی انفاق می کنند، و خشم خود را فرو می برند، و از –خطاهایِ– مردم در می گذرند؛ و الله نیکوکاران را دوست دارد).

پرهیزگار آن نیست که فقط خشم خود را فرو می‌برد بلکه در مقابل اشتباهات دیگران گذشت نیز می‌کند و انتقام نمی‌گیرد.

الله ﷻ می‌فرماید: **{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَّكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِن تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ}**[۲]: (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در حقیقت برخی از همسران شما و فرزندان شما دشمن شما هستند، از آنان بر حذر باشید، و اگر ببخشایید و چشم بپوشید و درگذرید، به راستی الله آمرزنده مهربان است).

جایی انسان احساس می‌کند که همسر یا فرزندش دلسوز او نیستند و درکش نمی‌کنند بلکه با خواسته‌های خود با او دشمنی و ستیز دارند؛ خصوصا زمانی که مرد مشکل مالی دارد و هزینه‌های سنگین زندگی را به دوش می‌کشد و همسر و فرزند مراعات حال او را نمی‌کنند، اینجاست که مرد برای دفاع یا نجات خود با آنان برخورد انتقام جویانه می‌کند؛ ولی بدون شک بخشیدن و چشم پوشی و گذشت بهترین راه حل است.

---

(۱) آل عمران : ۱۳۴.

(۲) تغابن : ۱۴.

هرچند میان انتقام و تنبیه تفاوت زیادی است؛ و همان طور که مرد عصبانی می‌شود و انتقام می‌گیرد زن نیز زمانی که به غیرتش بر می‌خورد دست به انتقام می‌زند؛ چنان چه قبلا یاد شد رسول الله ﷺ در سفری که از آخرین حج خود بر می‌گشت پاهای شتر همسرش صفیه شکسته می‌شود، و به زینب دختر جحش فرمود که یکی از شتران خودش را به خواهرش صفیه قرض دهد، زینب با لحنی تند گفت: به آن یهودی زاده قرض دهم!؟؛ رسول الله ﷺ از این پاسخ زینب سخت ناراحت و خشمگین شده و چندین ماه او را هجر و ترک کردند[1].

درمان این غیرتی که به جایش نبوده و در کنارش توهین و تحقیر نیز استفاده شده انتقام نیست بلکه تنبیهی است که درسی برای ایشان و دیگر زنان باشد که رضایت الله ﷻ را در کردار و رفتار و گفتار خود در نظر بگیرند و بنده‌ای را تحقیر نکنند و برادر و خواهری ایمانی خود را حفظ کنند؛ الله ﷻ می‌فرماید: **{إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ}**[2]: (در حقیقت مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادرانتان را سازش و صلح دهید و از الله پروا بدارید، امید که مورد رحمت قرار گیرید).

بی‌شک تنبیه رسول الله ﷺ برای این نبود که برای خودش انتقام بگیرد و ناراحت شود؛ بلکه چنان ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها می‌گوید: رسول الله ﷺ زمانی ناراحت و خشمگین می‌شدند که فردی مرتکب فعل حرامی می‌شد[3]؛ و این مسأله

(۱) صحیح. امام احمد در کتاب مسندش، شماره ۲۶۲۴۷.

(۲) حجرات : ۱۰.

(۳) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۶۳۱۸.

در سیرت رسول الله ﷺ واضح و نمایان است، خصوصا زمانی که بعد از ده سال مکه را فتح می‌کنند و مشرکین پس از آن اسلام می‌آورند تمامی آنان را با وجود این که سال‌ها از دست آنان شکنجه و آزار دیده بودند بخشیدند.

عبرت‌ها در قصه‌ای که برای ام‌المؤمنین زینب همسر رسول‌الله ﷺ پیش آمد زیاد است؛ خصوصا عدم پافشاری بر اشتباه از طرف ایشان و پشیمانی در مقابل این رفتاری که سبب شد همسرش رسول الله ﷺ ناراحت شوند؛ به همین علت بعد از آشتی با رسول الله ﷺ تا جایی که توان داشت از خوشحالی مال خود را انفاق کرد.

۳- مقارنه و قیاس؛ نکوهش و سرزنش.

الله ﷻ می‌فرماید: **{قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ}**[1]: (-زمانی که الله ﷻ به ابلیس-فرمود: چون تو را به سجده امر کردم چه چیز تو را باز داشت از این که سجده کنی؟ -ابلیس- گفت: من از او بهترم، مرا از آتشی آفریدی و او را از گِل آفریدی).

زمانی که زنی خود را با زن دیگری و مردی خود را با مرد دیگری مقارنه می‌کند قلب بی‌قرار می‌گردد و چراهای علت یابی ذهنش را درگیر می‌کند و از خود و زندگی‌اش بیزار می‌گردد و طلاق و جدایی و ناآرامی را بر آرامش و سکونت و استقرار ترجیح می‌دهد؛ من چه چیزی کمتر دارم؟، چرا به او بیشتر اهمیت می‌دهند؟، چرا او را بیشتر دوست دارند؟، چرا او زیباتر است؟، چرا زندگی او بهتر است؟، و چراهای دیگر که ویران‌گر خوشی‌ها و لذت‌ها هستند.

---

(۱) اعراف : ۱۲.

ابلیس تاوان تکبر و غرور و قیاس را بد پس داد؛ زمانی که خود را برتر و بهتر از آدم علیه السلام دانست و پاسخی برای چرای درون خودش نیافت که چرا همه به آدم سجده کنند ولی به من نه؟ در صورتی که جنسی که من از آن آفریده شده‌ام آتش بوده و آتش نیز از گل بهتر است از دستور الهی سرکشی کرد و از درگاهش رانده شد.

خود بزرگ بینی و احساس کمال و تحقیر و کوچک شمردن دیگران چه در مال و چه در جاه و مقام و منزلت، انسان و زندگی‌اش را نابود و ویران می‌کند.

ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها از محبت رسول الله صلی الله علیه و سلم نسبت به همسرش ام‌المؤمنین صفیه رضی الله عنها در شگفت بود و به همین علت سخنی بر زبان آورد و گفت: صفیه کوتاه قامت است؛ رسول الله صلی الله علیه و سلم از سخن ایشان رنجیده می‌شوند و می‌فرمایند: ((**لَقَدْ مَزَجْتِ بِكَلِمَةٍ لَوْ مَزَجْتِ بِهَا مَاءَ الْبَحْرِ لَمُزِجَ**))[1]: (همانا سخنی را بر زبان آوردی که اگر با آب دریا آمیخته شود، آن را گندیده می‌کند).

کوتاه بودن قد و قامت انسان و زشت یا زیبا بودن و بی‌پول و پولدار بودن آن دست خود فرد نیست، بلکه آفریدگار یکتاست که هر فردی را روزی‌ای می‌دهد؛ و ناپسند شمردن آفرینشی از آفریدگار اعتراضی بر پروردگاری اوست؛ برای همین بود که رسول الله صلی الله علیه و سلم سخن ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها را نکوهش کرده و فرمودند: (همانا سخنی را بر زبان آوردی که اگر با آب دریا آمیخته شود، آن را گندیده می‌کند).

---

(۱) صحیح. ترمذی در کتاب سننش، شماره ۲۴۳۹.

هرچند اگر فردی ما را مورد تمسخر قرار داد نباید برنجیم، زیرا آن فرد دچار گناه بزرگی شده که باید تاوانش را در دنیا و آخرت پس دهد و قبل از این که از ما عیب‌جویی کند پروردگار یکتا را با اعتراضش از خود ناراضی ساخته است؛ و در این موارد اگر عیبی در خود دیدیم باید بدانیم که خوشبختی و سعادت در چقدر و چه چیز داشتن نیست بلکه در چقدر لذت بردن از داشته‌هاست، و نباید نسبت به نداشتن‌ها حسرت و غبطه خورد و کسی را ملامت کرد.

به همین دلیل در روایتی رسول الله ﷺ به همسرش ام‌المؤمنین صفیه رضی الله عنها می‌فرمایند: ((**إِنَّكِ ابْنَةُ نَبِيٍّ، وَإِنَّ عَمَّكِ لَنَبِيٌّ، وَإِنَّكِ لَتَحْتَ نَبِيٍّ، فَفِيمَ تَفْخَرُ عَلَيْكِ؟**))[1]: (همانا تو دختر پیامبری هستی، و عمویت نیز پیامبر بوده، و شوهرت هم پیامبر است؛ پس به چه چیز خود می‌نازد و افتخار می‌کند؟).

مقصود رسول الله ﷺ از این که ام‌المؤمنین صفیه رضی الله عنها دختر پیامبری است این بوده که ایشان از نوادگان موسی علیه السلام بوده و به همین ترتیب عموی ایشان نیز هارون علیه السلام می‌باشد و نیز در ذمت همسری خاتم پیامبران محمد ﷺ قرار دارد.

درس دیگر این قصه این است که قضاوت دیگران نباید برای یک مؤمن مهم باشد بلکه مهم رضایت پروردگار یکتاست.

مقارنه و قیاس سبب می‌شود انسان بر هر چیزی اعتراض وارد کند و جز نظر خودش نظر هیچ کس را قبول نکند.

جایی مردی در زندگی چند همسری عدالت نمی‌کند و ما او را معیار بدی قرار

---

(۱) صحیح. امام احمد در کتاب مسندش، شماره ۱۲۱۶۴.

داده و به خود اجازه اعتراض بر شرع و قانون الهی می‌دهیم؛ الله ﷻ می‌فرماید: **{فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا}**[۱]: (به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر این که در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند؛ و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند؛ و کاملا تسلیم باشند).

مقارنه و قیاس گرفتن در سرشت و فطرت تمامی بشر هست و به همین دلیل شرع نیامده که با آن مبارزه کند بلکه برای آن به عنوان یک مشکل درمان و معالجه قرار داده است؛ رسول الله ﷺ می‌فرمایند: ((**انْظُرُوا إِلَى مَنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ، وَلَا تَنْظُرُوا إِلَى مَنْ هُوَ، فَوْقَكُمْ فَهُوَ أَجْدَرُ أَنْ لَا تَزْدَرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ**))[۲]: (به کسی که پایین‌تر از شماست بنگرید، و به کسی که بالاتر از شماست ننگرید؛ این کار سزاوارتر است که نعمت الله ﷻ را کم و حقیر نشمارید).

آری برای این که قدر نعمت‌های بی‌کران الله ﷻ را در خود احساس کنیم و آن را حقیر و ناچیز نشماریم باید به کسانی بنگریم که از آن نعمتی که ما داریم محروم هستند؛ این کار هم زبان انسان را شکرگذار کرده و هم ما را نسبت به مال دنیا بی‌نیاز ساخته و همچنین در مقابل نداشته‌ها صبور می‌کند.

برای همین است که الله ﷻ در صبر بر مصیبت‌ها رسول الله ﷺ را توصیه می‌کند که به پیامبران قبل از خودش بنگرد؛ الله ﷻ می‌فرماید: **{فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو**

---

(۱) نساء : ۶۵.

(۲) مسلم در کتاب صحیحش، شماره ۵۲۶۹.

الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ}[1]: (پس صبر کن آن‌گونه که پیامبران "اُولو العزم" صبر کردند).

اگر فردی اذیت و آزاری شد به یاد داشته باشد که پیامبران پیشین بیش از همه کس آزار دیده‌اند؛ الله ﷻ می‌فرماید: **{وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَى مَا كُذِّبُوا وَأُوذُوا حَتَّى أَتَاهُمْ نَصْرُنَا}**[2]: (و پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند، ولی بر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند شکیبایی کردند تا یاری ما به آنان رسید).

مقارنه و قیاس بد در زندگی مساوی با افسردگی یا جدایی است؛ **حالت اول:** این که خود باخته و مأیوس و نا امید می‌شویم و اعتماد و توکل خود را به الله ﷻ از دست می‌دهیم چنان چه الله ﷻ می‌فرماید: **{وَلَا تَيْأَسُوا مِن رَّوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِن رَّوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ}**[3]: (و از رحمت الهی مأیوس نشوید؛ زیرا جز مردم کافر کسی از رحمت الله مأیوس نمی‌شود).

این سخنان را الله ﷻ از زبان پیامبر یعقوب ؑ نقل می‌کند که در نصیحت به فرزندانش فرموده است زمانی که نسبت به برادرشان یوسف ؑ که نزد پدرشان از بقیه محبوب‌تر بودند حسادت ورزیدند.

تنها راه درمان این نوع بیماری ایمان و توکل بر الله ﷻ است، چنان چه الله ﷻ می‌فرماید: **{وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ}**[4]: (و کسی که بر الله توکل کند، الله برایش کافی است).

---

(۱) احقاف : ۳۵.

(۲) انعام : ۳۴.

(۳) یوسف : ۸۷.

(۴) طلاق : ۳.

در این مورد درمان الهی با درمان روان‌شناسان بسیار متفاوت است، زیرا آنان سعی می‌کنند با روحیه بخشی و ایجاد غرور و اعتماد به نفس نه توکل و اعتماد بر الله متعال فرد را خودکفا و بی‌نیاز تربیت کنند و این سبب به وجود آمدن حالت روانی دیگر می‌گردد.

حالت دوم: این که فرد خود را بزرگ و بی‌نقص و عیب ببیند و به دیگران با چشم حقارت و کوچکی نگاه کند؛ پیامبر الله لقمان عليه السلام فرزندش را چنین نصیحت و تربیت می‌کند: **﴿وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾**[1]: (-فرزندم- متکبرانه روی از مردم برمگردان، و در زمین با ناز و غرور راه مرو، همانا الله هیچ خودپسند مغروری را دوست ندارد).

این گونه افراد چون خود را همیشه برتر می‌دانند هرگز نمی‌توانند نصیحت پذیر باشند و خود را تغییر دهند بلکه سعی می‌کنند با لجبازی روی حرف خود بایستند و مخالفین خود را سرکوب کنند؛ و هرگاه در مقارنه بیفتند و کسی را از خود بهتر ببینند سعی می‌کنند با تمسخر و تحقیر کمال خود را به رخ دیگران بکشند.

درمان این نوع مریضی روحی و روانی این است که فرد نسبت به تمامی نعمت‌هایی که الله سبحانه وتعالى به او عطا نموده شکرگذار باشد و اگر مال و جمال و زوری بیشتر و بهتر از دیگران دارد آن را فقط از الله سبحانه وتعالى ببیند نه از زحمات و تلاش خودش؛ الله سبحانه وتعالى می‌فرماید: **﴿وَمَا بِكُم مِّن نِّعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ**

---

(۱) لقمان : ۱۸.

تَجْأَرُونَ}[1]: (آن چه از نعمت‌ها دارید، همه از سوی الله است، و هنگامی که ناراحتی به شما رسد، فقط او را می‌خوانید).

به یاد داشته باشیم که اگر در نعمتی بر دیگران برتری داریم باید شکر و سپاس آن را با خدمت به دین و دینداری و خوبی و کمک به مردم به جای آوریم؛ الله ﷻ می‌فرمایند: **{وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ}**[2]: (و آن گاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر واقعاً سپاسگزاری کنید، -نعمت- شما را افزون خواهم کرد، و اگر ناسپاسی نمایید، قطعاً عذاب من سخت خواهد بود).

۴- عدم قناعت و چشم گرسنگی و کوردلی.

الله ﷻ می‌فرماید: **{وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ}**[3]: (و داستان دو پسر آدم را به درستی بر ایشان بخوان، هنگامی که -هر یک از آن دو- قربانی برای تقرب به الله پیش داشتند. پس از یکی از آن دو پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. -قابیل به برادرش- گفت: «حتماً تو را خواهم کشت؛ -هابیل- گفت: الله فقط از پرهیزکاران می پذیرد).

از طرفی قصه هابیل و قابیل مثالی برای مقارنه و قیاس بوده که سبب حسادت و انتقام شد؛ و از طرفی مثالی می‌باشد بر عدم رضایت به آن چه قسمت و روزی

---

(۱) نحل : ۵۳.

(۲) ابراهیم : ۷.

(۳) مائده : ۲۷.

انسان است. اگر قابیل به آن چه قسمتش بود راضی می‌گشت هیچ وقت برادر خویش را نمی‌کشت.

عدم رضایت به قسمت و روزی همیشه چشم انسان را گرسنه نگه می‌دارد و نسبت به خوبی‌ها کور می‌کند و همه را دشمن خود می‌پندارد و همچون قابیل دنبال انتقام جویی می‌باشد.

زنی که به زندگی خود قانع نیست به جای این که شوهر خود را تاج سر خود ببیند با چشم یک برده به او نگاه می‌کند و هر آن چه بر سر زبانش بیاید نثار شوهرش می‌کند.

قبلا نمونه‌ای از عدم قناعت را یاد کردیم و آن هم قصه همسر اسماعیل ﴿عليه السلام﴾ که عدم قناعت و رضایت وی از زندگی‌اش سبب شد شوهرش او را طلاق دهد.

رسول الله ﴿صلى الله عليه وسلم﴾ می‌فرمایند: ((**قَدْ أَفْلَحَ مَنْ أَسْلَمَ، وَرُزِقَ كَفَافًا، وَقَنَّعَهُ اللَّهُ بِمَا آتَاهُ**))[1]: (همانا رستگار شد کسی که اسلام آورد -و تسلیم امر الهی شد- و رزق کافی به او داده شده و الله ﴿تعالى﴾ او را به آن چه که به وی داده قانع ساخته است).

آری کسی که به روزی خود قانع است همانا تمامی دنیا را دارد؛ رسول الله ﴿صلى الله عليه وسلم﴾ می‌فرمایند: ((**مَنْ أَصْبَحَ مِنْكُمْ آمِنًا فِي سِرْبِهِ، مُعَافًى فِي جَسَدِهِ، عِنْدَهُ قُوتُ يَوْمِهِ، فَكَأَنَّمَا حِيزَتْ لَهُ الدُّنْيَا**))[2]: (آن که از شما صبح نماید، در حالی که در جان خود امنیت داشته و در جسدش سالم بوده و توشه روز خود را داشته باشد، گوئی تمام دنیا به وی داده شده است).

---

(۱) مسلم در کتاب صحیحش، شماره ۱۷۵۳.

(۲) صحیح. ترمذی در کتاب سننش، شماره ۲۲۸۰.

کسی که به قسمت خود راضی است خودش را بی‌نیاز از مردم می‌داند و طمعی در مال و دارایی مردم ندارد و خود را خوشبخت‌ترین می‌بیند؛ چنان چه رسول الله ﷺ می‌فرمایند: ((**وَارْضَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَكَ تَكُنْ أَغْنَى النَّاسِ**))[1]: (و از آن چه الله ﷻ قسمت و روزی‌ات کرده است راضی باش تا غنی‌ترین و بی‌نیازترین مردم شوی).

اما کسی که به قسمت خود راضی نیست خود را همیشه بدبخت‌ترین مردم می‌بیند؛ رسول الله ﷺ می‌فرمایند: ((**مَنْ كَانَتِ الْآخِرَةُ هَمَّهُ جَعَلَ اللَّهُ غِنَاهُ فِي قَلْبِهِ، وَجَمَعَ لَهُ شَمْلَهُ، وَأَتَتْهُ الدُّنْيَا وَهِيَ رَاغِمَةٌ، وَمَنْ كَانَتِ الدُّنْيَا هَمَّهُ جَعَلَ اللَّهُ فَقْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ، وَفَرَّقَ عَلَيْهِ شَمْلَهُ وَلَمْ يَأْتِهِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا قُدِّرَ لَهُ**))[2]: (هر کس آخرت را مقصد خویش قرار دهد، الله متعال بی‌نیازی‌اش را در دلش می‌نهد و کارش را فراهم می‌آورد و دنیا خوار و ذلیل به سوی وی می‌آید، و کسی که دنیا هم و غمش باشد، الله متعال فقرش را جلو چشمانش قرار می‌دهد و کارش را پراکنده می‌نماید –و وضعیتش را نابسامان می‌کند– و تنها چیزی از دنیا نصیب وی می‌گردد که برایش مقدر شده است).

هر نوع اختلافی شاید منجر به ویرانی کانون خانواده و جدایی شود؛ بعضی از ویران‌گرهای زندگی در بحث اسباب اختلافات در زندگی پرداختیم که مهترین آنها: ۱– ظلم؛ به عنوان مثال شوهر برای این که از دختری خوشش می‌آید همسرش را طلاق می‌دهد تا با آن دختر ازدواج کند. ۲– هوای نفس؛ فرد به خاطر اعتیاد یا شب بیداری با دوستان همسرش را طلاق می‌دهد. ۳– حسادت؛ زنی به خاطر حس

(۱) صحیح. ترمذی در کتاب سننش، شماره ۲۲۳۷.

(۲) صحیح. ترمذی در کتاب سننش، شماره ۲۴۰۲.

حسادت و مقایسه خود با آنهایی که زندگی بهتری دارند از شوهرش جدا می‌شود. ۴- ضعف ایمان؛ عدم پایبندی به دین و ضعف ایمان سبب شده که مرد و زن حلال و حرام الهی را مراعات نکنند و با احساسات همدیگر بازی کند و بدون این ترسی داشته باشند با کسی دیگر ارتباط برقرار کنند. ۵- عنادت و لجاجت؛ به خاطر اختلافات بر سر غذا و لباس و چیدمان منزل، زن و شوهر با هم لج کرده و در نهایت جدا می‌شوند. ۶- دخالت؛ که شاید یکی از مهمترین عوامل جدایی در این عصر باشد؛ زن و مرد با هم مشکلی ندارند ولی دیگران برای آنان مشکل می‌سازند.

خلاصه و جمع بندی مطالب گذشته:

منشأ ویران‌گری‌های زندگی به سه چیز بر می‌گردند: جهل، هوای نفس و دخالت. **اول:** جهل به حقوق و واجبات شرعی، شناخت روان، ارتباط فطری و پرورش عواطف. **دوم:** پیروی از هوای نفس که سبب ظلم، حسادت، عنادت، بدبینی و منفی‌نگری، وسوسه و شکاکی، بی‌رحمی، خشم، انتقام، غرور و عدم قناعت است. **سوم:** دخالت‌های خویشاوندان و شیطان با گمراه کردن و انجام دادن گناهان.

اول: جهل و نادانی یا دانشی اندک که طبیعت و سرشت انسان‌ها بر آن بوده است؛ الله ﷻ می‌فرماید: **{إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا}**(1): (ما امانت -الهی و بار تکلیف- را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم، پس از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسیدند، و انسان آن را پذیرفت، بی تردید -انسان- بسیار ستمکار، و بسیار نادان است).

این جهل و نادانی با علم و شناخت قابل درمان است؛ ولی تا زمانی که انسان احساس نیاز نکند یا قدر علم نسبت به امری را نداند هرگز دنبال آن نمی‌رود.

ملائکه زمانی که الله ﷻ آفرینش آدم علیه السلام را با آنان در میان گذاشت گفتند: الله ﷻ می‌فرماید: **{وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ}**(2): (و زمانی که پروردگارت به ملائکه گفت: من در زمین جانشینی قرار

---

(۱) احزاب : ۷۲.

(۲) بقره : ۳۰.

خواهم داد؛ -ملائکه- گفتند: «پروردگارا آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که فساد و خونریزی کند؟ در حالی که ما تو را همواره با ستایشت تسبیح می‌گوییم و تقدیس می کنیم؛ -الله ﷻ- فرمود: «من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید).

ملائکه چون علم ناقصی داشتند برای آنها آفرینش آدم جای تعجب بود برای همین از پروردگار عالمیان پرسیدند چه حکمتی در آفرینش موجودی است که اختیار انجام کردار نیک و بد را دارد؟

آنان نمی‌دانستند که از نسل آدم کسانی خواهند آمد که صالح و مصلح و پیام‌آور از سوی پروردگار می‌باشند و با بدی مبارزه خواهند کرد و با اختیار خود در پرستش او تلاش می‌کنند.

ملائکه با وجود مکانت و جایگاهی که داشتند علم آنان ناقص بود؛ حال ما انسان‌ها چطور؟ آیا از حکمت کارهای پروردگار اطلاع داریم.

زمانی که انسان نسبت به کاری علمی نداشته باشد بر اشتباه خود پافشاری کرده و حقوق را پایمال می‌کند و در ظلم و ستیز می‌افتد.

ابلیس چون از حکمت سجده به آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ اطلاعی نداشت و نسبت به آن نادان و جاهل بود از فرمان الله ﷻ سرپیچی کرد و از بهشت رانده شد؛ این نمونه‌ای از عقوبت بر نادانی است؛ و در زندگی شاید منجر به جدایی و طلاق گردد.

همان طور که یکایک ما نیازمند آب و غذا و هوا و لباس هستیم تا زندگی ما ادامه یابد، نیازمندی زن و مرد به ازدواج و جامه روح و قلب بیشتر از آن چیزهایی است که تن آنان را آراسته می‌کند؛ زیرا ازدواج وسیله‌ای برای دخول بهشت و

رضایت و خشنودی الله ﷻ است.

تذکر: طلاق یا وفات شوهر و همسر در زندگی به معنای شکست نیست، بلکه باید فرد اگر مرتکب اشتباهی شده آن را اصلاح کند و بداند شاید در زندگی جدید موفق‌تر از زندگی قبل خود باشد، چنان چه الله ﷻ می‌فرماید: **{لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَٰلِكَ أَمْرًا}**[1]: (تو نمی‌دانی شاید الله بعد از این پیشامدی تازه –و وسیله اصلاحی– فراهم کند).

دوم: پیروی از هوای نفس؛ الله ﷻ می‌فرماید: **{أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ كَمَن زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُم}**[2]: (آیا کسی که بر حجتی از جانب پروردگار خویش است، چون کسی است که بدی کردارش برای او زیبا جلوه داده شده و از هواهای نفسانی خود پیروی کرده‌اند؟).

کردار بد و ناپسند انسان همچون بدبینی و حسادت و تکبر و غرور و خشم و دیگر بیماری‌های قلبی که در نظر انسان زیباست درمانی چون حجت و دلیلی از سوی پروردگار ندارد تا او را باز بدارد.

سوم: دخالت؛ جهل و نادانی با دانش و علم و هوای نفس با تقوای الهی و پیروی از فرامینش قابل درمان هستند، ولی درمان دخالت شیاطین و انسان‌ها سخت‌تر از درمان جهل و هوای نفس است زیرا انسان می‌تواند خود را درست و اصلاح کند و دیگران را ارشاد و نصیحت نماید اما اصلاح آنان دست پروردگار

---

(۱) مائده : ۲۷.

(۲) محمد : ۱۴.

است؛ برای همین پروردگارمان به ما توصیه می‌کند که به وی از شر شیاطین جن و انس پناه ببریم؛ الله ﷻ می‌فرماید: **{قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (١) مَلِكِ النَّاسِ (٢) إِلَهِ النَّاسِ (٣) مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (٤) الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (٥) مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (٦)}**[(١)]: (بگو: پناه می‌برم به پروردگار مردم (١) به مالک و حاکم مردم (٢) —به– معبود مردم (٣) از زیان و شر وسوسه‌گر کمین گرفته و پنهان (٤) آن کس که در سینه‌های مردم وسوسه می‌کند (٥) از جنّیان و آدمیان (٦)).

تذکر: طلاق یا وفات شوهر و همسر در زندگی به معنای شکست نیست، بلکه باید فرد اگر مرتکب اشتباهی شده آن را اصلاح کند و بداند شاید در زندگی جدید موفق‌تر از زندگی قبل خود باشد، چنان چه الله ﷻ می‌فرماید: **{لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا}**[(٢)]: (تو نمی‌دانی شاید الله بعد از این پیشامدی تازه —و وسیله اصلاحی– فراهم کند).

اگر در سیرت زنان صحابه رضي الله عنهم بنگریم می‌بینیم در ابتدا همسران رسول‌الله ﷺ به جز ام‌المؤمنین عایشه رضي الله عنها از یازده تن همه بیوه بودند و همچنین عاتکه رضي الله عنها بعد از وفات شوهرش با عمر بن الخطاب و سپس زبیر بن عوام رضي الله عنهما ازدواج کردند و این ازدواج را کسی ننگ نشمرد و کسی او را مسخره و تحقیر نمی‌کرد و کسی نیز به ایشان بدبین نمی‌شد که چون قبلا هر کدام از شوهرانش شهید شده‌اند پس این زن نحس است بلکه می‌گفتند کسی که شهادت می‌خواهد با این زن ازدواج کند.

---

(١) ناس : ١–۶.

(٢) طلاق : ١.

راهکارهای حل مشکلات
زنـــــدگی



راهکارهای حل مشکلات زندگی:

ما در بحث‌های گذشته سه نوع مشکل داشتیم؛ اول: اجتماعی، دوم: روانی، سوم: شرعی.

از زنی پرسیدند زنان زیباتر و خوب تر از تو زیادند ولی چرا شوهرت تو را زیباتر و خوب‌تر از همه می‌بیند؟

پاسخ داد: آری خوب‌ترین و زیباترین نیستم ولی در مقابل آزار شوهرم گذشت می‌کنم، و اندوهش را با حوصله می‌شنوم، و در مقابل خوبی‌هایش از وی تشکر می‌کنم، و در مقابل کوتاهی‌اش قناعت و تحمل می‌کنم، این چنین توصیه دین است: که مهربان و مطیع باشم؛ هرچند خارها به دستم فرو روند ولی همچنان گل می‌کارم.

زمانی که ما نگذاریم کسی در زندگی ما دخالت کند، و اعصاب و روان خود را آرام و با قناعت زندگی کنیم و پایبند به دین باشیم دیگر در زندگی مشکلات معنی ندارد.

بهترین مثال برای زنان و مردان در زندگی آسیه است، زمانی که دست به دعا برداشت و گفت: **{رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ}**[1]: (پروردگارا، پیش خود در بهشت خانه‌ای برایم بساز)؛ آسیه دنبال رضایت و خشنودی الله ﷻ بود، اسوه‌ای از صبر و تحمل که غم و اندوهش را نزد مردم بازگو ننمود و درهای گلایه و شکایت را برای آنان باز نکرد.

---

(۱) تحریم : ۱۱.

حال اگر مرد و زن در زندگی چنین باشند؛ دیگر این زندگی باغی از باغ‌های بهشت خواهد بود؛ رسول الله ﷺ می‌فرمایند: ((**الدُّنْيَا مَتَاعٌ، وَخَيْرُ مَتَاعِ الدُّنْيَا: الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ**))[1]: (دنیا –همانند– کالا و توشه‌ای است، و بهترین کالا و متاع دنیا، زن صالح و نیکوکار است).

در روایتی دیگر رسول الله ﷺ از بهترین زنان سؤال شدند؟ ایشان فرمودند: ((**خَيْرُ النِّسَاءِ مَنْ تَسَرُّ إِذَا نَظَرَ، وَتُطِيعُ إِذَا أَمَرَ، وَلا تُخَالِفُهُ فِي نَفْسِهَا وَمَالِهَا**))[2]: (بهترین زنان آن است که هنگامی که شوهر نگاهش می‌کند خوشحال می‌شود، و هنگامی که شوهر او را به کاری دستور می‌دهد اطاعت می‌کند، و در نفس و مالش با او مخالفت نمی‌کند).

یکی از راه‌های رسیدن به خوشبختی و سعادت انتخاب درست همسر است؛ به همین دلیل رسول الله ﷺ مردان را چنین توصیه می‌کنند: ((**لِيَتَّخِذْ أَحَدُكُمْ قَلْبًا شَاكِرًا، وَلِسَانًا ذَاكِرًا، وَزَوْجَةً مُؤْمِنَةً تُعِينُ أَحَدَكُمْ عَلَى أَمْرِ الْآخِرَةِ**))[3]: (قلبی شکرگذار، و زبانی ذکرگو –که یاد الله کند–، و همسری با ایمان که شما را در امر آخرت یاری بخشد برگزینید).

احادیثی که یاد شد راهکاری برای حل مشکلات خانواده‌هایی است که دنبال زیور آلات و خوشی‌های دنیوی هستند؛ خانه و منزلی که به خاطر اختلاف بر سر مبل و فرشی از هم پاشیده می‌شود و فرزندان آن خانواده آواره می‌شوند.

---

(۱) مسلم در کتاب سننش، شماره ۲۶۷۶.

(۲) صحیح. حاکم در کتاب مستدرکش، شماره ۲۶۰۸.

(۳) صحیح. ابن‌ماجه در کتاب سننش، شماره ۱۸۴۶.

مقصد این نیست که انسان به طور کامل دل از دنیا بکند، بلکه قناعت کند و به دنیایی که بال پشه‌ای نزد الله ﷻ ارزش ندارد بها ندهد؛ دنیایی که وقتی می‌میریم از آن فقط کفنی را می‌بریم، کفنی که جیبی ندارد و جایی که مغازه و بازاری در آن نیست.

برای مردی که دیندار بوده سخت است زنی که اهل دنیا باشد را تحمل کند؛ الله ﷻ می‌فرماید: **{يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُل لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا}**[1]: (ای پیامبر، به همسرانت بگو: اگر خواهان زندگی دنیا و زینت آنید، بیایید تا مَهرتان را بدهم و با روشی پسندیده رهایتان کنم).

زمانی که مرد دیندار نباشد هر کاری از او توقع می‌رود؛ از این که شب‌ها به منزل نیاید و سیگار بکشد و مشروب بنوشد و بد زبان باشد و دیگر رفتارهای ناشایست که زن را آزرده کند و آسایش را از او بگیرد.

زمانی که زن درد و رنج خود را در این گونه موارد نزد خانواده و دوستان بیان می‌کند با مشکل به طور عاطفی و احساساتی برخورد کرده و به جای این که اصلاح کنند آن زن و بچه‌هایش را آواره می‌کنند.

چنین مشکلاتی درمان و حلی جز صبر و این که شوهر را به نیکی گوشزد و نصیحت کرد نیست؛ چنان چه به قصه آسیه و فرعون اشاره کردیم و بدانیم که پروردگار مهربانی داریم که صدای ما را می‌شنود و رنج ما را دوست ندارد و دعای ما را استجابت می‌کند.

---

(۱) احزاب : ۲۸.

رسول الله ﷺ برای بر طرف شدن غم و اندوه نسخه‌ای تجویز کردند که با مداومت بر آن سکونت و آرامش بر قلب چیره می‌گردد؛ رسول الله ﷺ می‌فرمایند: ((أَلا أُخبِرُكُمْ بِشَيْءٍ إِذَا نَزَلَ بِرَجُلٍ مِنْكُمْ كَرِبٌ، أَوْ بَلاءٌ مِنْ بَلايَا الدُّنْيَا دَعَا بِهِ يُفَرَّجُ عَنْهُ، فَقِيلَ لَهُ بَلَى، فَقَالَ: دُعَاءُ ذِي النُّونِ: "لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ"))[1]: (آیا به شما دعایی یاد دهم، هرگاه به فردی از شما مشکلی یا مصیبتی از مصیبت‌های دنیا پیش آمد که اگر آن را بگوید مشکلش حل می‌شود؛ صحابه فرمودند: آری، فرمودند: دعای صاحب نهنگ –یونس عليه السلام– "لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ" پروردگارا جز تو معبودی نیست که به حق پرستیده شود و تو پاک و منزهی، من از ستمکاران بودم).

اذکار و اوراد آرامش روح و روان انسان است؛ {أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ}[2]: (آگاه باشید که دل ها فقط به یاد الله آرام می گیرد).

از جمله اذکاری که توصیه می‌شود: "لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ": (هیچ تغییر و تحول و قدرتی وجود ندارد مگر این که الله سبحانه وتعالى بخواهد) است که رسول الله در فضیلت آن می‌فرمایند: ((گنجی از گنج‌های بهشت است)) [3].

در مشکلات زندگی آخرین چیزی که باید به آن فکر کرد طلاق و جدایی است؛ و بسیار اندک این نسخه به عنوان درمان تجویز می‌شود و آن هم زمانی که شوهر زناکار بوده و از این فعلش می‌ترسیم که مبادا از این راه به ما بیماری انتقال دهد.

---

(۱) حسن. حاکم در کتاب مستدرکش، شماره ۱۷۹۷.

(۲) رعد : ۲۸.

(۳) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۵۹۳۴.

جایی سازش ممکن نیست و تنها راهکار طلاق و جدایی است، و جایی سازش با مشکل ممکن بوده و همسران را توصیه به صبر و دعا می‌کنیم و این که دنبال راه حل باشند؛ و برای ریشه‌یابی و حل مشکل راهکارهای زیر را توصیه می‌کنیم:

۱- دنبال سبب و علت مشکل گشتن.

همیشه به یاد داشته باشیم قبل از این که کسی را در مشکلی متهم سازیم از خود آغاز کنیم؛ الله ﷻ می‌فرمایند: **{وَمَا أَصَابَكُم مِّن مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَن كَثِيرٍ}**[۱]: (و هر مصیبتی به شما رسد بخاطر اعمالی است که انجام داده‌اید، و – الله متعال– از بسیاری در می‌گذرد).

ما با خودمان مشکل داریم و مشکل نیز می‌سازیم؛ تقوای الهی و پایبندی نداشته و ضعف ایمان در ما بیداد می‌کند.

جایی دخالت‌ها هست، که راه حل آن فاصله گرفتن و اهمیت ندادن و بی‌توجه بودن به خواسته‌های دخالت جویان است.

جایی مشکلی نیست ولی ما آن را مشکل می‌بینم؛ به عنوان مثال: زمانی که مردی زن دیگری ازدواج می‌کند، زن اول فریاد می‌زند که حق او پایمال شده است؛ در صورتی که الله ﷻ همان طور که ازدواج با زن اول را اجازه داده مجوز این ازدواج جدید را نیز داده است و کسی حق اعتراض بر دین الله ﷻ ندارد.

آری اگر مردی ناعدالتی کرد عیب و اشتباه از مرد است نه دین الله ﷻ که

(۱) شوری : ۳۰.

مناسب شرایط هر زمان و مکانی است.

در این حالت زنان هستند که مشکل ایجاد می‌کنند؛ زن اول داد و بی‌داد می‌کند و زن دوم شوهر را در قبضه خود می‌گیرد و مرد به یک طرف میل کرده و ظلم می‌کند.

جایی مردی با زن جدیدی ازدواج می‌کند و ده‌ها عیب برای همسر اول خود می‌تراشد، زنی که سالیان سال با او همبستر بوده و جان خود را در اختیارش گذاشته است؛ در صورتی که عیب از خود مرد بوده نه همسرش، و این مرد بوده که زیاده خواه است نه همسرش؛ اگر مردی زن جدیدی می‌گیرد باید جسارت داشته باشد و اقرار کند که مشکل از خودش بوده نه همسرش و عیبی بر کسی ننهد.

چطور یک زن اگر شوهرش وفات یابد می‌تواند تحمل و صبر کند ولی اگر شوهر وی زن دیگری گرفت و وقت او تقسیم شد نمی‌تواند تحمل کند.

خواهرم ازدواج شوهرت رحمتی است برای تو که آن را باید غنیمت بشماری و از آن وقتی که کمتر شده به طاعت و عبادت پروردگار عالمیان بگذاری.

۲- نیک اندیشی.

الله ﷻ می‌فرمایند: **{وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا}**[۱]: (و با زنان به صورتی شایسته و پسندیده رفتار کنید، و اگر از آنان –یا رفتاری از آنان– خوشتان نیامد، پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و الله در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد).

---

(۱) أعراف : ۱۸۹.

چه بسا چیزی را دوست نداشته باشیم ولی برای ما خیری در آن باشد؛ اگر بر الله ﷻ توکل و اعتماد داشته باشیم و گمان ما بر این بوده که هر چی از طرف الله ﷻ آید مصلحت ما در آن است، الله ﷻ بر اساس آن گمان نیکی که داریم با ما تعامل خواهد کرد.

رسول الله ﷺ می‌فرمایند: ((**يَقُولُ اللَّهُ: أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي، وَأَنَا مَعَهُ إِذَا ذَكَرَنِي، فَإِنْ ذَكَرَنِي فِي نَفْسِه ذَكَرْتُهُ فِي نَفْسِي، وَإِنْ ذَكَرَنِي فِي مَلَإٍ ذَكَرْتُهُ فِي مَلَإٍ خَيْرٍ مِنْهُمْ، وَإِنْ تَقَرَّبَ إِلَيَّ بِشِبْرٍ تَقَرَّبْتُ إِلَيْهِ ذِرَاعًا، وَإِنْ تَقَرَّبَ إِلَيَّ ذِرَاعًا تَقَرَّبْتُ إِلَيْهِ بَاعًا، وَإِنْ أَتَانِي يَمْشِي أَتَيْتُهُ هَرْوَلَةً**))[۱]: (الله ﷻ می‌فرماید: من با بنده‌ام بر اساس گمانی که به من دارد، -رفتار می‌نمایم-. و هنگامی که مرا یاد می‌کند، من با او هستم. پس اگر در نفس -یا دل- خویش مرا یاد کند، من هم او را در نفس خود یاد خواهم کرد. و اگر مرا در میان جمعی یاد کند، من او را در میان جمع بهتری یاد خواهم کرد. و اگر به اندازه یک وجب به من نزدیک شود، من به اندازه یک گز به او نزدیک می‌شوم. و اگر به اندازه یک گز به من نزدیک شود، من به اندازه یک باع -به مقدار: فاصله باز کردن دو دست- به او نزدیک می‌شوم. و اگر قدم زنان به سوی من بیاید، من دوان دوان به سوی او خواهم آمد[۲]).

---

(۱) بخاری در کتاب سننش، شماره ۶۸۸۳ و مسلم، شماره ۴۸۳۹.

(۲) در این حدیث چند نکته است: اول: بدون شک پروردگار و خالق یکتا صفاتی دارد که با صفات مخلوقاتش تشابه ندارد؛ شاید معنای آن وصف را درک کنیم ولی حقیقت و کیفیت آن را نمی‌توانیم درک کنیم؛ به عنوان مثال الله ﷻ نفس و ذاتی دارد و انسان نیز نفس و ذاتی دارد ولی هرگز همانند هم نیستند، هرچند معنای کلمه نفس یا ذات را می‌دانیم. دوم: دیدگاه علماء در توضیح و شرح این حدیث متفاوت است؛ بعضی گفته‌اند: باید ظاهر حدیث حفظ شود و الله ﷻ آن طور که می‌خواهد به بندگان خود نزدیک

۳- سازش با حقایق تلخ زندگی و چشم پوشی.

ما انسان‌ها خوب و بد خود را نمی‌دانیم، زیرا بر آینده خود مطلع و آگاه نیستیم؛ چه بسا در مصیبتی رحمتی بر ما نهفته باشد؛ الله ﷻ می‌فرمایند: **{فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا}**[1]: (پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و الله در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد).

برای درک این مطلب الله ﷻ در سوره کهف قصه موسی و خضر علیهما السلام را مثال می‌زند که خضر کشتی فقیرانی را سوراخ و عیب‌دار می‌کند تا ظالمی که چشم به آن اندوخته بود در آن طمع نکند، و فرزندی را به دستور پروردگار می‌کشد تا پدر و مادرش کافر و مشرک از دنیا نروند و آن فرزند سبب گمراهی آنان نگردد، و در شهری که به آنان ظلم شده دیواری که در حال خراب شدن بود را درست می‌کند تا گنجی که در زیر آن برای یتیمانی بود بر ظالمان کشف نگردد؛ و در انتهای این قصه خضر به موسی علیه السلام می‌گوید: **{رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِع عَّلَيْهِ صَبْرًا}**[2]: (این رحمتی از پروردگارت بود؛ و من آن -کارها- را خودسرانه انجام ندادم؛ این بود راز کارهایی که نتوانستی در برابر آنها شکیبایی به

می‌شود، وبعضی دیگر گفته‌اند: مقصود از حدیث کنایه بر پاداش مضاعف از سوی پروردگار در مقابل کردار بنده‌اش است. سوم: فرموده رسول الله ﷺ "اگر به اندازه یک وجب به من نزدیک شود"، یعنی با عمل صالحی به الله ﷻ تقرب جوید و نزدیک شود؛ بدون شک این نزدیک شدن لازم نیست که محسوس و حقیقی باشد بلکه معنای معنوی دارد، همانند فردی بیمار که در بستر خود نماز می‌خواند و هیچ حرکتی نمی‌تواند انجام دهد ولی با عمل خود به الله ﷻ نزدیک می‌شود و تقرب می‌جوید.

(۱) اعراف : ۱۸۹.

(۲) کهف : ۸۲.

خرج دهی).

رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((**لَا يَفْرَكْ –أى: لا يبغض– مُؤْمِنٌ مُؤْمِنَةً إِنْ كَرِهَ مِنْهَا خُلُقًا رَضِيَ مِنْهَا آخَرَ**))[1]: (مرد مؤمن نباید از همسر مؤمن خود کینه به دل بگیرد، اگر از یکی از رفتارهای او بدش آمد، به رفتار دیگرش راضی گردد).

جایی شاید رفتار و سلیقه‌ای را نپسندیم و توان تغییر و اصلاح آن را هم نداشته باشیم؛ پس تنها راه حل نگاه به خوبی‌ها و چشم پوشی از بدی است.

۴– مدیریت خشم و عصبانیت.

براء بن عازب رضی الله عنه می‌گوید: به رسول الله ﷺ گفتم به من عملی بیاموز که مرا وارد بهشت کند، فرمودند: ((**لا تَغْضَبْ وَلَكَ الْجَنَّةُ**))[2]: (عصبانی و خشمگین مشو، که برای تو بهشت است).

سر دعوا حلوا نمی‌دهند؛ این جمله را از باب کنایه برای آرام سازی و برقراری صلح میان افراد پس از دعوا و ناسزاگویی به کار می‌برند؛ یعنی چون فرد خشمگین شده و مدیریت اعصاب خود را ندارد ناخواسته آن حرف‌ها را زده است.

پس بیاییم قبل از این که عصبانی شویم خشم خود را فرو ببریم و مهار کنیم؛ زیرا به هنگام خشم فرد حرفی می‌زند که جای آن تا عمر دارد مثل یک زخم بر روی قلب طرف مقابل می‌ماند.

برای مهار کردن خشم و عصبانیت مهارت‌هایی لازم است که می‌توان از این

---

(۱) مسلم در کتاب صحیحش، شماره ۲۶۸۰.

(۲) صحیح. طبرانی در معجم الاوسط، شماره ۲۴۱۱.

آیه برداشت نمود، الله ﷻ می‌فرماید: **{وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأَلْوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (١٥٠) قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ}**[1]: (و چون موسی، خشمناک و اندوهگین به سوی قوم خود بازگشت، گفت: پس از من بد جانشینانی برایم بودید، آیا بر فرمان پروردگارتان پیشی گرفتید؟ و لوح‌ها را انداخت، و سر برادر خود را گرفت و به سوی خود کشید؛ – هارون– گفت: ای فرزند مادرم، این قوم، مرا ناتوان یافتند و چیزی نمانده بود که مرا بکشند؛ پس دشمنان را با مؤاخذه کردنم شاد مکن، و مرا در شمار گروه ستمکاران قرار مده ❊ –موسی– گفت: پروردگارا، من و برادرم را بیامرز و ما را در رحمت خود درآور، و تو مهربانترین مهربانانی).

اول: سکونت و آرامش و عدم انفعال در مقابل فرد خشمگین، چنان چه هارون‌ؑ حاضر نشد در مقابل برادرش موسی‌ؑ با این وجود که سر او را گرفته و به سوی خود می‌کشید ایستادگی کند، زیرا می‌دانست که برادرش الآن خشمگین است و باید خشم او را فروکش دهد.

دوم: گفته هارون ؑ "ای فرزند مادرم" دلالت‌های بسیاری دارد، زیرا فرعون مردان و نوزادان را می‌کشت ولی موسی و هارون از آن کشتارها نجات یافتند و زیر سایه و منت یک مادر بزرگ شدند؛ و هارون‌ؑ با این سخن قشنگ، برادرش را به یاد خاطرات زیبای بچگی انداخت تا شاید خشم او را بخواباند.

---

(١) اعراف : ١٥٠-١٥١.

سوم: عذر جویی هارونعَلَیهِ‌السَّلام، "این قوم، مرا ناتوان یافتند و چیزی نمانده بود که مرا بکشند"؛ با این سخنان عذر خود را به برادرش رساند که من در این ماجرا نقشی نداشتم و آنان بر من چیره بودند و من ناتوان.

چهارم: کوچک پنداشتن موضوع و بزرگ جلوه ندادن آن؛ "پس دشمنان را با مؤاخذه کردنم شاد مکن"؛ هارونعَلَیهِ‌السَّلام با این سخنان به برادرش موسی عَلَیهِ‌السَّلام این را می‌رساند که ای برادر این موضوع ارزش این قدر عصبانیت را ندارد، زیرا آنها خود دچار خسارت و زیان شده‌اند، و از اختلاف ما و تحقیرم شاد می‌گردند.

پنجم: گفته هارون عَلَیهِ‌السَّلام: "و مرا در شمار گروه ستمکاران قرار مده"؛ یعنی ای برادر من از کردار آنها براءت می‌جویم و من با آنان موافق نبوده و نیستم.

آرامش، سخن زیبا، عذرخواهی، لطافت در تعامل با بیان نکات مشترک و تبرئه خود از کردار ناشایست پنج وسیله مهم برای مهار کردن خشم هستند که نتیجه آن این بود که موسی عَلَیهِ‌السَّلام آرام گشته و برای خود و برادرش دعا کند و بگوید: "پروردگارا، من و برادرم را بیامرز و ما را در رحمت خود درآور، و تو مهربانترین مهربانانی".

هرچند فرد خشمگینی که مقابل ما قرار گرفته شاید روحیه متفاوتی داشته باشد؛ فردی همچون فرعون که متکبر، جسور، مغرور و خودشیفته بود و سخن عاطفی در او تأثیری نداشت، الله سُبحانَهُ‌وَتَعالَی چنین به موسی عَلَیهِ‌السَّلام می‌فرماید: **{فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى}**[1]: (و با او سخنی نرم گویید، شاید که پند پذیرد یا بترسد).

---

(۱) طه : ۴۴.

فرعون چون پذیرش حق برایش دشوار بود بر موسی ﷺ منت نهاد و گفت: **{قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ}**[1]: (–فرعون– گفت: آیا تو را از کودکی در میان خود نپروردیم و سالیانی چند از عمرت را پیش ما نماندی؟).

موسی ﷺ نیز پاسخی نرم و در نهایت خرد به او دادند و فرمودند: **{وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدْتَ بَنِي إِسْرَائِيلَ}**[2]: (و –آیا– این که فرزندان اسرائیل را بنده و برده –خود– ساخته‌ای نعمتی است که منَّتش را بر من می‌نهی؟).

هرچند موسی ﷺ زمانی در مقابل فرعون که خشمگین بود قرار گرفتند خود را بی‌تقصیر ندانستند و فرمودند: **{قَالَ فَعَلْتُهَا إِذًا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ}**[3]: (–موسی– گفت: آن را هنگامی مرتکب شدم که از گمراهان بودم).

اینها روش‌هایی بود تا بتوانیم طرف مقابل خود را در خشم آرام کنیم و اما در بحث این که چگونه خود را آرام کنیم قبلا سخن به میان آورده‌ام.

۵- کوتاه آمدن و گذشت کردن.

الله ﷻ می‌فرماید: **{الَّذِينَ يُنفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ}**[4]: (آنان که در گشایش و تنگ دستی انفاق می‌کنند، و خشم خود را فرو می برند، و از –خطاهایِ– مردم در می گذرند؛ و الله نیکوکاران را دوست دارد).

---

(۱) شعراء : ۱۶.

(۲) شعراء : ۲۲.

(۳) شعراء : ۲۰.

(۴) آل عمران : ۱۳۴.

برای محافظت و نگهداری از این عبادت و آن هم ازدواج باید زن و مرد در مقابل اشتباهات هم کوتاه بیایند وگرنه به جای این که الله ﷻ را از خود خشنود سازند ابلیس و شیاطین را از خود خشنود می‌سازند.

۶- زیبا و خوب سخن گفتن.

الله ﷻ می فرمایند: **{وَقُل لِّعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنزَغُ بَيْنَهُمْ}**[۱]: (و به بندگانم بگو: "آنچه را که بهترین است بگویند"، که شیطان میانشان را به هم می‌زند).

چنان چه بارها اشاره شد ما باید در سخنان خود از بهترین الفاظ استفاده کنیم تا این که شیطان میان ما تفرقه نیاندازد.

خوب سخن گفتن زن و مرد با هم در زندگی سبب دلگرمی و خشنودی و احساس خوشبختی متقابل است.

ازدواج نباید همچون کادویی باشد که درون آن خالی است؛ بلکه تلاش کنیم بهترین رفتارها و گفتارها را درون این کادو بگذاریم.

قربان صدقه هم رفتن را انسان باید در تعامل خود یاد بگیرد وگرنه همچون چوب خشک با ضربه‌ای می‌شکند؛ مقصود فقط این نیست که از الفاظ عاشقانه استفاده شود بلکه باید در گفتار و رفتار خود احترام طرف مقابل و تقدیر از خوبی‌هایش را سپاس داریم چنان چه دختر سعید بن المسیب از تابعین گوید: (با

---

(۱) اسراء : ۵۳.

همسران خود سخن نمی‌گفتیم مگر چنان چه شما با امیران خود سخن می‌گویید)[1].

پس همیشه به یاد داشته باشیم که خواسته الله ﷻ از ما نیک سخن‌گویی است، و تا جایی که می‌توانیم از جدال و بحث و طعنه و ملامت زدن و نکهوش کردن پرهیز کنیم؛ رسول الله ﷺ می‌فرمایند: ((**أَنَا زَعِيمٌ بِبَيْتٍ فِي رَبَضِ الْجَنَّةِ لِمَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ، وَإِنْ كَانَ مُحِقًّا، وَبِبَيْتٍ فِي وَسَطِ الْجَنَّةِ لِمَنْ تَرَكَ الْكَذِبَ، وَإِنْ كَانَ مَازِحًا، وَبِبَيْتٍ فِي أَعْلَى الْجَنَّةِ لِمَنْ حَسَّنَ خُلُقَهُ**))[2]: (کسی که مجادله را رها کند در حالی که حق به جانب اوست، خانه‌ای در اطراف بهشت؛ و برای کسی که دروغ را ترک کند هر چند برای شوخی و مزاح باشد، منزلی در وسط بهشت؛ و برای کسی که اخلاقش نیکو باشد، منزلی در بلندترین جای بهشت ضمانت می‌کنم).

۷- شناخت تفاوت‌ها.

مرد و زن از لحاظ ساختار بدنی و روحی بسیار با هم تفاوت دارند؛ رسول الله ﷺ می‌فرمایند: ((**مَا رَأَيْتُ مِنْ نَاقِصَاتِ عَقْلٍ وَدِينٍ أَذْهَبَ لِلُبِّ الرَّجُلِ الْحَازِمِ مِنْ إِحْدَاكُنَّ**))[3]: (ندیده‌ام زنی که عقل و دین ناقصی دارد همچون شما که بتواند عقل یک مرد با اقتدار و قاطع را به دست بگیرد).

این حدیث دلالت بر تفاوت فکری و عقلی میان مرد و زن است؛ ولی چون آفرینش زن نسبت به مرد در این مورد متفاوت است دلیلی بر نقص در آفرینش او نیست، بلکه همین نقص عقلی و غلبه عاطفه بر آن یک توانایی در زنان است که با

---

(۱) احکام النساء تألیف ابن الجوزی، ص ۶۱.

(۲) ابوداود در کتاب صحیحش، شماره ۴۱۶۹.

(۳) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۲۹۶.

آن می‌توانند مردان را در قبضه عاطفی خود در آورند و همسر خوب و دیندار با استفاده از این ابزار می‌تواند شوهر خود را از نزدیک شدن به فحشا و منکرات نجات دهد.

همچنین مردان از لحاظ قالب فکری دوست ندارند با آنها همچون زنان یا فرزندان برخورد شود؛ به آنها امر و نهی شود که برو و نرو و بیا و نیا یا این که سرزش و نکوهش شوند که چرا رفتی و آمدی و انجام دادی یا با فلان فرد بیرون رفتی و دیگر دخالت‌ها در رفتار او که اختیار را از مردانگی او سلب کند.

۸- گذشت زمان و صبر.

الله ﷻ می فرمایند: **{وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِن لُّغُوبٍ}**[۱]: (همانا ما آسمان‌ها و زمین و آن چه را میان آنهاست در شش روز آفریدیم، و هیچ رنج و درماندگی به ما نرسید).

پروردگار و آفریدگار عالم می‌توانست با یک کلمه جهان را خلقت کند، ولی آن را در عرض شش روز که هر یک از آن روزها هزار سال ماست آفرید.

آری، خیلی از مشکلات با صبر و حوصله و گذشت زمان حل می‌شوند؛ توقع نداشته باشیم یک مشکل در یک لحظه حل شود.

خواهرم اگر لغزشی از شوهرت یافتی آبرویش را حفظ کن و او را خُرد نکن و با شکیبایی او را پند ده؛ برادرم با همسرت مهربان باش و سعی نکن با خشونت لغزشش را اصلاح کنی بلکه به او مهلت ده تا خود را اصلاح کند.

---

(۱) اسراء : ۵۳.

بدان ای برادر و ای خواهرم که هیچ امری بدون اراده و تقدیر الهی صورت نمی‌گیرد؛ الله ﷻ می فرمایند: **{مَا أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَن نَّبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (٢٢) لِّكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ}**[١]: (هیچ مصیبتی در زمین و نه در وجود شما روی نمی‌دهد مگر این که همه آنها قبل از آن که زمین را بیافرینیم در لوح محفوظ ثبت است؛ و این امر برای الله آسان است * این به خاطر آن است که برای آن چه از دست داده‌اید تأسف نخورید، و به آن چه به شما داده است دلبسته و شادمان نباشید؛ و الله هیچ متکبّر فخرفروشی را دوست ندارد).

درست است که مصیبت و بیماری و گرفتاری‌ها تلخ هستند ولی هر دردی درمانی دارد؛ اگر بر فردی تقدیر گشته که بیمار گردد باید از این تقدیر به تقدیری دیگر و آن هم درمان آن پناه ببرد، و اگر هم درمان نگردد پاداش سعی و تلاش و دعای خود را برای بهبودی حالش خواهد داشت.

و بدانیم که هرگز الله ﷻ دستانی که به سوی وی بالا رود را خالی بر نمی‌گرداند؛ الله ﷻ می فرمایند: **{أَمَّن يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ}**[٢]: (کیست آن کس که درمانده را -چون وی را بخواند- اجابت می‌کند، و گرفتاری را برطرف می‌گرداند).

رسول الله ﷺ نیز می فرمایند: «**لَا يَزِيدُ فِي الْعُمْرِ إِلَّا الْبِرُّ، وَلَا يَرُدُّ الْقَدَرَ إِلَّا**

---

(١) حدید : ٢٢-٢٣.

(٢) نمل : ٦٢.

الدُّعَاءُ، وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيُحْرَمُ الرِّزْقَ بِخَطِيئَةٍ يَعْمَلُهَا))[1]: (جز کار نیک چیزی باعث ازدیاد عمر نمی‌شود، و جز دعا چیزی قضا و قدر را تغییر نمی‌دهد، و مردی از روزی‌اش به خاطر انجام گناهی محروم می‌گردد).

و دعای فرد نیز استجابت می‌گردد در صورتی که عجله نکند و نگوید که دعا کردم و استجابت نشد؛ رسول الله ﷺ می فرمایند: ((**يُسْتَجَابُ لِأَحَدِكُمْ مَا لَمْ يَعْجَلْ، فَيَقُولُ: قَدْ دَعَوْتُ فَلَمْ يُسْتَجَبْ لِي**))[2]: (دعای هر کدام از شما قبول می‌شود، مادامی که عجله نکند، بگوید: به درگاه الهی دعا کردم و از من قبول نشد).

همچنین رسول الله ﷺ می فرمایند: ((**ادْعُوا اللَّهَ وَأَنْتُمْ مُوقِنُونَ بِالْإِجَابَةِ، وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءً مِنْ قَلْبٍ غَافِلٍ لَاهٍ**))[3]: (خواسته خود را از الله بخواهید در حالی که به قبولی دعای خود اطمینان دارید. و بدانید که الله متعال از دل غافل و مشغول دعا را قبول نمی‌کند).

در کنار دعا به توبه و اظهار پشیمانی به درگاه الهی نیاز است، الله ﷻ می فرمایند: **﴿أَوَلَمَّا أَصَابَتْكُم مُّصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُم مِّثْلَيْهَا قُلْتُمْ أَنَّى هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِندِ أَنفُسِكُمْ﴾**[4]: (آیا زمانی که -در جنگ احد- آسیبی به شما رسید که بی‌تردید دو برابرش را -در جنگ بدر به دشمن- رساندید، گفتید: این مصیبت از کجاست؟! بگو: از ناحیه خود شماست).

---

(۱) حسن. ابن‌ماجه در کتاب سننش، شماره ۸۷.

(۲) صحیح. ابوداود در کتاب سننش، شماره ۱۲۷۱.

(۳) صحیح. ترمذی در کتاب سننش، شماره ۳۴۲۶.

(۴) آل عمران: ۱۶۵.

ظاهرا جدایی یوسف عليه السلام از پدرش یعقوب عليه السلام و به چاه انداختنش سخت و دردناک بود، اما عزت و سربلندی یوسف عليه السلام پس از این امتحان ستودنی و افتخار آفرین بود.

احادیثی که در مدح و ستایش صبر آمده زیاد است از جمله:

الف) رسول الله صلى الله عليه وسلم از بهترین اعمال سؤال شدند و فرمودند: ((**الصَّبْرُ وَالسَّمَاحَةُ**))[1]: (صبر و بخشندگی).

ب) رسول الله صلى الله عليه وسلم می‌فرمایند: ((**احْفَظْ اللَّهَ يَحْفَظْكَ، احْفَظْ اللَّهَ تَجِدْهُ أَمَامَكَ، تَعَرَّفْ إِلَيْهِ فِي الرَّخَاءِ، يَعْرِفْكَ فِي الشِّدَّةِ، وَإِذَا سَأَلْتَ، فَاسْأَلْ اللَّهَ، وَإِذَا اسْتَعَنْتَ، فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ، قَدْ جَفَّ الْقَلَمُ بِمَا هُوَ كَائِنٌ، فَلَوْ أَنَّ الْخَلْقَ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَرَادُوا أَنْ يَنْفَعُوكَ بِشَيْءٍ لَمْ يَكْتُبْهُ اللَّهُ عَلَيْكَ، لَمْ يَقْدِرُوا عَلَيْهِ، وَإِنْ أَرَادُوا أَنْ يَضُرُّوكَ بِشَيْءٍ لَمْ يَكْتُبْهُ اللَّهُ عَلَيْكَ، لَمْ يَقْدِرُوا عَلَيْهِ، وَاعْلَمْ أَنَّ فِي الصَّبْرِ عَلَى مَا تَكْرَهُ خَيْرًا كَثِيرًا، وَأَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ، وَأَنَّ الْفَرَجَ مَعَ الْكَرْبِ، وَأَنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا**))[2]: (الله را حفظ کن تا تو را حفظ کند، الله را حفظ کن او را در برابرت می‌یابی، در هنگام آسایش و آسودگی الله را به یاد داشته باش تا در موقع سختی و دشواری حافظ و نگهدار تو باشد، اگر چیزی می‌خواهی از الله بخواه، و اگر یاری می‌جویی از الله بجوی؛ قلم –در لوح محفوظ– تمامی چیزهایی که رخ می‌دهند را نوشته است؛ و اگر تمام مردم جمع شوند تا به تو نفعی برسانند، نمی‌توانند، مگر چیزی را که الله برایت نوشته و مقدر کرده است، واگر همه جمع شوند تا به تو ضرری برسانند، نمی‌توانند، مگر آن چه الله برایت نوشته و مقدر

---

(۱) حسن. ابن‌ابی شیبه در کتاب مصنفش، شماره ۲۹۸۰۳.

(۲) صحیح. احمد در کتاب مسندش، شماره ۲۶۹۹.

کرده است. و بدان در صبری که مقابل آن چه دوست نداری پیشه می‌گیری خیر بسیاری نهفته است، و این که نُصرت و یاری همراه با صبر است، و گشادگی همراه با سختی، و دشواری همراه با آسانی است).

ت) رسول الله ﷺ می‌فرمایند: ((**إِنَّ اللَّهَ ﷻ إِذَا أَحَبَّ قَوْمًا ابْتَلَاهُمْ، فَمَنْ صَبَرَ فَلَهُ الصَّبْرُ، وَمَنْ جَزِعَ فَلَهُ الْجَزَعُ**))[1]: (هرگاه الله ـ قومی را دوست بدارد آنان را آزمایش می‌کند، پس کسی که صبر نمود برای او -اجر و پاداش- صبر می‌باشد، و کسی که بی‌تابی کند برای او فقط بی‌تابیش را می‌نویسند).

ث) رسول الله ﷺ می‌فرمایند: ((**مَا يَكُونُ عِنْدِي مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ أَدَّخِرَهُ عَنْكُمْ، وَمَنْ يَسْتَعْفِفْ يُعِفَّهُ اللَّهُ، وَمَنْ يَسْتَغْنِ يُغْنِهِ اللَّهُ، وَمَنْ يَتَصَبَّرْ يُصَبِّرْهُ اللَّهُ، وَمَا أُعْطِيَ أَحَدٌ عَطَاءً خَيْرًا وَأَوْسَعَ مِنَ الصَّبْرِ**))[2]: (آن چه نزد من باشد، من آن را از شما دریغ نخواهم کرد. ولی هرکس از خواستن، اجتناب کند، الله او را از خواستن، بی‌نیاز می‌سازد. و هرکس، اظهار بی‌نیازی کند، الله او را بی‌نیاز می‌سازد. و هرکس صبر را پیشه سازد، الله به او صبر، نصیب خواهد کرد. و به هیچ کس، نعمتی بهتر و فراخ‌تر از صبر، عنایت نشده است).

پ) همچنین رسول الله ﷺ در وصف صبر می‌فرمایند: ((**وَالصَّبْرُ ضِيَاءٌ**))[3]: (و صبر روشنایی است).

آری، صبر همچون خورشید تابان به زندگی مؤمن روشنایی می‌دهد و با صبر

---

(۱) صحیح. احمد در کتاب مسندش، شماره ۲۳۰۰۰.

(۲) بخاری در کتاب صحیحش، شماره ۱۳۸۲.

(۳) مسلم در کتاب صحیحش، شماره ۳۳۳.

و حوصله خوب را از بد تشخیص می‌دهد.

۹- مشورت.

رسول الله ﷺ می‌فرمایند: ((**الْمُسْتَشَارُ مُؤْتَمَنٌ**))[۱]: (مشاور باید امانت‌دار باشد).

فردی که با او مشورت می‌کنیم باید باتجربه، موفق، عالم، دیندار، آینده‌نگر و هوشیار باشد؛ چه بسا با فردی ناموفق و بی تجربه مشورت کنیم و به جای اصلاح زندگی را خراب و ویران کند.

کسی که داد خود را پیش فردی می‌برد که دیندار و هوشیار نیست در مشورت گرفتن خیانت کرده است، زیرا باید در مشورت خود به فردی که امانت‌دار بوده و در ادای امانت نصیحتی دلسوزانه و عالمانه دارد رجوع می‌کرد.

زنی بی‌لیاقت به بهانه این که شوهرم درد دلم را گوش نمی‌دهد با مرد نامحرمی ارتباط برقرار می‌کند؛ این یکی از بزرگترین خیانت‌های نابخشودنی نزد مردان است.

فردی که اهلیت مشورت ندارد و بدون علم به کسی مشورت می‌دهد در ادای امانت و نصیحت خیانت کرده است؛ ای برادر و ای خواهر مشاور باید امانت‌دار باشد.

۱۰- پوزش طلبیدن.

رسول اللّه ﷺ می فرمایند: ((**مَا نَقَصَتْ صَدَقَةٌ مِنْ مَالٍ، وَمَا زَادَ اللَّهُ عَبْدًا بِعَفْوٍ**

(۱) بخاری در کتاب ادب مفردش، شماره ۲۵۶.

إِلَّا عِزًّا، وَمَا تَوَاضَعَ أَحَدٌ لِلَّهِ إِلَّا رَفَعَهُ اللَّهُ))[1]: (صدقه از مال نمی‌کاهد، و الله ﷻ هنگامی که بنده‌اش کسی را عفو می‌کند چیزی جز عزتش را برای او زیاد نمی‌کند، و هیچ کسی نیست که برای الله ﷻ تواضع کند مگر این که درجه‌اش را بالا می‌برد).

برادر و خواهرم اگر از تو اشتباهی سر زد لجاجت و عنادت نکن؛ بلکه با تواضع و فروتنی عذرخواهی کن و بدان که با این کار ارزش تو پایین نمی‌آید بلکه بالا می‌رود.

ای برادر و ای خواهر اگر کسی نیز از شما عذرخواهی کرد عذر او را بپذیرید؛ الله ﷻ می فرمایند: {**وَأَن تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى**}[2]: (و گذشت کردنِ شما به تقوا نزدیک تر است).

۱۱- عقل و عاطفه.

الله ﷻ می فرمایند: **{أَن تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى}**[3]: (اگر یکی از آن دو زن اشتباه -یا فراموش- کرد، آن دیگری او را یادآوری کند).

بر اساس این آیه در بحث گواه و شهادت دو زن مقابل یک مرد قرار دارند؛ شاید یکی از علت‌های این مسأله غلبه عاطفه زن بر عقلش باشد.

به همین علت یک نوع دیوانگی است که مرد زمانی که نیاز جنسی دارد و حاجت او را همسرش برآورده نمی‌کند با او در مورد ازدواج مجدد مشورت کند یا رضایتش را بخواهد.

---

(۱) امام مسلم در کتاب صحیحش، شماره ۴۶۹۶.

(۲) بقره : ۲۳۷.

(۳) بقره : ۲۳۷.

همچنین یک نوع دیوانگی است زمانی که زنی با شوهرش با خشونت و تندی و عنادت و لجاجت برخورد می‌کند.

هر کدام از عقل و عاطفه را باید در محل خودش گذاشت.

زمانی که مرد جلسه یا مشغله کاری دارد و همسرش مریض است باید آن مرد با مهر و محبت و نوازش کارش را برای همسرش توجیه کند؛ زیرا در این مسائل اولین چیزی که به ذهن زن خطور می‌کند این است که شغل خود را بر من ترجیح می‌دهی یعنی من دیگر برای تو مهم نیستم؟

زن برای خواسته‌های خود اشک می‌ریزد و گریه می‌کند، و مرد چون با عقل نگاه می‌کند نه عاطفه آن اشک‌ها را مظلوم نمایی و مکر و توجیهی برای رسیدن به خواسته‌ها می‌بیند.

۱۲- صلح و خوبی.

الله ﷻ می‌فرماید: **{وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِن بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَن يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنفُسُ الشُّحَّ وَإِن تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا}**[1]: (و اگر زنی از ناسازگاری یا رویگردانی شوهرش بیم داشته باشد، مانعی ندارد با هم صلح کنند، و **صلح بهتر است**؛ اگر چه مردم بخل می‌ورزند. و اگر نیکی کنید و پرهیزگاری پیشه نمایید، قطعاً الله به آنچه انجام می‌دهید آگاه است).

بدون شک مسالمت آمیز بودن زندگی با صلح و صفا و صبر، پاداشش آرامش و آسایش و خوشنودی و خوشبختی است.

---

(۱) حجرات : ۱۰.

به هنگام پدید آمدن مشکل در زندگی:

اول: باید دنبال صلح و سازش بود و زن و مرد خود را اصلاح کنند.

دوم: زمانی که مشکل حل نمی‌شود باید آن را کاهش دهیم؛ به عنوان مثال اگر خواهر یا مادری در زندگی فرد دخالت می‌کنند از آنان فاصله بگیریم.

سوم: اگر توان کاهش مشکل را پیدا نکردیم تنها چاره سازش است؛ به خوبی‌ها بنگریم و چشم از بدی‌ها بپوشانیم.

چهارم: اما در صورتی که امکان سازش نباشد؛ الله ﷻ می‌فرماید: **{فَمَتِّعُوهُنَّ وَسَرِّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا}**[1]: (پس مَهْرشان را بدهید و به صورت پسندیده‌ای رهایشان سازید).

والحمد للهِ الذي بنعمته تتم الصالحات وصلى الله على خير خلقه محمد وعلى آله واصحابه اجمعين.

---

(۱) احزاب : ۴۹.

آزمون سنجش مهارت‌های زندگی

کلیدهای خوشبختی	نمره	زن	مرد	ملاحظات
ادای حقوق و واجبات	۴			
شناخت روان	۴			
روابط فطری (همخوابی)	۴			
ابراز احساسات	۴			
نسبت رضایت کلی	۴			
جمع نمرات	۲۰			

آداب زناشوئی	نمره	زن	مرد	ملاحظات
احترام و تقدیر	۴			
زیبا سخن گوییی	۴			
قاطعیت و شخصیت	۴			
بردباری و صبر	۴			
گذشت و مدارا کردن	۴			
جمع نمرات	۲۰			

نیازهای روحی زن	نمره۴	نیازهای روحی مرد	نمره۴	ملاحظات
امنیت		اطاعت		
اهمیت		راحت بودن		
مهر و محبت		مهر و محبت		
گفتگو		حرف شنوی		
احساس مسئولیت		حفظ حرمت شوهری		
جمع نمرات				

ویران‌گرهای زندگی	نمره	زن	مرد	ملاحظات
خشم و عصبانیت	۴			
انتقام و عقوبت	۴			
مقارنه و قیاس	۴			
قناعت	۴			
دخالت	۴			
جمع نمرات	۲۰			